

پسر ابلیس

Publifye AS



فهرست مطالب

۲	فهرست مطالب
۴	۱ پیش‌گفتار
۶	۱.۱ نکته‌ای درباره چگونگی نگارش این کتاب
۷	۲ یکی از آن دوازده
۱۰	۳ یکی از شما ابلیس است
۱۳	۴ دزد
۱۶	۵ دوست صمیمی
۱۸	۶ یونانی و عبری
۱۸	۱.۶ واژگانی که یهودا را توصیف می‌کنند
۲۰	۲.۶ واژگانی که بها را توصیف می‌کنند
۲۰	۳.۶ واژگانی که شب را توصیف می‌کنند
۲۰	۴.۶ نام‌ها
۲۲	۷ نام‌ها و مکان‌ها
۲۵	۱.۷ خیانتکار در حروف پنهان
۲۹	۸ سی سکه نقره
۳۳	۱.۸ آیه‌ای که خیانت را پنهان می‌کند
۳۶	۲.۸ طومار باز شده
۴۰	۳.۸ نه فقط موجود — بلکه خوشه‌ای
۴۲	۹ فرزند هلاکت
۴۴	۱۰ شیطان در او داخل شد
۴۷	۱۱ شام آخر
۵۰	۱۲ بوسه
۵۳	۱۳ وای بر آن مرد
۵۵	۱۴ بازگرداندن خون‌بها
۵۹	۱۵ مکان مخصوص خود او

۶۱

۱۶ علم پیشین و مسئولیت

۶۴

۱۷ هشدار

۷۰

۱۸ تماس با ما

فصل ۱

پیش‌گفتار

نکته‌ای در مورد اصطلاحات. هر جا در این کتاب به «واترمارک» یک آیه تورات اشاره می‌شود، منظور مجموعه‌ای از کلمات عبری است که با فواصل حروف مساوی (اصطلاح فنی آن-Equidis tant Letter Sequences یا ELS است) در میان صامت‌های آن آیه کدگذاری شده‌اند. توضیح کامل در مورد معنای این اصطلاح و چگونگی آزمایش آن در برابر کنترل‌های نظم تصادفی حروف، موضوع کتاب مکمل The Watermark است که به صورت رایگان در آدرس-junifye.publifye.pro/the-watermark قابل مطالعه می‌باشد.

این کتاب یک پروژه تحقیقاتی است که تحت هدایت و نظارت کامل Publifye AS انجام شده است. دستیار هوش مصنوعی Claude (Anthropic) به عنوان شریک تحقیق و نگارش تحت هدایت گردآورنده عمل کرده و از Darash Bible Service به عنوان تنها ابزار خود برای تمام امور مربوط به کتاب مقدس استفاده کرده است – شامل ۵۷ ترجمه، فرهنگ لغات Strong همراه با واژه‌نامه‌های تخصصی، تحلیل صرفی واژه به واژه، ۴۴۶,۵۴۴ ارجاع متقاطع و ۱۳ لغت‌نامه کتاب مقدس. هر جستجوی آیه، هر مطالعه واژگان یونانی و عبری و هر ردیابی ارجاع متقاطع از طریق Darash انجام شده است. روش کار به صورت تقابلی بود: هوش مصنوعی تحت فشار قرار می‌گرفت تا هر ادعایی را با کتاب مقدس به چالش بکشد، استدلال‌های متقابل بیابد و در هر مرحله برای رد کردن فرضیه تلاش کند. اما نتوانست. کتاب مقدس در هر بار سربلند بیرون آمد. آنچه در دست دارید نتیجه آن است – اثری که از طریق درگیری بی‌وقفه با متن اصلی گردآوری شده، در برابر گواهی کامل کتاب مقدس آزمایش شده و طی همکاری انسان و هوش مصنوعی صیقل یافته است. اعتقاد و باور متعلق به گردآورنده است، ابزار مورد استفاده Darash است و مرجع نهایی تنها کتاب مقدس است. همان‌طور که جامعه ۴:۱۲ می‌گوید: ریسمان سه‌لا به زودی گسسته نمی‌شود – در اینجا، آن ریسمان عبارت است از اعتقاد انسانی، هوش مصنوعی و کلام تغییرناپذیر خداوند.

John 6:70-71 عیسی به ایشان پاسخ داد: «آیا من شما دوازده تن را برگزیدم؟ با این حال، یکی از شما ابلیس است!» او دربارهٔ یهودای اسخریوطی، پسر شمعون، سخن می‌گفت؛ زیرا او که یکی از آن دوازده تن بود، بعداً به او خیانت کرد.

در تمام کتاب مقدس هیچ شخصیتی به اندازه یهودای اسخریوطی مورد نفرت همگانی نیست. نام او در هر زبان و فرهنگی که کتاب مقدس در آن خوانده شده، به ضرب‌المثلی برای خیانت تبدیل شده است. یهودا نامیدن یک شخص، به معنای پست‌ترین نوع خائن خواندن اوست – کسی که نه به یک غریبه، بلکه به یک دوست؛ نه به یک پادشاه، بلکه به پسر خدا؛ و نه برای اصول، بلکه برای سی پاره نقره خیانت می‌کند.

با این حال، با وجود آشنایی بسیار با نام او، یهودا به ندرت با دقتی که نقش او در کتاب مقدس ایجاب می‌کند، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. نام او در فهرست دوازده رسول می‌آید، در لحظات کلیدی روایت‌های انجیل ظاهر می‌شود و در فصل اول اعمال رسولان ناپدید می‌گردد و متیاس جایگزین او می‌شود. میان این دو نقطه، داستانی نهفته است که کتاب مقدس با دقتی حساب‌شده روایت می‌کند – هیچ جزئیاتی بیهوده نیست و هر جزئیاتی به هدفی اشاره دارد.

داستان یهودا سال‌هاست که ذهن مرا به خود مشغول کرده است – نه به عنوان شروری که باید نادیده گرفته شود، بلکه به عنوان هشدار که باید درک گردد. این کتاب تلاش من است برای گردآوری هر آنچه کتاب مقدس درباره یهودای اسخریوطی می‌گوید و بررسی دقیق آن. نه برای گمانه‌زنی فراتر از آنچه مکتوب است، نه برای روان‌کاوی در جایی که کلام ساکت است، بلکه برای دنبال کردن متن به هر کجا که رهنمون شود. هر یک از چهار انجیل جزئیات خاص خود را ارائه می‌دهند. کتاب اعمال رسولان پایان او و معنای الهیاتی آن را ثبت کرده است. مزامیر – که هم عیسی و هم پطرس از آن نقل‌قول کرده‌اند – قرن‌ها پیش از وقوع، خیانت او را پیشگویی کرده بودند. زکریای نبی قیمت را نام برد. و خود عیسی در مقدس‌ترین دعای ثبت شده در کتاب مقدس، یهودا را با لقبی خواند که تنها دو بار در کل کتاب مقدس ظاهر شده است: **پسر هلاکت** (یوحنا ۱۲:۱۷).

سوالاتی که این مطالعه مطرح می‌کند، سوالات راحتی نیستند. آیا عیسی آگاهانه یک خائن را برگزید؟ آیا یهودا برای خیانت پیش‌گزیده شده بود؟ آیا او می‌توانست توبه کند؟ آیا او هرگز یک ایمان‌دار واقعی بود؟ و داستان او امروز به کلیسا درباره امکان همگام بودن با مسیح و در عین حال گم‌گشته بودن چه می‌گوید؟

روش کار در اینجا همانند کتاب‌های مکمل در این مجموعه است. متن اصلی، کتاب مقدس نسخه کینگ جیمز است. ارجاعات متقاطع از Treasury of Scripture Knowledge استخراج شده و با استفاده از فرهنگ لغات Strong در برابر متن اصلی عبری و یونانی تایید شده‌اند. جستجوی آیات کتاب مقدس از طریق API کتاب مقدس Darash انجام شده که دسترسی به چندین ترجمه و تعاریف Strong را فراهم می‌کند. هر ادعایی در کتاب مقدس لنگر انداخته است. هر جا کتاب مقدس سخن می‌گوید، ما سخن می‌گوییم. هر جا کتاب مقدس ساکت است، ما سکوت می‌کنیم.

Acts 1:16 · ای برادران، می‌بایست آن نوشته کتاب مقدس به تحقق می‌رسید که روح القدس پیشتر از زبان داود درباره یهودا گفته بود، همان که راهنمای دستگیرکنندگان عیسی گشت.

پطرس در برابر آن صد و بیست نفر در بالاخانه ایستاد و گفت آنچه بر سر یهودا آمد «می‌بایست به تحقق می‌رسید.» روح القدس پیشتر از طریق داود درباره آن سخن گفته بود. این موضوع در مزامیر مکتوب بود. خیانت به پسر خدا توسط یکی از دوازده برگزیده خود او، یک اتفاق، یک غافلگیری یا انحرافی از نقشه نبود. این امر پیشگویی شده بود، پیش‌دانسته بود و اجازه وقوع یافته بود – و با این حال، همان‌طور که خواهیم دید، یهودا مسئولیت کامل عمل خود را بر عهده داشت.

آن تقابل – میان حاکمیت الهی و مسئولیت انسانی – در هر فصل از این کتاب جریان دارد، زیرا در هر آیه‌ای که از یهودا نام می‌برد، جاری است. عیسی او را برگزید در حالی که می‌دانست چه خواهد کرد. عیسی او را دوست داشت، پاهایش را شست و به او نان تعارف کرد. و عیسی اجازه داد او به دل شب برود.

۱.۱ نکته‌ای درباره چگونگی نگارش این کتاب

این کتاب توسط Publifye AS با استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی و **Darash Bible Service** (darash.publifye.pro) گردآوری شده است. این پلتفرم دسترسی به یک کتابخانه تحقیقاتی عظیم، شامل ۵۷ ترجمه کتاب مقدس و لغت‌نامه‌های تخصصی مانند-Interna Standard Bible Encyclopedia، Strong's Concordance، Easton's و غیره را فراهم می‌کند.

تحقیقات توسط **Claude** (Anthropic) سازماندهی شده است، یک دستیار هوش مصنوعی که جستجوی آیات، ارجاعات متقاطع و مطالعات واژگان یونانی و عبری را انجام داده است. این شامل تحلیل کامل مورفولوژیک (ساخت‌واژی) است که در واقع روشی برای بررسی دستور زبان زیربنایی و ریشه هر کلمه می‌باشد. در حالی که Claude تحت هدایت Publifye AS متن را پیش‌نویس کرده است، هر ادعای الهیاتی مستقیماً بر اساس کتاب مقدس بنا شده و توسط شما در برابر منابع ذکر شده قابل راستی‌آزمایی است.

متوجه خواهید شد که متن از لحنی صمیمی و اول‌شخص استفاده می‌کند. این یک انتخاب ادبی است – راهی برای تبدیل یک پژوهش غلیظ به یک گفتگو. هیچ نویسنده انسانی واحدی پشت این «من» نیست؛ بلکه این سنتزی از داده‌های کتاب مقدسی است. در حالی که سبک نگارش محاوره‌ای است، شواهد واقع‌گرایانه هستند و ما شما را تشویق می‌کنیم که هنگام مطالعه، مطالب را بررسی و تایید کنید.

Publifye AS مارس ۲۰۲۶

فصل ۲

یکی از آن دوازده

Matthew 10:1-4 · او دوازده شاگرد خود را فرا خواند و به آنان قدرت داد تا روح‌های پلید را بیرون کنند و هر نوع بیماری و رنجوری را شفا بخشند. نام‌های این دوازده رسول از این قرار است: اول شمعون که پطرس نامیده می‌شد، و برادرش اندریاس؛ یعقوب پسر زبدی و برادرش یوحنا؛ فیلیپس و برتولما؛ توما و متی باجگیر؛ یعقوب پسر حلفی، و تدی؛ شمعونِ قانونی و یهودای اسخریوطی، همان که او را تسلیم کرد.

هر فهرستی از دوازده رسول در عهد جدید، یهودای اسخریوطی را در آخرین رتبه قرار می‌دهد. متی ۱۰:۴، مرقس ۳:۱۹، لوقا ۶:۱۶ – در هر مورد، یازده نفر دیگر ابتدا نام برده می‌شوند و یهودا در پایان می‌آید، و همیشه همان توصیف تلخ و ناگوار به نام او چسبیده است. متی می‌گوید: «همان که او را تسلیم کرد.» مرقس می‌گوید: «که او را تسلیم نمود.» لوقا حتی از واژه «تسلیم کردن» فراتر می‌رود و او را آشکارا همان‌گونه که بود می‌نامد: «یهودای اسخریوطی که خائن گشت» (لوقا ۶:۱۶). واژه یونانی که انجیل‌ها برای «تسلیم کرد» (خیانت کرد) به کار می‌برند، παραδίδωμι paradidōmi^{G3860} است و ریشه‌شناسی آن به خودی خود تصویری از این عمل است: παρά para^{G3844} (در کنار) و δίδωμι didōmi^{G1325} (دادن). خیانت کردن در لغت به معنای «دادن در حالی که در کنار کسی ایستاده‌ای» است – یعنی تحویل دادن کسی از درون حلقهٔ اعتماد. یهودا از دور به عیسی حمله نکرد. او در کنار او راه رفت، با او غذا خورد، او را بوسید – و او را تحویل داد. و در اینجا وزنی است که این واژه فراتر از خیانت با خود حمل می‌کند: همان واژه παραδίδωμι paradidōmi^{G3860} توسط پولس برای عمل خود خدا به کار رفته است: «او که پسر خود را دریغ نداشت، بلکه او را در راه همهٔ ما تسلیم کرد» (رومیان ۸:۳۲). فعل خیانت و فعل نجات، همان واژه یونانی هستند. آنچه یهودا در خیانت انجام داد، خدا در محبت انجام داد. هر دو او را تسلیم کردند. یکی برای نقره، دیگری برای جهان.

نام اسخریوطی موضوع بحث‌های علمی قابل توجهی بوده است. پذیرفته‌شده‌ترین ریشه، از کلمهٔ عبری Ish-Kerioth است – «مردی از قریوت.» قریوت شهری در جنوب یهودیه بود (یوشع ۱۵:۲۵ – هرچند متن عبری در آنجا به احتمال زیاد قریوت‌حصرون خوانده می‌شود که با حاصور یکی دانسته شده است؛ تنها قریوت بی‌ابهام در کتاب مقدس در موآب قرار دارد). اگر این درست باشد، پس یهودا تنها کسی از آن دوازده نفر بود که جلیلی نبود. او یک یهودیه‌ای در میان جلیلیان بود، از همان ابتدا بیگانه‌ای در حلقهٔ درونی. و سرزمینی که او از آن آمده بود، پژواک تاریک خود را دارد: یهودا از یهودیه (Judah) آمد – و این یهودای پطریارک بود که برای اولین بار پیشنهاد فروختن برادر در ازای نقره را داد. «اگر برادرمان را بکشیم و خونش را پنهان کنیم، چه سودی دارد؟ بیایید او را به اسماعیلیان بفروشیم» (پیدایش ۳۷:۲۶-۲۷). مردی از سرزمین یهودا، کاری را تکرار کرد که مردی به نام یهودا انجام داده بود: او پسر محبوب را در ازای سکه‌های نقره به غیریهودیان فروخت. این شاید توضیحی باشد برای اشاره‌ای که

در انجیل یوحنا به یهودا شده است: «یهودا، پسر شمعون اسخریوطی» (یوحنا ۶:۷۱، ۱۳:۲، ۱۳:۲۶) – پدر او شمعون نیز با این محل منشأ شناخته می‌شد تا این یهودا از شاگرد دیگر که نامش یهودا (برادر یعقوب) بود، متمایز شود.

آنچه در فهرست‌های رسولان تکان‌دهنده است، این است که فراتر از عمل نهایی یهودا، اطلاعات ناچیزی درباره او به ما داده شده است. پطرس به عنوان نفر اول توصیف شده است. متی باجگیر خوانده شده است. شمعون، قانونی (یا غیور) نامیده شده است. اما یهودا هیچ توصیفی از شخصیت، دعوت یا پیشینه خود دریافت نمی‌کند – تنها نشانی از آنچه خواهد شد. انجیل‌ها به زندگی‌نامه او علاقه‌ای ندارند. آن‌ها به نقش او در داستان رستگاری علاقه‌مندند، و آن نقش یگانه است: او کسی بود که پسر خدا را تسلیم کرد.

با این حال، پیش از آن عمل نهایی، یهودا شرکت‌کننده‌ای تمام‌عیار در خدمت عیسی بود. وقتی عیسی آن دوازده نفر را دو به دو فرستاد تا به ملکوت موعظه کنند، دیوها را بیرون برانند و بیماران را شفا دهند (مرقس ۶:۷-۱۳)، یهودا در میان آن‌ها بود. به او همان اقتداری داده شد که به پطرس داده شده بود، و همان قدرتی که به یوحنا. او همان پیام را موعظه کرد. او احتمالاً همان معجزات را دید. در انجیل‌ها هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که یهودا در طول سال‌های خدمت عمومی عیسی، به ظاهر تفاوتی با یازده نفر دیگر داشته باشد. وقتی عیسی در شام آخر اعلام کرد که یکی از آن‌ها به او خیانت خواهد کرد، شاگردان فوراً به یهودا اشاره نکردند. آن‌ها «با حیرت به یکدیگر نگاه می‌کردند و نمی‌دانستند در حق که می‌گوید» (یوحنا ۱۳:۲۲). هر یک پرسیدند: «خداوندا، آیا من هستم؟» (متی ۲۶:۲۲). یهودا به عنوان مظنون بدیهی جلوه نکرد.

این یک جزئیات عمیقاً نگران‌کننده است – و باید شما را نگران کند. اگر یهودا توانست به مدت سه سال در همان سفره‌ای بنشیند که پسر خدا نشسته بود و تغییر نکند، پس مجاورت با مسیح به معنای تصاحب مسیح نیست. مردی سه سال با عیسی راه رفت، هر موعظه‌ای را شنید، شاهد هر معجزه‌ای بود، در هر مأموریتی شرکت کرد – و در قلبش تغییر نکرد. نزدیکی به مسیح او را نجات نداد. قدرت مسیح که از طریق او جریان می‌یافت، او را دگرگون نکرد. او آن‌قدر نزدیک بود که پسر خدا را لمس کند، و با این حال، به گفته خود عیسی، او یک ابلیس بود (یوحنا ۶:۷۰).

Mark 3:13-19 پس بر فراز کوهی برآمده، هرکه را خواست به نزد خود طلبی و ایشان نزد او آمدند. و دوازده نفر را مقرر فرمود تا همراه او باشند و تا ایشان را بجهت وعظ نمودن بفرستد، و ایشان را قدرت باشد که مریضان را شفا دهند و دیوها را بیرون کنند. و شمعون را پطرس نام نهاد. و یعقوب پسر زبدی و یوحنا برادری یعقوب؛ این هر دو را بوانرجس یعنی پسران رعد نام گذارد. و اندریاس و فیلیپس و برتولما و متی و توما و یعقوب بن حلفی و تدی و شمعون قانونی، و یهودای اسخریوطی که او را تسلیم کرد.

مرقس به ما می‌گوید که عیسی «هر که را خود می‌خواست نزد خویش خواند.» انتخاب آن دوازده نفر یک عمل حاکمیتی بود. این یک فراخوان داوطلبانه نبود. عیسی آن‌ها را خواند. او آن‌ها را برگزید. لوقا جزئیاتی را اضافه می‌کند که اهمیت موضوع را عمیق‌تر می‌کند: «چون روز شد، شاگردان خود را فرا خواند و از میان آن‌ها دوازده نفر را برگزید و ایشان را رسول نامید»

(لوقا ۱۳:۶). عیسی تمام شب پیش از آن را در دعا سپری کرده بود (لوقا ۱۲:۶) و سپس این انتخاب را انجام داد. او تمام شب دعا کرد – و سپس یهودا را برگزید.

این یک اشتباه نبود. عیسی درباره یهودا اشتباه قضاوت نکرد. او پتانسیلی را ندید که بعدها فاسد شود. او از روز اول می‌دانست یهودا چیست و چه خواهد کرد. یوحنا این موضوع را صریح بیان می‌کند: «زیرا عیسی از ابتدا می‌دانست چه کسانی ایمان نمی‌آورند و کیست که او را تسلیم خواهد کرد» (یوحنا ۶:۶۴). از ابتدا، نه از لحظه‌ای که یهودا نزد سران کاهنان رفت. نه از لحظه‌ای که شیطان وارد او شد. از ابتدا – از شب دعا بر فراز کوه، از لحظه‌ای که یهودا را به نام خواند و او را در شمار آن دوازده نفر آورد.

این پرسش فشار می‌آورد: چرا؟ چرا کسی را انتخاب کنی که می‌دانی به تو خیانت خواهد کرد؟ چرا یک خائن را در حلقه درونی خود بگنجانی؟ چرا پاهای کسی را بشویی که تو را به قیمت یک برده خواهد فروخت؟

پاسخ، تا آنجا که کتاب مقدس آن را آشکار می‌کند، توسط خود عیسی در بالاخانه داده شده است: «درباره همه شما سخن نمی‌گویم؛ من کسانی را که برگزیده‌ام می‌شناسم. اما باید نوشته‌ای از کتاب مقدس به تحقق بپیوندد که می‌گوید: «آن که نان مرا می‌خورد، پاشنه خود را بر ضد من بلند کرده است»» (یوحنا ۱۳:۱۸). گنجاندن یهودا در میان آن دوازده نفر، علیرغم نبوت نبود – بلکه به خاطر نبوت بود. کتب مقدس پیشگویی کرده بودند که مسیح توسط یک دوست نزدیک تسلیم خواهد شد، کسی که با او هم‌سفره بوده است (مزمیر ۴۱:۹). برای اینکه آن نبوت محقق شود، خائن باید کسی از نزدیکان می‌بود. او باید یکی از آن دوازده نفر می‌بود.

و چنین شد که یهودا جای خود را در سفره گرفت، اقتدار خود را دریافت کرد، مأموریت خود را به انجام رساند و منتظر ماند – یا بهتر بگوییم، انتظار او را می‌کشیدند – تا ساعت مقرر فرا رسد.

فصل ۳

یکی از شما ابلیس است

John 6:70-71 عیسی در پاسخ ایشان گفت: «آیا من شما دوازده تن را برنگزیدم؟ با این حال، یکی از شما ابلیس است!» منظور او یهودای اسخریوطی، پسر شیمعون بود؛ زیرا او که یکی از آن دوازده تن بود، قصد داشت به او خیانت کند.

فصل ششم انجیل یوحنا یک نقطه عطف را ثبت کرده است. عیسی آن پنج هزار نفر را خوراک داده است. جمعیت کثیری او را دنبال می‌کنند. و سپس او شروع به تعلیم چیزی می‌کند که آن‌ها را از خود می‌راند: «آمین، آمین، به شما می‌گویم، اگر بدن پسر انسان را نخورید و خون او را ننوشید، در خود حیات ندارید» (یوحنا ۶:۵۳). این بیان تعمداً دشوار است. این یک آزمایش است، و جمعیت در آن شکست می‌خورند. «از آن زمان، بسیاری از شاگردان او بازگشتند و دیگر با او همراهی نکردند» (یوحنا ۶:۶۶).

عیسی رو به آن دوازده تن کرده و سؤالی می‌پرسد که طنین غم در آن است: «آیا شما هم می‌خواهید بروید؟» (یوحنا ۶:۶۷). پطرس به نمایندگی از گروه، با یکی از بزرگ‌ترین اعترافات کتاب مقدس پاسخ می‌دهد: «خداوندا، نزد کی برویم؟ کلمات حیات جاودان نزد توست. ما ایمان آورده‌ایم و می‌دانیم که تو آن قدوس خدایی» (یوحنا ۶:۶۸-۶۹).

و آنگاه عیسی سخنی می‌گوید که لابد لرزه بر اندام تک‌تک آن‌ها انداخته است: «آیا من شما دوازده تن را برنگزیدم؟ با این حال، یکی از شما ابلیس است!» (یوحنا ۶:۷۰).

واژه یونانی که در اینجا «ابلیس» ترجمه شده است، ^{G1228}δῆλος diabolos می‌باشد. این واژه ^{G1140}δαίμονιον daimonion (یک دیو، یا روحی پلید و مرتبه‌ای پایین‌تر) نیست. بلکه ^{G1228}δῆλος diabolos است – همان واژه‌ای که در سرتاسر عهد جدید برای خود شیطان به کار رفته است. این واژه به معنای «افترا زننده» و «متهم‌کننده دروغین» است، کسی که در برابر خدا می‌ایستد. وقتی عیسی یهودا را یک ^{G1228}δῆλος diabolos می‌نامد، از یک استعاره به شکلی گذرا استفاده نمی‌کند. او یهودا را با خود خصم (شیطان) یکی می‌انگارد. ارجاعات متقابل برای یوحنا ۶:۷۰ به یوحنا ۸:۴۴ اشاره دارند، جایی که عیسی به فریسیان می‌گوید: «شما از پدر خود ابلیس هستید»، و نیز به اول یوحنا ۳:۸: «آن که گناه می‌کند از ابلیس است، زیرا ابلیس از آغاز گناهکار بوده است.» این ارجاعات همچنین به یوحنا ۱۳:۲ اشاره دارند، جایی که ابلیس وسوسه خیانت را در قلب یهودا می‌نهد، و به یوحنا ۱۳:۲۷، جایی که شیطان جسماً وارد او می‌شود.

یوحنا به وضوح به ما می‌گوید منظور عیسی که بود: «منظور او یهودای اسخریوطی، پسر شیمعون بود؛ زیرا او که یکی از آن دوازده تن بود، قصد داشت به او خیانت کند» (یوحنا ۶:۷۱). آیه‌ای که عنوان این کتاب از آن گرفته شده است. ابزار دست ابلیس بر سر سفره نشسته بود.

او برگزیده شده بود، نامیده شده بود، مأموریت یافته بود، و بر ارواح ناپاک اقتدار یافته بود – و با این حال، او یک ابلیس بود.

به زمان‌بندی دقت کنید. این اعلام مدت‌ها پیش از خیانت صورت می‌گیرد. پیش از تدهین در بیت‌عنیا، پیش از ورود به اورشلیم، و پیش از شام آخر. عیسی در واکنش به کاری که یهودا انجام داده سخن نمی‌گوید، بلکه آنچه را که یهودا «هست» فاش می‌کند. زمان فعل در زبان یونانی حال است: یکی از شما ابلیس است. نه اینکه «خواهد شد»، یا «در خطر تبدیل شدن است»، بلکه: است.

John 6:64 · اما برخی از شما هستند که ایمان ندارند.» زیرا عیسی از آغاز می‌دانست که چه کسانی ایمان ندارند و چه کسی به او خیانت خواهد کرد.

دو آیه قبل، یوحنا شالوده الهیاتی سخن عیسی در آیه ۷۰ را به ما ارائه می‌دهد. عیسی از آغاز می‌دانست. واژه «آغاز» (^{G746} ἀρχή archē) همان واژه‌ای است که در یوحنا ۱:۱ به کار رفته است: «در ابتدا کلمه بود.» این تنها به معنای «از شروع خدمت عمومی» نیست، بلکه بار سنگین علم ازلی را بر دوش دارد. عیسی که پیش از آفرینش جهان با پدر بود، یهودا را پیش از آنکه یهودا خودش را بشناسد، می‌شناخت.

و با این حال، او را برگزید. ارجاعات متقابل این آیه (یوحنا ۶:۶۴) به یوحنا ۲:۲۴-۲۵ پیوند می‌خورند، جایی که می‌خوانیم عیسی «خود را به ایشان نمی‌سپرد، زیرا همه را می‌شناخت. او نیازی نداشت که کسی درباره انسان شهادت دهد، زیرا می‌دانست در درون انسان چیست.» عیسی پشت هر نقابی را می‌دید. او ایمان پطرس و بی‌ایمانی یهودا را می‌شناخت. او ارادت یوحنا و طمع درون قلب یهودا را می‌دانست. او هر انگیزه، هر فکر پنهان و هر جاه‌طلبی مخفی را می‌خواند – و با این حال، همه آن‌ها را برگزید.

این همان رازی است که بر کل روایت یهودا حاکم است. علم پیشین الهی، انتخاب آزادانه انسان را لغو نمی‌کند. عیسی می‌دانست یهودا آزادانه چه خواهد کرد، و آن عمل آزادانه را در نقشه نجات گنجانده بود. یهودا یک خیمه‌شب‌بازی نبود. او برای خیانت تحت فشار قرار نگرفت. او در هر قدم، راهی را انتخاب کرد که او را به سوی سران کاهنان برد. اما انتخاب او دانسته شده بود، انتخاب او پیش‌گویی شده بود، و انتخاب او در خدمت هدفی بود که بزرگ‌تر از هر آن چیزی بود که یهودا می‌توانست تصور کند.

ارجاعات متقابل یوحنا ۶:۷۰ همچنین به اعمال رسولان ۱:۱۷ اشاره دارد، جایی که پطرس درباره یهودا می‌گوید: «او در شمار ما بود و در این خدمت سهمی داشت.» واژه «سهم یافتن» در اینجا elachen است – او قرعه و سهم خود را دریافت کرد. حتی جایگاه او در میان آن دوازده تن به او واگذار شده بود. و اعمال رسولان ۱۳:۱۰ ثبت کرده است که پولس، غلیماس جادوگر را «ای فرزند ابلیس و دشمن هر پارسایی» خطاب می‌کند – و از زبانی استفاده می‌کند که پژواک سخنان عیسی درباره یهودا است. روحی که در یهودا دمیده شده بود، همان روحی است که در هر نسلی با انجیل مخالفت می‌کند.

«یکی از شما ابلیس است.» این جمله‌ای است که باید هر خواننده‌ای را به تأمل وادارد. نه به این دلیل که ما یهودا هستیم، بلکه به این دلیل که یهودا یکی از آن دوازده تن بود. او

درون آن حلقه بود. او کلمات حیات جاودان را شنید و تکان نخورد. او جلال خدا را در چهره عیسی مسیح دید و ارزش آن را با نقره محاسبه کرد.

فصل ۴

دزد

John 12:4-6 اما یکی از شاگردان او، یعنی یهودای اسخريوطی پسر شمعون، همان که می‌بایست او را تسلیم کند، گفت: «چرا این عطر به سیصد دینار فروخته نشد تا پولش به مستمندان داده شود؟» او این را نه از آن‌رو گفت که نگران مستمندان بود، بلکه از آن‌رو که دزد بود و کیسه پول در نزد او بود و از آنچه در آن ریخته می‌شد، برداشت می‌کرد.

فقط یوحنا این جزئیات را به ما می‌دهد، و آن را با صراحتی بیان می‌کند که جایی برای دلسوزی باقی نمی‌گذارد. یهودا یک دزد بود. او کیسه مشترک را حمل می‌کرد – کیسه پولی که هزینه خدمت سیار عیسی و دوازده شاگرد را تأمین می‌کرد – و از آنچه در آن بود برای خود برمی‌داشت.

صحنه در خانه ایلعازر در بیت‌عنیا، شش روز پیش از عید فصح است (یوحنا ۱۲:۱). مریم، خواهر ایلعازر، یک پوند عطر ناردین – خالص و بسیار گرانبها – را برمی‌دارد و پاهای عیسی را تدهین می‌کند و با موهای خود آن‌ها را خشک می‌نماید. عطر فضای خانه را پر می‌کند. این عملی از روی فداکاری بی‌حد و حصر است، و بلافاصله با اعتراض یهودا مواجه می‌شود: «چرا این عطر به سیصد دینار فروخته نشد تا به فقرا داده شود؟» (یوحنا ۱۲:۵).

سیصد پنس – سیصد دینار – تقریباً دستمزد یک سال یک کارگر ساده بود. این اعتراض معقول به نظر می‌رسد. حتی پارسایانه به نظر می‌رسد. مسلماً این پول می‌توانست برای اطعام گرسنگان مفیدتر باشد تا برای معطر کردن پاهای یک ربی؟ متی و مرقس ثبت کرده‌اند که شاگردان دیگر نیز در این خشم سهیم بودند (متی ۲۶:۸، مرقس ۱۴:۴). اما یوحنا که دهه‌ها بعد با بهره‌مندی از دانش کامل می‌نویسد، به ما می‌گوید که پشت حرف‌های یهودا چه بود: طمع. «او این را نه از آن‌رو گفت که نگران مستمندان بود، بلکه از آن‌رو که دزد بود و کیسه پول در نزد او بود و از آنچه در آن ریخته می‌شد، برداشت می‌کرد.»

واژه یونانی برای «کیسه»، ^{G1101} γλῶσσόκομον glōssokomon است Abbott-Smith. پیشینه آن را دنبال می‌کند: این واژه در ابتدا به جعبه‌ای برای نگهداری زبانه‌ها یا زبانه سازه‌های موسیقی – جعبه فلوت – اشاره داشت. اما در سبعینی، همین واژه برای ترجمه کلمه عبری aron به کار رفته است – کلمه‌ای که برای تابوت عهد استفاده می‌شود (دوم سموئیل ۶:۱۱). کیسه پولی که یهودا حمل می‌کرد، با همان واژه یونانی نامیده شده است که مترجمان برای صندوق مقدسی که حضور خدا را در خود داشت، به کار بردند. ^{G1101} γλῶσσόκομον glōssokomon یک جلال خداوند را در خود داشت. دیگری شامل وجوهی بود که دزد آن‌ها را اختلاس می‌کرد. تا قرن اول، این واژه برای هر نوع صندوق یا جعبه پول به کار می‌رفت. واژه برای «برداشت کردن» G941 ebastadzen است که می‌تواند به معنای «حمل کردن» باشد، اما به معنای

«کش رفتن» نیز هست – یوحنا ممکن است آگاهانه از آن با ابهام استفاده کرده باشد، به این معنا که هم یهودا کیسه را حمل می‌کرد و هم آنچه را که در آن بود می‌ربود.

کتاب Bible Types Wilson's با صراحتی خاص، وزن این جزئیات را تأیید می‌کند. تحت عنوان «کیسه»، ویلسون درباره یوحنا ۱۲:۶ می‌نویسد: «یهودا خزانه‌دار شاگردان بود و از پولی که برای نگهداری به او سپرده شده بود، سرقت می‌کرد. این درسی برای ماست که از آنچه متعلق به خداوند است و برای محافظت در اختیار ما قرار گرفته، سوءاستفاده نکنیم.» درس ساده است: یهودا چیزی را که متعلق به مسیح بود در دست داشت و با آن همچون دارایی خود رفتار می‌کرد. آن کیسه یک امانت‌داری بود، نه یک مالکیت – و آن دزد، امانت‌داری را به خدمت به خود تبدیل کرد. این قدیمی‌ترین گناه در کتاب مقدس است که ردای خدمت بر تن کرده است.

صرف و نحو این آیه چیزی را آشکار می‌کند که در ترجمه انگلیسی پنهان می‌ماند. تمام افعال کلیدی در یوحنا ۱۲:۶ در زمان ماضی استمراری یونانی هستند – emelev («او اهمیت می‌داد»)، ēn («او بود»)، eichen («او داشت»)، G941 ebastadzen («او برمی‌داشت»). زمان ماضی استمراری در یونانی بر عملی مداوم، عادت و تکرار شونده در گذشته دلالت دارد. یوحنا یک لغزش منفرد را توصیف نمی‌کند. او یک الگو را توصیف می‌کند – یک وضعیت جاری. یهودا به‌طور عادت‌ی نسبت به فقرا بی‌تفاوت بود. او به‌طور عادت‌ی دزد بود. او به‌طور عادت‌ی از کیسه پول برداشت می‌کرد. سرقت یک عمل مجزا نبود که پیش از خیانت رخ داده باشد. این شیوه‌ای از زندگی بود که خیانت را ممکن ساخت.

این جزئیات – یهودا به عنوان خزانه‌دار – چیزی درباره جایگاه او در میان دوازده شاگرد به ما می‌گوید. به او اعتماد شده بود. دیگران نمی‌دانستند که او دزدی می‌کند. وقتی عیسی در شام آخر به یهودا گفت آنچه را که می‌خواهی انجام دهی، سریع‌تر انجام بده، سایر شاگردان گمان کردند عیسی او را برای انجام ماموریتی می‌فرستد: «چون کیسه پول نزد یهودا بود، برخی گمان کردند عیسی به او می‌گوید: "آنچه برای عید لازم داریم بخر" یا اینکه چیزی به مستمندان بدهد» (یوحنا ۱۳:۲۹). آن‌ها دلیلی برای سوءظن به او نداشتند. او نقش یک مباشر مسئول را بازی می‌کرد، کسی که امور مالی را مدیریت می‌کرد و نگران فقرا بود.

First Timothy 6:10 · زیرا عشق به پول، ریشه هر نوع بدی است و برخی در آرزوی آن، از ایمان گمراه گشته و خود را به دردهای بسیار دوخته‌اند.

پیوند میان یهودا و عشق به پول در سراسر روایت خیانت جریان دارد. او نزد سران کاهنان رفت و گفت: «به من چه می‌دهید تا او را تسلیم شما کنم؟» (متی ۲۶:۱۵). پرسش صریح است. این یک معامله است. سران کاهنان سی سکه نقره پیشنهاد دادند – قیمتی که توسط زکریا تعیین شده بود، قیمت یک برده طبق شریعت (خروج ۲۱:۳۲). و یهودا پذیرفت.

جا دارد در مورد ناچیز بودن این مبلغ درنگ کنیم. سیصد دینار ارزش عطر مریم بود. سی سکه نقره – شِکِل‌های خروج ۲۱:۳۲ – به مراتب کمتر از نیمی از آن می‌شد. اگر یهودا عیسی را برای پول فروخت، این کار را ارزان انجام داد. ارزشی که او برای پسر خدا قائل شد، کمتر از ارزش یک شیشه عطر بود.

با این حال، کتاب مقدس انگیزه یهودا را تنها به پول تقلیل نمی‌دهد. لوقا به ما می‌گوید که «شیطان در یهودا ... داخل گشت» (لوقا ۲۲:۳) پیش از آنکه او نزد سران کاهنان برود. یوحنا می‌گوید که «ابلیس در دل یهودای اسخریوطی پسر شمعون انداخته بود که او را تسلیم کند» (یوحنا ۱۳:۲). طمع مجرایی بود، اما نیرویی که از آن عبور می‌کرد، شیطانی بود. یهودا از طریق دزدی‌های عادی خود در را باز کرد و چیزی به مراتب تاریک‌تر از آن عبور کرد.

فصل ۵

دوست صمیمی

Psalms 41:9 · آری، حتی دوست صمیمی‌ام که به او اعتماد داشتم و نان مرا می‌خورد، پاشنه خود را بر ضد من بلند کرده است.

عیسی این آیه را در شبی که به او خیانت شد نقل کرد. او در حالی که با آن دوازده تن بر سر سفره نشسته بود و می‌دانست چه اتفاقی در شرف وقوع است، فرمود: «درباره همه شما سخن نمی‌گویم؛ من کسانی را که برگزیده‌ام می‌شناسم. اما این باید به کمال برسد که نوشته شده است: "آن که نان مرا می‌خورد، پاشنه خود را بر ضد من بلند کرده است"» (یوحنا ۱۳:۱۸). مزموری که او نقل کرد، تقریباً هزار سال پیش از آن توسط داوود نوشته شده بود. داوود از تجربه شخصی خود سخن می‌گفت – از همراهی قابل اعتماد که بر ضد او برخاسته بود. اما عیسی آن را در مورد خود و یهودا به کار برد و اعلام کرد که آن کلمات باستانی، تحقق نهایی خود را در وقایع همان شب می‌یابند.

متن عبری مزمور ۴۱:۹ بسیار زنده و گویاست. «دوست صمیمی‌ام» ترجمه ish shelomi است – به معنای لغوی «مرد سلامتی (صلح) من»، مردی که با او عهد صلح و دوستی داشتم. این یک آشنایی معمولی نبود، بلکه شخصی بود که با عمیق‌ترین پیوندهای رفاقت مرتبط بود. «که به او اعتماد داشتم» – واژه عبری آن batachti است، همان واژه‌ای که در سراسر مزامیر برای توکل به خدا به کار رفته است. داوود به این مرد اعتماد کرده بود، آن‌گونه که انسان به خدا توکل می‌کند. «و نان مرا می‌خورد» – در خاور نزدیک باستان، نان خوردن با کسی به معنای ورود به پیمان وفاداری و تعهد متقابل بود. خوردن نان یک نفر و سپس خیانت به او، عمیق‌ترین هتک حرمت محسوب می‌شد. و «پاشنه خود را بر ضد من بلند کرده است» – تصویر اسبی است که به صاحبش لگد می‌زند، یا مردی که پای خود را بلند می‌کند تا کسی را که به او غذا داده است، لگد مال کند.

کتاب Wilson اثر Bible Types، الگوی «پاشنه» را در سرتاسر کتاب مقدس با دقت دنبال می‌کند. ویلسون در مورد مزمور ۴۱:۹ تحت عنوان «پاشنه» می‌نویسد: «از این طریق درمی‌یابیم که یهودا مخفیانه و فریبکارانه به عیسی خیانت کرد و او را به دشمنانش سپرد.» و در مورد پیدایش ۳:۱۵، نخستین نبوت در کتاب مقدس، ویلسون می‌افزاید: «این تمثیل نشان می‌دهد که شیطان سد راه خداوند عیسی در مسیر زمینی‌اش می‌شود و به او آسیب می‌رساند، اما نمی‌تواند او را نابود کند.» واژه پاشنه از باغ عدن تا جتسیمانی جاری است. در پیدایش ۳:۱۵، مار پاشنه نسل زن را می‌کوبد – شیطان به مسیح جراحات وارد می‌کند، اما نمی‌تواند او را نابود سازد. در مزمور ۴۱:۹، دوست صمیمی پاشنه خود را بر ضد کسی که به او روزی داده، بلند می‌کند. و در جتسیمانی، یهودا – که ابزار مار بود – با یک بوسه، پاشنه پسر خدا را می‌زند. این تیپولوژی (الگوواره)، نخستین نبوت کتاب مقدس را به تاریک‌ترین تحقق آن پیوند می‌دهد: عامل مار، که در حلقه نزدیکان و مورد اعتماد بود، پاشنه خود را بر ضد مسیح بلند کرد.

عیسی همه این‌ها را – نانِ مشترک، اعتمادِ شکسته شده، و پاشنه بلند شده – گرفت و فرمود: این درباره من و یهودا است.

Psalms 55:12-14 · زیرا دشمن نبود که مرا ملامت کرد، وگرنه تحمل می‌کردم؛ و نه آن که از من نفرت داشت که بر من کبر فروخت، وگرنه خود را از او پنهان می‌ساختم. بلکه تو بودی، ای مردی که همتای منی، یار و دوست صمیمی من! ما با هم گفتگوهای شیرین داشتیم و در خانه خدا با جماعت راه می‌رفتیم.

مزمور ۵۵ مزمور دیگری از داوود است که مراجع متقاطع آن را به خیانت یهودا مرتبط می‌کنند. داوود مغلوبِ پیمان‌شکنی شده است. شهر او پر از خشونت و نزاع است (مزمور ۵۵:۹). اما آنچه او را در هم می‌شکند، عداوتِ یک دشمن نیست – بلکه خیانت یک دوست است. «زیرا دشمن نبود که مرا ملامت کرد، وگرنه تحمل می‌کردم.» اگر یک مخالف آشکار به او حمله کرده بود، داوود می‌توانست آن را تحمل کند. اما «تو بودی، ای مردی که همتای منی، یار و دوست صمیمی من» – کسی که با او به خانه خدا می‌رفت، کسی که با او گفتگوهای شیرین داشت.

ارجاعات متقاطع از مزمور ۵۵:۱۲-۱۳ مستقیماً به مزمور ۴۱:۹ و به عوبدیا ۱:۷ پیوند می‌خورند، که متحدانی را توصیف می‌کند که «تو را فریب داده و بر تو غلبه یافته‌اند.» آن‌ها همچنین به ارمیا ۲۰:۱۰ متصل می‌شوند، جایی که پیامبر از «جميع اصدقای من» سخن می‌گوید که «مراقب لغزیدن» او هستند. این الگو در سراسر عهد عتیق تکرار می‌شود: ویرانگرترین خیانت‌ها از درون حلقه خودی صورت می‌گیرند.

داوود در مزمور ۵۵:۱۵، حکمی سهمگین برای خیانتکار خود صادر می‌کند: «مرگ بر ایشان ناگهان بتازد و زنده به هاویه فرو روند؛ زیرا شرارت در خانه‌های ایشان و در میان ایشان است.» ارجاعات متقاطع این را به مزمور ۱۰۹:۶-۸ پیوند می‌دهند، جایی که داوود دعا می‌کند: «شریری بر او بگمارد، و ابلیس به دست راست او بایستد. چون داوری شود، محکوم برآید... روزهایش اندک باشد و دیگری منصب او را بگیرد.» پطرس آخرین سطر آن را در اعمال ۱:۲۰ نقل کرد، هنگامی که توضیح می‌داد چرا لازم است کسی جایگزین یهودا در میان آن دوازده تن شود.

مزامیر صرفاً توصیف‌کننده دشمنان شخصی داوود نبودند. آن‌ها به واسطه روح مسیح که در پیامبران بود (۱ پطرس ۱:۱۱)، خیانت آینده مسیح توسط یکی از نزدیکانش را توصیف می‌کردند. رنج‌های داوود یک «تیپ» – یک پیش‌درآمد – از رنج‌های مسیح بود. و خیانت توسط یک دوست صمیمی، یکی از دردناک‌ترین عناصر آن پیش‌درآمد بود.

هنگامی که عیسی در شام آخر فرمود: «تا کلام خدا به انجام رسد» (یوحنا ۱۳:۱۸)، او مدعی بود که تک‌تک این متون عهد عتیق متعلق به اوست. مزامیر داوود، در عمیق‌ترین معنای خود، مزامیر مسیح بودند. دوست صمیمی که پاشنه خود را بلند کرد، یهودای اسخریوطی بود. گفتگوی شیرینی که با هم داشتند، مصاحبت آن دوازده تن بر سر سفره خداوند بود. و آن پاشنه بلند شده، در شرف ضربه زدن بود.

فصل ۶

یونانی و عبری

2 تیموتائوس 2:15 · بکوش تا خود را در حضور خدا مقبول نمایی، کارگری که نیازی به شرمساری نداشته باشد و کلام حقیقت را به درستی تبیین کند.

عهد جدید به زبان یونانی نوشته شده است. عهد عتیق به زبان‌های عبری و آرامی نگاشته شده است. کتاب مقدس نسخه King James یک ترجمه انگلیسی است – وفادار، زیبا و محبوب – اما با این حال یک ترجمه است، و هیچ ترجمه‌ای نمی‌تواند تمام آنچه را که زبان اصلی در خود دارد، به کمال برساند. در فصل‌های پیش رو، با کلمات یونانی و عبری روبرو خواهیم شد که حقایق را آشکار می‌کنند که متن ترجمه به تنهایی قادر به بیان کامل آن‌ها نیست. این فصل، مهم‌ترین آن‌ها را در یک جا گرد آورده است، تا خواننده‌ای که مشتاق تعمق بیشتر است، بتواند چنین کند و وزن زبان اصلی حتی توسط کسانی که هرگز یونانی یا عبری نیاموخته‌اند، احساس شود.

هر کلمه در ادامه از طریق Strong's Concordance و تحلیل ساختاری متن اصلی تأیید شده است. اعداد داخل پرانتز (مانند G1228 یا H3034 شماره‌های مرجع Strong هستند که به هر خواننده‌ای اجازه می‌دهند خودشان مدخل اصلی را جستجو کنند.

۱.۶ واژگانی که یهودا را توصیف می‌کنند

παράδομι Paradiidōmi^{G3860} – کلمه‌ای که در سراسر انجیل‌ها به «خیانت کردن» ترجمه شده است. این واژه از دو بخش تشکیل شده است: παρά para^{G3844} به معنای «در کنار» و δίδωμι didōmi^{G1325} به معنای «دادن». خیانت کردن در زبان یونانی به معنای واقعی کلمه یعنی «دادن در حالی که در کنار ایستاده‌ای» – تسلیم کردن کسی از درون حلقه اعتماد. یهودا از دور حمله نکرد. او عیسی را از نزدیک‌ترین جایگاه به او تسلیم کرد.

همان‌طور که روایت خیانت پیش می‌رود، ساختار دستوری این کلمه تغییر می‌کند. وقتی یهودا برای نخستین بار به دنبال فرصت می‌گردد، فعل در وجه التزامی است – وجه امکان و احتمال: «چگونه او را تسلیم کند» (متی ۲۶:۱۶). در شام آخر، عیسی از زمان آینده استفاده می‌کند: «یکی از شما به من خیانت خواهد کرد» (متی ۲۶:۲۱). وقتی یهودا شناسایی می‌شود، این واژه به یک اسم فاعل تبدیل می‌شود – ho paradidous – «آن که خیانت می‌کند»، یک عمل مداوم، هویت جدید او. و هنگامی که عیسی در جتسیمانی با او سخن می‌گوید، فعل در وجه اخباری حال است: «ای یهودا، با بوسه‌ای پسر انسان را خیانت می‌کنی؟» (لوقا ۲۲:۴۸). دستور زبان، قوس این مسیر را از نیت تا عمل، و از امکان تا واقعیتی هولناک ترسیم می‌کند.

δίαβολος Diabolos^{G1228} – کلمه‌ای که عیسی در یوحنا ۶:۷۰ به کار می‌برد وقتی می‌گوید «یکی از شما دیو است». این واژه δαιμόνιον daimonion^{G1140} (یک روح شرور رده پایین‌تر)

نیست. diabolos کلمه‌ای است که در سراسر عهد جدید برای خود شیطان به کار رفته است. این کلمه به معنای «تهمت‌زننده»، «شاکی دروغین» و کسی است که در تقابل با خدا می‌ایستد. در متن اصلی یونانی یوحنا ۶:۷۰، δῖαβολος diabolos^{G1228} به عنوان یک صفت عمل می‌کند – این کلمه توصیف می‌کند که یهودا چیست، نه اینکه صرفاً عنوانی باشد که به او چسبانده شده است. و فعل G1510 estin («است») در زمان حال و وجه اخباری است – بیانی از یک حقیقت فعلی و مداوم. نه اینکه «خواهد شد». نه اینکه «ممکن است باشد». بلکه «هست».

Ἀπώλεια Apōleia^{G684} – کلمه‌ای که در یوحنا ۱۷:۱۲ به «هلاکت» ترجمه شده است، جایی که عیسی یهودا را «پسر هلاکت» می‌نامد. این واژه به معنای نابودی، ویرانی و خسران مطلق است. این همان کلمه‌ای است که در متی ۷:۱۳ برای راه فراخی که به «هلاکت» می‌انجامد، و در مکاشفه ۱۷:۸ برای وحشی که به «هلاکت» می‌رود، به کار رفته است. خواننده شدن به عنوان «پسر هلاکت» به این معناست که فرد با خود نابودی تعریف شود – نه صرفاً کسی که نابود می‌شود، بلکه کسی که متعلق به نابودی است.

μεταμέλομαι Metamelomai^{G3338} – کلمه‌ای که در متی ۲۷:۳ استفاده شده وقتی یهودا «پشیمان شد». این کلمه به معنای احساس تأسف، تجربه پشیمانی و لبریز شدن از اندوه به خاطر کاری است که فرد انجام داده است. این واژه به طور حیاتی با μετανοέω metanoēō^{G3340} متفاوت است؛ کلمه‌ای که عیسی هنگام وعظ به کار می‌برد: «توبه کنید، زیرا ملکوت آسمان نزدیک است» (متی ۴:۱۷). metanoēō به معنای تغییر کامل فکر، بازگشت و جهت‌دهی دوباره به کل زندگی به سوی خداست. یهودا μεταμέλομαι metamelomai^{G3338} – یعنی پشیمانی – را تجربه کرد. او μετανοέω metanoēō^{G3340} – یعنی توبه – را تجربه نکرد. این تمایز، همان تفاوت بین یهودا و پطرس است. هر دو شکست خوردند. یکی بازگشت؛ دیگری بر ضد خود برخاست.

καταφιλέω Kataphileō^{G2705} – واژه‌ای برای بوسه در جتسیمانی (متی ۲۶:۴۹). این صورت تشدید شده کلمه φιλέω phileō^{G5368} (دوست داشتن، بوسیدن) است – که از κατά kata^{G2596} (بر روی) و φιλέω phileō^{G5368} ترکیب شده است. این کلمه به معنای بوسیدن مشتاقانه، گرم و با ابراز محبت نمایان است. این واژه تنها شش بار در کل عهد جدید ظاهر شده است، و توزیع آن حیرت‌آور است. چهار بار نشانگر محبتی سرشار است: وقتی آن زن گناهکار پاهای عیسی را با محبت بوسید (لوقا ۷:۳۸)؛ وقتی عیسی بوسه‌های بی‌وقفه او را با میزبانی مقایسه کرد که هیچ بوسه‌ای به او نداده بود (لوقا ۷:۴۵)؛ وقتی پدر بر گردن پسر بازگشته افتاد (لوقا ۱۵:۲۰)؛ وقتی پیران افسس در وداع با پولس گریستند (اعمال ۲۰:۳۷). و دو بار نشانگر خیانت است – متی و مرقس هر دو برای آنچه یهودا در باغ کرد، به همین واژه پرشور دست می‌برند (متی ۲۶:۴۹، مرقس ۱۴:۴۵). یهودا از همان کلمه – همان شدت – استفاده کرد که فداکارترین پرستندگان در انجیل‌ها به کار بردند.

Παρά para^{G3844} – کلمه‌ای که رسولان در دعای خود در اعمال ۱:۲۵ برای توصیف سقوط یهودا به کار می‌برند: او «از آن انحراف یافت و سقوط کرد». این واژه به معنای «کنار رفتن از راه، یا منحرف شدن از یک مسیر» است – از παρά para^{G3844} (در کنار) و پایه G939 bainō (گام برداشتن). یهودا لغزش نخورد. او آگاهانه از مسیری که در آن گام برمی‌داشت، بیرون رفت.

۲.۶ واژگانی که بها را توصیف می‌کنند

^{G5092}τιμή Timē — کلمه‌ای که پولس در ۱ قرن‌تیا ۶:۲۰ به کار می‌برد وقتی می‌نویسد «به قیمتی خریده شده‌اید.» timē دو معنا دارد: «قیمت» — مبلغ پرداخت شده در یک معامله — و «عزت/احترام» — شأن و ارزش یک شخص. قیمت و عزت در زبان یونانی یک کلمه هستند. این کلمه هر دو را با خود حمل می‌کند: بهایی که برای برده پرداخت می‌شود، و عزتی که به او بخشیده می‌شود. وقتی یهودا سی سکه نقره دریافت کرد، او ^{G5092}τιμή timē — یعنی یک قیمت — را دریافت کرد. اما خدا آن ^{G5092}τιμή timē را به چیزی تبدیل کرد که یهودا هرگز قصدش را نداشت: عزتِ صلیب، جلالِ نجات.

^{G3083}λύτρον Lytron — کلمه‌ای که در مرقس ۱۰:۴۵ به «فدیه» ترجمه شده است: «زیرا پسر انسان نیز نیامد تا خدمتش کنند، بلکه تا خدمت کند و جان خویش را فدیه (lytron) بسیاری سازد.» این کلمه به معنای بهایی است که برای آزاد کردن یک برده از اسارت پرداخت می‌شود. این واژه از ^{G3089}λύω lyō مشتق شده که به معنای «گشودن، باز کردن و آزاد کردن» است. فدیه زنجیرها را می‌گشاید. خادم بهای برده را پرداخت تا بردگان را آزاد کند.

^{G1401}δοῦλος Doulos — کلمه‌ای که در فیلیپیان ۲:۷ به «غلام» ترجمه شده است، جایی که پولس می‌نویسد عیسی «صورت غلام را پذیرفت.» doulos به معنای یک خدمتکار خانگی نیست. بلکه به معنای برده است — کسی که هیچ حق، اختیار یا ادعایی نسبت به هیچ چیز خود ندارد. عیسی که در صورت خدا بود، صورت یک برده را به خود گرفت. و او به بهای یک برده ارزش‌گذاری شد: سی سکه نقره.

۳.۶ واژگانی که شب را توصیف می‌کنند

^{G1565}ἐκεῖνος Ekeinos — ضمیر اشاره‌ای که یوحنا در یوحنا ۱۳:۳۰ وقتی یهودا شام را ترک می‌کند به کار می‌برد: «آن شخص فوراً بیرون رفت.» نه «او» بلکه «آن شخص.» دستور زبان، یهودا را از گروه متمایز و دور می‌کند. او دیگر یکی از آن‌ها نیست.

^{G1525}Εἰσέλθεν Eiselthen — فعل موجود در یوحنا ۱۳:۲۷ وقتی که «شیطان در او داخل گشت.» این فعل در زمان **ماضی مطلق (Aorist)** است — عملی تکمیل شده، قاطع و برای همیشه. این یک تسخیر تدریجی نبود. بلکه بسته شدن دری بود که در یک لحظه رخ داد.

^{G3485}ναός Naos — کلمه‌ای که در متی ۲۷:۵ برای مکانی که یهودا نقره‌ها را در آن انداخت به کار رفته است. این کلمه ^{G2411}ἱερόν hieron نیست که برای کل محوطه معبد با صحن‌ها و ایوان‌هایش به کار می‌رود. naos قدس یا همان محراب داخلی است — مکانی مقدس که تنها کاهنان اجازه ورود به آن را داشتند. یهودا خون‌بها را به مقدس‌ترین فضای اسرائیل پرتاب کرد.

۴.۶ نام‌ها

^{G2455}Τούδας loudas / ^{H3063}יהודה Yehûdâh — یهودا. این نام به معنای «ستوده» یا «او ستایش خواهد شد» است. این نام از ریشه عبری ^{H3034}יָדָא yādâ مشتق شده که معنای

دوگانه‌ای دارد: «ستایش کردن با دستان گشوده» و «پرتاب کردن، افکندن». مردی که نامش «ستایش» بود، کارش را با پرتاب کردن بهای خون بی‌گناه به پایان رساند.

Iskariōtēs Ἰσκαριώτης^{G2469} – اسخریوطی. از ^{H376}אִישׁ īš به معنای «مرد» و ^{H7151}קִירְיָה qiryāh به معنای «شهر». مرد شهر – به طور خاص، مردی از قریوت، شهری که به احتمال زیاد در جنوب یهودیه بوده است. بیگانه در میان جلیلیان.

Simōn Σίμων^{G4613} – نام پدر یهودا. از نام عبری ^{H8095}שִׁמְעוֹן Šim ōn به معنای «شنیده شده» یا «شنوایی». پسر «شنوایی» نسبت به صدای مسیح ناشنوا شد.

متن فارسی داستان را به ما بازمی‌گوید، اما یونانی و عبری عمق داستان را به ما نشان می‌دهند. باشد که کلمات اصلی کتاب مقدس درک شما را بگشاید، همان‌گونه که خداوند ذهن شاگردان را در راه عموآس گشود (لوقا ۲۴:۴۵).

فصل ۷

نام‌ها و مکان‌ها

Psalms 41:9 · حتی دوستِ نزدیک من که به او اعتماد داشتم، همان که نان مرا می‌خورد، پاشنهٔ خود را بر ضد من بلند کرده است.

کتاب مقدس کتابی است که معانی را در نام‌ها پنهان می‌کند. زبان عبری در هر هجا بار الهیاتی خاصی را حمل می‌کند و نام اشخاص و مکان‌هایی که داستان یهودا در آن‌ها رقم می‌خورد نیز از این قاعده مستثنی نیستند. وقتی آن‌ها را دنبال می‌کنیم – از نام خودِ شخص خیانتکار گرفته تا زمینی که در آن به پایان خود رسید – داستانی را بازگو می‌کنند که هیچ نویسندهٔ انسانی نمی‌توانست آن را طراحی کند.

با نام **یهودا** شروع می‌کنیم. واژهٔ یونانی Ιουδαῖος loudas^{G2455} صورت یونانی واژهٔ عبری יְהוּדָה Yěhûdâh^{H3063} است. این نام به معنای «ستوده شده» یا به تعبیری کامل‌تر، «او ستایش خواهد شد» است. این واژه از ریشهٔ יָדָה yādâ^{H3034} مشتق شده است و واژه‌نامهٔ عبری براون-درایور-بریگز (Brown-Driver-Briggs) فاش می‌کند که این ریشه نه دو، بلکه یک معنای چهارگانه دارد – معنایی که کل قوس زندگی یهودا را ترسیم می‌کند. در حالت: Qal تیراندازی کردن به سوی. در: Piel سنگ‌افکنی بر. در: Hiphil ستایش کردن، سپاس گفتن. و در: Hithpael: اعتراف کردن. تیرانداز. سنگ‌انداز. ستایش‌گر. اعتراف‌کننده. همه در یک ریشه. وقتی لیه چهارمین پسر خود را یهودا نامید، گفت: «این بار خداوند را ستایش خواهم کرد» (پیدایش ۳۵:۲۹). سبط یهودا، سبط ستایش بود، سبط سلطنتی، نسلی که مسیح از آن ظهور می‌کرد. و خیانتکار همین نام را بر خود داشت – نام ستایش، نام سبط مسیحایی. مردی که نامش «ستایش» بود، به کسی خیانت کرد که باید او را ستایش می‌کرد.

و پیکتوگرام‌های نیا-سینایی (proto-Sinaitic) این کنایه را عمیق‌تر می‌کنند. پنج حرف יְהוּדָה Yěhûdâh در شکل تصویری اصلی‌شان چنین خوانده می‌شوند: **Yod** (دستی در کار)، **He** (مردی با دست‌های برافراشته – بنگر!)، **Vav** (یک میخ/قلاب)، **Dalet** (یک در)، **He** (دوباره: بنگر). دست – بنگر – میخ – در – بنگر. مردی به نام یهودا در را باز کرد. و پشت آن در، دست و میخ بود.

و ریشهٔ yādâ – «پرتاب کردن» – دقیقاً همان کاری است که یهودا در پایان انجام داد. وقتی او خون‌بها را به معبد بازگرداند، متی از واژهٔ یونانی ῥίψας rhipsas^{G4496} (متی ۵:۲۷) استفاده می‌کند – او سکه‌های نقره را پرتاب کرد. مردی که ریشهٔ نام عبری‌اش به معنای «شلیک/پرتاب/ستایش/اعتراف» است، زندگی خود را با پرتاب کردن بهای خون پیش پای کاهنان به پایان رساند. و پیش از آنکه آن را پرتاب کند، اعتراف کرد: «گناه کردم که خون بی‌گناهی را تسلیم نمودم» (متی ۲۷:۴). حالت Hithpael از yādâ به معنای اعتراف کردن است – و یهودا اعتراف کرد. ریشهٔ نام او هر عملش را پیش‌گویی کرده بود: او به سوی فرد

بی‌گناه تیر انداخت، نقره را پرتاب کرد و به گناهش اعتراف نمود. تنها حالتی که او هرگز به آن نرسید، Hiphil بود – یعنی ستایش. کسی که نامش ستایش بود، هرگز ستایش نکرد.

و اعداد نیز آنچه را که حروف هجی می‌کنند تأیید می‌نمایند. جماتریا (gematria) یا معادل ابجدی Yēhūdāh (יהודה) – یعنی مجموع ارزش عددی حروف عبری آن – عدد ۳۰ است (Yod ۱۰ + He ۵ + Vav ۶ + Dalet ۴ + He ۵) = ۳۰. این همان سی است که زکریا یهودا خود بهای خیانت است. و وقتی در واژه‌نامه عبری برای هر کلمه‌ای که این عدد را دارد جستجو می‌کنیم، پانزده کلمه می‌یابیم – و در میان آن‌ها، در کنار یهودا: ^{H391} אֲכָזָב akzāb که به معنای دروغ، فریب و خیانت است. نام «ستایش» و واژه «خیانت» عدد یکسانی دارند. مردی که برای ستایش نامیده شده بود، به مرد خیانت تبدیل شد – و زبان عبری همه این‌ها را از همان ابتدا می‌دانست.

نام پدر او کنایه را عمیق‌تر می‌کند. یوحنا مکرراً یهودا را «یهودای اسخریوطی پسر شمعون» معرفی می‌کند (یوحنا ۶:۷۱، ۱۳:۲، ۱۳:۲۶). نام شمعون در یونانی Σίμων ^{G4613} Simōn و در عبری שִׁמְעוֹן ^{H8095} Šim ōn است که به معنای «شنیده شده» یا «شنوایی» است. این نام از שָׁמָא ^{H8085} šāma مشتق شده که واژه بنیادین عبری برای شنیدن، گوش دادن و اطاعت کردن است – همان واژه‌ای که در «شماع» آمده است: «بشنو ای اسرائیل: خداوند، خدای ما، خداوند یکتاست» (تثنیه ۴:۶). پسر «شنوایی» نسبت به صدای مسیح ناشنوا شد. پسر کسی که نامش به معنای «گوش دادن» است، از گوش دادن امتناع ورزید.

بنابراین نام کامل او چنین خوانده می‌شود: **یهودای اسخریوطی، پسر شمعون** – «ستایش، مرد شهر، پسر شنوایی.» کسی که باید ستایش می‌کرد. کسی که باید می‌شنید. کسی که متمایز ایستاده بود. هر جزء از این نام، داستان آنچه را که او قرار بود باشد و آنچه را که در عوض به آن تبدیل شد، بازگو می‌کند.

حالا مکان‌ها را دنبال کنید. همه چیز از بیت لحم آغاز می‌شود. در عبری ^{H1035} בֵּית לֶחֶם bêt lehem است و به معنای «خانه نان» می‌باشد. واژه ^{H3899} לֶחֶם lehem واژه متداول عبری برای نان، غذا و غلات است. عیسی که بعدها اعلام کرد «من نان حیات هستم؛ هر که نزد من آید هرگز گرسنه نشود» (یوحنا ۶:۳۵)، در «خانه نان» متولد شد. این یک تصادف نیست. پیامبران آن را پیش‌گویی کرده بودند: «و تو ای بیت لحم افراته، اگرچه در میان هزاران یهودا کوچکی، اما از تو برای من کسی بیرون خواهد آمد که بر اسرائیل حکمرانی خواهد کرد» (میکاه ۵:۲). نان آسمانی به خانه نان فرود آمد.

و وقتی سی و سه سال بعد، عیسی در شام آخر خیانتکار خود را شناسایی کرد، این کار را با نان انجام داد. «آن که نان مرا می‌خورد، پاشنه خود را بر ضد من بلند کرده است» (یوحنا ۱۳:۱۸، با نقل قول از مزمو ۴۱:۹). او نان را در ظرف فرو برد و به یهودا داد (یوحنا ۱۳:۲۶). کسی که در خانه نان متولد شده بود، توسط کسی که نان او را می‌خورد، مورد خیانت قرار گرفت. واژه عبری برای نان در مزمو ۴۱:۹ همان lehem است که نام بیت لحم را می‌سازد. از خانه نان تا نان خیانت – این رشته ناگسستنی است.

کتاب Bible Types اثر ویلسون، بار نمادین نان را تأیید می‌کند. در ذیل مدخل «نان»، ویلسون درباره یوحنا ۶:۳۳ می‌نویسد: «در سرتاسر این فصل، نان نمادی از خود خداوند عیسی است. وقتی او با ایمان در قلب، جان و زندگی یک ایماندار پذیرفته می‌شود، کسانی

را که از او تغذیه می‌کنند و در محبت و فیض او شادی می‌نمایند، سیر و خشنود می‌سازد و به آن‌ها قوت و برکت و حیات فراوان می‌بخشد.» و سپس جمله قاطع: «صرفاً دانستن دربارهٔ مسیح، یا حتی باور داشتن به تمام آنچه دربارهٔ او خوانده می‌شود، کافی نیست... این اختصاص دادن شخصی خداوند عیسی به خود است که حیات جاودان را به جان منتقل و عطا می‌کند.» یهودا دربارهٔ مسیح می‌دانست. او نان او را خورد. او کیسه‌ای را که بودجهٔ خدمت را تأمین می‌کرد، حمل می‌کرد. اما او هرگز مسیح را از آن خود نکرد. او نان را مصرف کرد بدون آنکه نان حیات را دریافت کند. او بر سفرهٔ خداوند اطعام شد و در عین حال تهی ماند.

خیانت در بیت‌عنیا به جریان افتاد. در یونانی ^{G963}Βηθανία bēthania است که از آرامی مشتق شده و دربارهٔ معنای آن اختلاف نظر وجود دارد: برخی آن را «خانهٔ خرما» می‌دانند، اما اجزای تحت‌اللفظی آن معنای «خانهٔ تیره‌بختی» یا «خانهٔ مصیبت» را به دست می‌دهند. در اینجا بود، در خانهٔ شمعون جذامی (متی ۲۶:۶)، که مریم عطر گران‌بها را بر پاهای عیسی ریخت – و یهودا اعتراض کرد (یوحنا ۱۲:۴-۶). در خانهٔ تیره‌بختی، نقاب از چهره برافتاد. یوحنا به ما می‌گوید که دلسوزی یهودا برای فقرا یک دروغ بود: «این را نه از آن رو گفت که در فکر فقیران بود، بلکه چون دزد بود و کیسهٔ پول در دست او بود و از آنچه در آن ریخته می‌شد، برمی‌داشت» (یوحنا ۱۲:۶). و متی می‌گوید که بلافاصله پس از این واقعه بود که «یکی از آن دوازده که یهودای اسخریوطی نام داشت، نزد رؤسای کهنه رفت» (متی ۲۶:۱۴). خانهٔ تیره‌بختی مکانی بود که در آن طمعی که برای سه سال پنهان شده بود، سرانجام به عمل تبدیل گشت.

خود نام اسخریوطی حامل معنایی جغرافیایی است. واژهٔ یونانی ^{G2469}Ἰσκαριώτης Iskariōtēs به معنای «ساکن قریوت» است. واژهٔ عبری ^{H7152}קִרְיָה qiryāh جمع ^{H7151}קִרְיָה qiryāh به معنای «شهرها» یا «ساختمان‌ها» است. قریوت شهری در جنوب یهودیه بود (یوشع ۱۵:۲۵) – هرچند متن عبری در آنجا به احتمال زیاد قریوت‌حصرون خوانده می‌شود که با حاصور یکی دانسته شده است؛ تنها قریوت بی‌ابهام در کتاب مقدس در مواج قرار دارد. اگر این اشتقاق درست باشد، یهودا یک یهودی (اهل جنوب) در میان جلیلیان بود – بیگانه‌ای در حلقهٔ نزدیکان. نام او خود نشان از کسی داشت که به آن جمع تعلق نداشت.

دستگیری در جتسیمانی رخ داد. واژهٔ یونانی ^{G1068}Γεθσημανῆ Gethsēmanē از دو واژهٔ آرامی معادل واژگان عبری ^{H1660}גֶּתְשֶׁמָנִי gath به معنای چرخشت یا دستگاه روغن‌گیری، و ^{H8081}שֶׁמֶן shemen به معنای روغن مشتق شده است. جتسیمانی به معنای «روغن‌کشی» است. آنجا باغی در دامنهٔ کوه زیتون بود و نامش آنچه را که در آنجا رخ داد توصیف می‌کرد. عیسی تحت فشار قرار گرفت. عرق او «همچون قطرات بزرگ خون بود که بر زمین می‌ریخت» (لوقا ۲۲:۴۴). جان‌کندن پسر خدا در باغ، خرد شدن زیتون و بیرون کشیدن آنچه در درون بود، بود. و در همین‌جا، در روغن‌کشی، بود که یهودا با بوسهٔ خود آمد. مکان تحت فشار قرار گرفتن، به مکان خیانت تبدیل شد.

کتاب Bible Types ویلسون بر اهمیت روغن روشنی می‌بخشد. در ذیل مدخل «روغن»، ویلسون می‌نویسد: «این بدون شک نمادی از خود روح‌القدس است.» و در ذیل مدخل «عطر»، دربارهٔ متی ۲۶:۷ می‌نویسد: «شاید این نمادی از پرستش و ستایشی باشد که به سبب زیبایی خداوند عیسی و گران‌بها بودن او برای قلب، نثارش می‌شود.» در «روغن‌کشی»، آن که توسط روح مسح شده بود، خرد شد. مکانی که در آن روغن با زور از زیتون استخراج می‌شد، مکانی شد که در آن «مسح شده» چنان تحت فشار قرار گرفت که خون عرق کرد. و عطری که مریم

در بیت‌عنیا بر پاهای او ریخت — عملی که طمع یهودا را برانگیخت — خود نوعی پرستش بود. آنچه مریم به عنوان ستایش نثار کرد، یهودا به عنوان اسراف محاسبه نمود. روغن روح، عطر پرستش، و خرد شدن در روغن‌کشی: همگی در لحظه‌ای که یهودا با بوسه‌اش رسید، به هم پیوستند.

و داستان در **حَقْلُ الدَّم** به پایان می‌رسد. واژه آرامی آن ^{G184}Ακελδαμά Akeldama است که از دو ریشه معادل واژگان عبری ^{H2506}הֶלֶק hēleq به معنای «سهم» یا «بهره» و ^{H1818}דָּם dām به معنای «خون» ترکیب شده است. **حق‌الدم** به معنای «مزرعه خون» — یا دقیق‌تر، «سهم خون» است. این همان چیزی است که یهودا با سی پاره نقره‌اش خرید. این مزرعه کوزه‌گر است که در آن غریبان را دفن می‌کنند (متی ۲۷:۷). و این، به شکلی هولناک، میراثی است که او انتخاب کرد. سهم او خون بود. بهره او مرگ بود. پطرس گفت که یهودا از مقام رسولی سقوط کرد «تا به جای خود برود» (اعمال ۱:۲۵). **حق‌الدم** جای خود او بود.

شایسته است بر واژه **hēleq** تأملی کنیم. این واژه‌ای است که در سراسر عهد عتیق برای میراث، سهم و بهره خدادادی استفاده شده است. وقتی سرزمین بین قبایل تقسیم شد، هر یک **hēleq** خود را دریافت کردند. لایوان میراث زمینی نداشتند زیرا «خداوند میراث ایشان است» (تثنیه ۱۸:۲). هر اسرائیلی سهمی داشت که توسط خدا تعیین شده بود. سهم یهودا مزرعه‌ای بود که با خون‌بها خریده شده بود، جایی که هیچ‌کس نمی‌خواست در آن زندگی کند و تنها برای دفن مردگان بی‌نام استفاده می‌شد. این میراث او بود. این **hēleq** او بود.

مسیر را دنبال کنید: از **خانه نان**، جایی که نجات‌دهنده متولد شد — به **خانه تیره‌بختی**، جایی که نطفه خیانت بسته شد — از طریق **روغن‌کشی**، جایی که پسر خدا خرد شد و تسلیم گشت — به **سهم خون**، جایی که خیانتکار به پایان خود رسید. نام مکان‌ها نقشه رستگاری و هلاکت است که قرن‌ها پیش از وقوع حوادث به زبان‌های عبری و آرامی نوشته شده بود. نان شکسته شد. تیره‌بختی تحمل شد. فشار روغن‌کشی تاب آورده شد. و خونی که ریخته شد، نجات را برای جهان — و محکومیت را برای کسی که آن را فروخت — خریداری کرد.

Acts 1:18-19 پس این مرد با مزد شرارت خود پاره‌زمینی خرید و با سر درافتاده، از میان شکافت و همه امعایش بیرون ریخت. و این بر تمام ساکنان اورشلیم معلوم گشت، چنان‌که آن زمین در زبان خودشان **حَقْلُ الدَّم** نامیده شد، یعنی مزرعه خون.

۱.۷ خیانتکار در حروف پنهان

تورات — اسفار پنج‌گانه موسی — شامل ۳۰۴٬۸۰۵ حرف عبری است که به مدت ۳٬۴۰۰ سال بدون خطا کپی شده‌اند. کامپیوترهای مدرن می‌توانند این حروف را برای یافتن کلماتی که در فواصل مساوی کدگذاری شده‌اند، جستجو کنند: هر حرف دوم، هر صدم، هر هزارم، و کلمات پنهانی را تشکیل دهند که هیچ چشم انسانی نمی‌تواند در ظاهر متن بخواند. این‌ها «توالی‌های حرفی با فواصل مساوی (ELS)» نامیده می‌شوند. این روش در سال ۱۹۹۴ توسط ویتزتوم، ریپس و روزنبرگ در مجله *Statistical Science* منتشر شد و از آن زمان برای نبوت‌های مسیحایی، نمادشناسی تعمید و دیگر مضامین کتاب مقدسی به کار گرفته شده است.

ما در تورات برای نام دوم خیانتکار – **اسخریوطی** – در اشکال عبری آن جستجو کردیم و آزمایش کردیم که هر تکرار در کجای متن قرار می‌گیرد. نامی که ده‌ها بار ظاهر می‌شود، در بخش‌های زیادی فروود می‌آید. مسئله این نیست که آیا ظاهر می‌شود یا نه، بلکه این است که کجا ظاهر می‌شود – و اینکه آیا بخش‌هایی که با آن‌ها تماس دارد تصادفی هستند یا داستان خیانتکار را بازگو می‌کنند.

پاسخ نمی‌توانست بر حسب تصادف نوشته شده باشد.

نام خانوادگی **Sekhāriyyôt** (סַכְרִיָּוֶת) – شکل اسخریوطی مشتق شده از واژه لاتین sicarius (مرد خنجر به دست) – ۱۳۳ بار در تورات در فواصل مختلف (skip) ظاهر می‌شود. ما آزمایش کردیم که این موارد در کجا فروود می‌آیند. دو مورد از نظر آماری خارق‌العاده بودند.

در گام ۱۰۵۱، این واژه در لاویان ۲۷:۱۵ فروود می‌آید:

Leviticus 27:15 · و اگر آن که خانه خود را وقف کرده است بخواهد آن را بازخريد
نماید، باید یک‌پنجم ارزش تخمینی تو را بر قیمت آن بیفزاید و آن خانه از آن او
خواهد بود.

واژه روی متن در نقطه شروع، כִּסֵּף – نقره است. نام اسخریوطی که در تورات کدگذاری شده، با کلمه نقره آغاز می‌شود. ما این را در برابر ده هزار کلمه عبری تصادفی با همان طول و در همان فاصله آزمایش کردیم: $p = 0.0004$. و این آیه درباره بازخريد چیزی است که وقف شده بود – پرداخت پول برای خریدن دوباره آنچه به خدا تقدیم شده بود. یهودا به عنوان یک رسول وقف شده بود. او آن وقف‌شدگی را به نقره فروخت.

در گام ۱۰،۶۸۵، این واژه در خروج ۱۲:۲۷ فروود می‌آید:

Exodus 12:27 · پس بگویید: این قربانی فصیح برای خداوند است، که از خانه‌های
بنی‌اسرائیل در مصر گذشت هنگامی که مصریان را زد و خانه‌های ما را رهانید.
پس قوم سر فروود آورده، پرستش کردند.

واژه روی متن در نقطه شروع، כִּסֵּף – فصیح است. نام خیانتکار که در تورات کدگذاری شده، بر روی فصیح آغاز می‌شود. ما این را آزمایش کردیم: $p = 0.0005$. و یهودا در شام فصیح به عیسی خیانت کرد. شام آخر یک سفره فصیح بود (لوقا ۲۲:۱۵). بوسه در جتسمانی در شب فصیح بود. نام کسی که به «بره» خیانت می‌کند، در آیه‌ای کدگذاری شده است که این عید را توضیح می‌دهد.

در گام ۲،۷۹۷، این واژه در اعداد ۳۱:۱۶ فروود می‌آید:

Numbers 31:16 · بنگرید، این‌ها بودند که به مشورت بلعام، بنی‌اسرائیل را
وداشتند تا در ماجرای فغور به خداوند خیانت کنند و به این سبب در میان
جماعت خداوند وبا افتاد.

واژه روی متن **למסר** – مرتد شدن، خیانت کردن است. و آیه نام **بلعام** را می‌برد – پیامبری که برای پول به اسرائیل خیانت کرد. بلعام، مردی که عطای نبوتی خود را به مزدِ بعل فروخت. عهد جدید این ارتباط را صریح می‌سازد: «وای بر ایشان! زیرا... برای سود، خود را تسلیم گمراهی بلعام کرده‌اند» (یهودا ۱:۱۱)، و «راه بلعام بن بَعور را در پیش گرفتند که مزد ناراستی را دوست می‌داشت» (۲ پطرس ۲:۱۵). نام خیانتکار در آیه‌ای دربارهٔ اولین «خیانتکارِ اجیرشده» کدگذاری شده است.

در گام ۴،۱۱۴، این واژه در **پیدایش ۱۹:۴** فرود می‌آید – جایی که مردان **سدوم** خانهٔ لوط را محاصره کرده‌اند. واژه روی متن **סדום** (سدوم) است. شهر نابودی. و عیسی یهودا را «پسرِ هلاکت» نامید (یوحنا ۱۷:۱۲) – **G684 apōleias**، پسرِ نابودی.

و این واژه مکرراً در **داستان یوسف** ظاهر می‌شود. گام ۵،۵۹۰: پیدایش ۴۲:۲۷ – برادران کیسه‌های خود را باز می‌کنند و در آن نقره می‌یابند. گام ۱۴،۲۰۰: پیدایش ۳۷:۳۳ – یعقوب قبای یوسف را شناسایی می‌کند، یعنی مدرک فریبکاری برادران. گام به گام، نام اسخریوطی در داستان یوسف فرود می‌آید – آن مرد پارسا که توسط برادرانش به نقره فروخته شد (پیدایش ۳۷:۲۸)، آن بی‌گناهی که توسط کسانی که با او نان می‌خوردند، مورد خیانت قرار گرفت.

شکل جایگزین **Ish-Qëriyyôt (אִישׁ-קִּרְיָיִט)** – «مرد قریوتی»، معادل علمی اسخریوطی در عبری – **دو بار در جهت مستقیم** در کل تورات ظاهر می‌شود. فقط دو بار. و آن‌ها در این نقاط فرود می‌آیند:

- **پیدایش ۴:۱۸** – در نسب‌نامهٔ **قayین**. نسلِ اولین قاتل. مردی که برادرش را کشت. متن رویی، نسل‌های خوشنیتی را که از اولین برادرکشی جاری شد، دنبال می‌کند.
- **پیدایش ۲۹:۲۲** – شبی که **لابان به یعقوب فریب داد**. عروسی‌ای که در آن پدرِ عروس در تاریکی شب، زنی را با زن دیگر جایگزین کرد. واژه روی متن **אִישׁ** – «مردان» است. خیانتی توسط یک همراهِ مورد اعتماد در یک میهمانی. فریبی در شب. و وقتی یعقوب صبح هنگام متوجه آن شد، دیگر خیلی دیر شده بود.

دو مورد در جهت مستقیم. یکی در نسل قayین – که کهن‌الگوی برادرِ قاتل است. یکی در فریب لابان – که کهن‌الگوی دوستی است که در میهمانی خیانت می‌کند. یهودا هر دو بود.

—

عبارت	گام	آیهٔ فرود	مضمون
سکریوت	۱,۰۵۱	لاویان ۲۷:۱۵ – نقره	$p = 0.0004$
سکریوت	۱۰,۶۸۵	خروج ۱۲:۲۷ – فصیح	$p = 0.0005$
سکریوت	۲,۷۹۷	اعداد ۳۱:۱۶ – خیانت بلعام	مرتد شدن
سکریوت	۴,۱۱۴	پیدایش ۱۹:۴ – سدوم	شهر نابودی
سکریوت	۵,۵۹۰	پیدایش ۴۲:۲۷ – نقره در کیسه	یوسف فروخته شد
سکریوت	۱۴,۲۰۰	پیدایش ۳۷:۳۳ – قبای یوسف	فریب برادران
اِشکریوت	۲۱,۵۶۸	پیدایش ۴:۱۸ – نسل قایین	اولین قاتل
اِشکریوت	۳۰,۹۷۱	پیدایش ۲۹:۲۲ – میهمانی لابان	خیانت در غذا

نقره. فصیح. بلعام. سدوم. قایین. خیانت به یوسف. میهمانی لابان. هر تکه از این نام در بخشی فرود می‌آید که داستان خیانتکار را بازگو می‌کند – آیاتی که ۱,۴۰۰ سال پیش از آنکه یهودا به خانهٔ کاهن اعظم برود و بگوید: «مرا چه می‌دهید تا او را به شما تسلیم کنم؟» (متی ۲۶:۱۵)، نوشته شده بودند. و آن‌ها سی پاره نقره برای او شمردند.

فصل ۸

سی سکه نقره

Zechariah 11:12-13 · «به ایشان گفتم: "اگر در نظرتان پسند آید، مزد مرا بدهید و اگر نه، ندهید." پس سی سکه نقره برای مزد من وزن کردند. و خداوند به من گفت: "آن را نزد کوزه‌گر بینداز؛" آن قیمت گزافی که مرا بدان قیمت کردند! پس آن سی سکه نقره را گرفته، در خانه خداوند نزد کوزه‌گر انداختم.»

هفت قرن پیش از آنکه یهودا وارد تالار رؤسای کهنه شود، زکریای نبی این کلمات را نگاشت. یک شبان – که نمادی از خود خداست – از مردم می‌خواهد ارزش او را تعیین کنند. آن‌ها سی سکه نقره وزن می‌کنند. و خداوند با کنایه‌ای تلخ پاسخ می‌دهد: «آن قیمت گزافی که مرا بدان قیمت کردند!» کتاب *Figures of Speech Used in the Bible* اثر بولینگر این صنعت را به دقت نام‌گذاری می‌کند: در بخش Eironeia (آیرونی/کنایه)، بولینگر زکریا ۱۱:۱۳ را به عنوان **Antiphrasis** طبقه‌بندی می‌کند؛ کنایه‌ای که شامل یک عبارت واحد است که برای بیان معنای متضادش به کار می‌رود. واژه «گزارف» یا «عالی» معنای متضاد آنچه می‌گوید را می‌دهد. این تمسخر الهی است که از زبان نبی جاری می‌شود، در مورد قیمتی که قوم او برای شبان خود تعیین کردند. سی سکه نقره دقیقاً همان مبلغی بود که در خروج ۲۱:۳۲ به عنوان غرامت برای برده‌ای که توسط گاوی شاخ زده شده بود، تعیین شده بود. این قیمت یک برده بود. قوم خدا برای شبان خود، به اندازه قیمت یک بردهٔ مرده ارزش قائل شدند.

عدد سی تصادفی نیست. این عدد در سراسر کتاب مقدس به عنوان رشته‌ای عمل می‌کند که خدمت، فراخوان و بهای جان یک انسان را به هم پیوند می‌دهد. یوسف **سی ساله** بود که در برابر فرعون ایستاد و خدمت خود را به عنوان حاکم مصر آغاز کرد (پیدایش ۴۶:۴۱). داوود **سی ساله** بود که پادشاهی بر اسرائیل را آغاز کرد (دوم سموئیل ۵:۴). لاویان در **سی سالگی** وارد خدمت خیمه عبادت می‌شدند (اعداد ۴:۳). حزقیال رؤیای خدا را در **سی‌امین سال** زندگی‌اش دریافت کرد (حزقیال ۱:۱). و خود عیسی «تقریباً سی ساله بود» که تعمید یافت و خدمت علنی خود را آغاز کرد (لوقا ۳:۲۳). سی عدد آمادگی بود، سنی که در آن یک مرد برای خدمت به خدا در کامل‌ترین ظرفیت خود، بالغ محسوب می‌شد.

و سی قیمت یک برده بود. طبق شریعت موسی، اگر گاوی غلامی را می‌کشت و او می‌مرد، صاحب گاو باید **سی مثقال (شِکِل) نقره** به ارباب آن غلام می‌پرداخت (خروج ۲۱:۳۲). لاویان ۲۷:۴ ارزش‌گذاری یک زن را سی مثقال تعیین می‌کند. عدد سی همچون بهایی تثبیت‌شده بر جان یک انسان، در سراسر شریعت جاری است. عددی که نشان‌دهنده آغاز خدمت مقدس بود، همان عددی بود که ارزش یک بردهٔ مرده را نشان می‌داد.

بنابراین وقتی رؤسای کهنه سی سکه نقره برای عیسی وزن کردند، آن‌ها – چه می‌دانستند و چه نمی‌دانستند – در حال تحقق بخشیدن به الگویی بودند که از ابتدا در بافت کتاب مقدس تنیده شده بود. کسی که خدمت خود را در سی سالگی آغاز کرد، به قیمت سی سکه

ارزش‌گذاری شد. کسی که «نیامد تا خدمتش کنند، بلکه تا خدمت کند و جان خود را در راه فدیۀ بسیاریان بدهد» (مرقس ۱۰:۴۵)، به قیمت فدیۀ یک برده ارزش‌گذاری شد. عدد فراخوان، تبدیل به عدد خیانت شد.

و خداوند فرمانی می‌دهد: «آن را نزد کوزه‌گر بپرداز.» زکریا اطاعت می‌کند: او آن سی سکه را می‌گیرد و آن‌ها را برای کوزه‌گر «در خانه خداوند» می‌اندازد. نقره، کوزه‌گر و معبد – هر سه جزئیات در روایت عهد جدید از پایان کار یهودا دوباره ظاهر می‌شوند.

Matthew 26:14-16 · «آن‌گاه یکی از آن دوازده تن که یهودای اسخریوطی نام داشت، نزد رؤسای کهنه رفت و گفت: "مرا چه می‌دهید تا او را به شما تسلیم کنم؟" ایشان سی سکه نقره برای او تعیین کردند. و از آن پس او در پی فرصتی بود تا او را تسلیم کند.»

متی این معامله را با ایجازی تکان‌دهنده ثبت می‌کند. یهودا نزد رؤسای کهنه می‌رود. او شرط خود را می‌گوید: «مرا چه می‌دهید؟» آن‌ها با او پیمان می‌بندند – واژه یونانی *estēsan* G2476 است، به معنای اینکه آن‌ها تعیین کردند، وزن کردند، مستقر کردند. مبلغ: سی سکه نقره. همان مقدار. همان ارزش‌گذاری. آنچه زکریا در عملی نمادین نبوت کرده بود، رؤسای کهنه در واقعیت عینی اجرا کردند. آن‌ها پسر خدا را به قیمت یک برده وزن کردند.

این تحقق در متی ۲۷:۳-۱۰ ادامه می‌یابد، پس از آنکه خیانت انجام شد. یهودا با دیدن اینکه عیسی محکوم شده است، نقره را به معبد بازمی‌گرداند. او آن را در محراب به زمین می‌اندازد. رؤسای کهنه آن را برمی‌دارند و می‌گویند: «انداختن این پول در خزانه معبد جایز نیست، زیرا خون‌بهاست» (متی ۲۷:۶). بنابراین از آن پول برای خرید مزرعۀ کوزه‌گر استفاده می‌کنند – گورستانی برای غریبه‌ها.

کتاب Bible Types اثر ویلسون، عمیق‌ترین کنایۀ نقره را آشکار می‌کند. ویلسون ذیل واژه «نقره» درباره خروج ۳۶:۲۴ می‌نویسد: «این فلز گرانبها اغلب به عنوان نمادی از فدیۀ (رستگاری) استفاده می‌شود... تخته‌ها نشان‌دهنده مسیحیان هستند، در حالی که پایه‌های نقره‌ای نشان‌دهنده فدیۀ هستند... ما در مورد وجود نقره در آسمان چیزی نمی‌خوانیم. هیچ‌کس در آسمان نیازی به فدیۀ شدن ندارد.» نقره فلز فدیۀ است. ماده‌ای است که نشان‌دهنده بهای پرداخت شده برای آزاد کردن اسیر است. یهودا فلز فدیۀ را در دست داشت – سی پاره از آن را – و از آن نه برای فدیۀ دادن، بلکه برای فروختن استفاده کرد. او نماد نجات را گرفت و آن را به ابزار خیانت تبدیل کرد. و ویلسون جزئیاتی را اضافه می‌کند که تا عمق استخوان را می‌سوزاند: «ما در مورد وجود نقره در آسمان چیزی نمی‌خوانیم.» نقره در جلال جایی ندارد زیرا در جلال دیگر نیازی به فدیۀ نیست. یهودا فدیۀ‌دهنده را با همان فلزی معامله کرد که نماد نیاز به فدیۀ است – و در نهایت، نه نقره و نه فدیۀ‌دهنده در تصاحب او باقی نماندند. او نقره را بازگرداند و رفت و خود را نابود کرد.

و ذیل واژه «بره»، ویلسون آنچه را که رؤسای کهنه ناآگاهانه انجام دادند، تأیید می‌کند. ویلسون درباره لاویان ۲۳:۱۲ می‌نویسد که بره فصیح پیش از تقدیم شدن مورد بازرسی قرار می‌گرفت: «همسر پیلطس او را از نظر اجتماعی بازرسی کرد. پیلطس او را برای حکومت غیرنظامی بازرسی کرد. هیروдіس او را برای حکومت نظامی بازرسی کرد. یهودا او را از دیدگاه

رفاقت شخصی بازرسی کرد. آن فرمانده سپاه (سنتوریون) او را به عنوان یک افسر اجرای قانون بازرسی کرد. همه آن‌ها او را بی‌عیب یافتند و بنابراین از دیدگاه انسانی، او را برای بره خدا بودن شایسته دانستند.» یهودا در میان بازرسان بره فهرست شده است. او سه سال با عیسی قدم زد، او را از نزدیک‌ترین فاصله ممکن بررسی کرد و هیچ چیز نیافت – نه گناهی، نه خطایی، نه عیبی. او بره را بازرسی کرد و او را شایسته ذبح دانست. حتی اعتراف او در پایان، این بازرسی را تأیید می‌کند: «گناه کردم که خون بی‌گناهی را تسلیم کردم» (متی ۲۷:۴). بی‌گناه. بره بدون لک بود.

سپس متی پیوند نبوی را صریح می‌سازد: «آن‌گاه سخن ارمیا نبی تحقق یافت که می‌گوید: «آن‌ها سی سکه نقره را گرفتند، یعنی بهایی که بنی‌اسرائیل برای او تعیین کرده بودند؛ و آن را برای خرید مزرعه کوزه‌گر دادند، چنان‌که خداوند به من فرمان داده بود»» (متی ۲۷:۹-۱۰).

انتساب این سخن به ارمیا به جای زکریا مدتهاست که مورد بحث بوده است. برخی از محققان خاطرنشان می‌کنند که ارمیا نیز مزرعه‌ای خرید (ارمیا ۳۲:۶-۹) و او از خانه کوزه‌گری بازدید کرد که در آنجا خداوند با او درباره سرنوشت اسرائیل سخن گفت (ارمیا ۱۸:۱-۶). متی ممکن است از یک سنت ترکیبی استفاده کرده باشد که کوزه‌گر و مزرعه ارمیا را با سی سکه و کوزه‌گر زکریا پیوند می‌داد. آنچه مورد بحث نیست، محتوای نبوت است: بها، نقره، کوزه‌گر، مزرعه – همه این‌ها قرن‌ها پیش از وقوع نوشته شده بود.

ارجاعات متقابل از زکریا ۱۱:۱۲ خیره‌کننده هستند. آن‌ها به پیدایش ۳۷:۲۸ متصل می‌شوند، جایی که یوسف – نمونه دیگری از مسیح – توسط برادران خودش به بیست سکه نقره فروخته شد. بهای خیانت در سراسر عهد عتیق جریان دارد. یوسف به بردگی در مصر فروخته شد. ماشیاح به دست رومیان فروخته شد. در هر دو مورد، خیانت توسط کسانی انجام شد که باید نزدیک‌ترین افراد می‌بودند – برادران در مورد یوسف، و یک شاگرد برگزیده در مورد عیسی.

آن‌ها همچنین به خروج ۲۱:۳۲ متصل می‌شوند، جایی که قیمت یک برده سی مثقال نقره تعیین شده است. خود شریعت، ارزش‌گذاری‌ای را تعیین کرد که بعداً در مورد پسر خدا اعمال شد. آیرونی لایه‌برداری شده است: کسی که شریعت را داد، به اندازه کمترین تخمین شریعت از ارزش انسانی، قیمت‌گذاری شد.

Matthew 27:3-5 · «چون یهودا، خائن او، دید که عیسی را محکوم کردند، پشیمان شد و آن سی سکه نقره را به رؤسای کهنه و مشایخ بازگرداند و گفت: "گناه کردم که خون بی‌گناهی را تسلیم کردم." آن‌ها گفتند: "ما را چه؟ خود دانی!" پس او سکه‌ها را در معبد انداخت و بیرون رفت و خود را حلق‌آویز کرد.»

نقره بازگشت. نمی‌شد آن را نگه داشت. نمی‌شد آن را خرج کرد. حتی نمی‌شد آن را در خزانه معبد گذاشت، زیرا «خون‌بها» بود. پولی که یهودا به دنبالش بود، تبدیل به پولی شد که در دستانش می‌سوخت. او آن را در معبد – خانه خداوند – انداخت، دقیقاً همان‌طور که زکریا نوشته بود. و سپس رفت و خود را نابود کرد.

Philippians 2:6-8 · «او که هم‌ذات با خدا بود، از برابری با خدا برای نفع خود بهره‌ن جست، بلکه خود را خالی کرد و با گرفتن ذات غلام، به شباهت آدمیان

درآمد. و چون در سیمای یک مرد یافت شد، خود را فروتن ساخت و تا به مرگ، حتی مرگ بر صلیب، مطیع گردید.»

وقتی به عقب برمی‌گردیم و عدد سی را از بالا می‌بینیم – سن خدمت، قیمت یک برده، سکه‌های در دست یهودا – یک حقیقت واحد پدیدار می‌شود که چیزی جز انجیل نوشته شده در علم حساب نیست. در اقتصاد خدا، بالاترین فراخوان و پایین‌ترین قیمت یکی هستند. خدمت به خدا یعنی غلام شدن. و قیمت یک غلام، قیمتی است که خدا برای پرداخت بهای جهان انتخاب کرد.

عیسی این را درک می‌کرد. او که هم‌ذات با خدا بود، ذات یک غلام را بر خود گرفت (فیلیپیان ۲:۷). ارجاعات متقابل برای این آیه، کل الهیات «غلام» در عهد عتیق را در بر می‌گیرد – اشعیا ۴۲:۱ («اینک بنده من»)، اشعیا ۴۹:۳، اشعیا ۵۲:۱۳-۱۴ («اینک بنده من با ورزیدگی رفتار خواهد کرد»)، اشعیا ۵۳:۳، ۱۱ (غلام رنج‌کشیده که «بسیاران را پارسا خواهد شمرد»). او خدمت خود را در سی سالگی آغاز کرد – سن فراخوان غلام. او به سی سکه قیمت‌گذاری شد – قیمت جان غلام. او آمد «نه تا خدمتش کنند، بلکه تا خدمت کند و جان خود را در راه فدیۀ بسیاریان بدهد» (مرقس ۱۰:۴۵). واژه یونانی برای «فدیۀ» ^{G3083}λύτρον lytron است – قیمتی که برای آزاد کردن یک برده از اسارت پرداخت می‌شود. غلام قیمت برده را پرداخت تا برده‌ها را آزاد کند.

و در شب خیانت، او این حقیقت را به صورت جسمانی نشان داد. او حوله‌ای به کمر بست، آب در تشت ریخت و پاهای شاگردان را شست – از جمله پاهای یهودا را (یوحنا ۱۳:۵). سپس فرمود: «غلام از ارباب خود بزرگتر نیست و فرستاده نیز از فرستنده خود» (یوحنا ۱۳:۱۶). خداوند تمام آفرینش در برابر مردی که او را می‌فروخت زانو زد، و پاهای او را شست، و آن را یک الگو نامید.

پطرس، دهه‌ها بعد، می‌نوشت: «زیرا می‌دانید که از شیوۀ زندگی باطلی که از پدران خود به ارث برده بودید، با چیزهای فانی چون نقره و طلا باخريد نشده‌اید، بلکه با خون گرانبهای مسیح، چون بره‌ای بی‌عیب و نقص» (اول پطرس ۱:۱۸-۱۹). نه با نقره. نه با طلا. نه با سی سکه یا سی هزار سکه. فدیۀ‌ای که نقرۀ یهودا هرگز نمی‌توانست بخرد، با خون کسی خریداری شد که یهودا او را فروخت. ارجاعات متقابل به اول قرن‌تیا ۶:۲۰ متصل می‌شوند: «زیرا به قیمتی خریده شده‌اید؛ پس خدا را در بدن خود تمجید کنید.»

واژه یونانی که پولس برای «قیمت» در این آیه به کار می‌برد، ^{G5092}τιμή timē است. و در اینجا زبان کتاب مقدس چیزی خارق‌العاده را آشکار می‌کند. timē تنها به معنای «قیمت» – مبلغ پرداخت شده در یک معامله – نیست. بلکه به معنای «احترام»، «ارزش»، «کرامت» نیز هست. این همان واژه‌ای است که در سراسر عهد جدید برای جلال متعلق به خدا، احترامی که شایسته پادشاهان است و ارزشمندی چیزی که مورد تکریم است، استفاده می‌شود. قیمت و احترام در یونانی یک واژه هستند. این واژه هر دو را با خود حمل می‌کند: بهایی که برای برده پرداخت می‌شود، و احترامی که به او عطا می‌گردد. وقتی پولس می‌گوید «به قیمتی خریده شده‌اید»، خود کلمه اعلام می‌کند که قیمتی که برای شما پرداخت شده، اعتبار و احترام شماست. خون مسیح هم بهای فدیۀ شماست و هم معیار ارزش شما. شما به قیمت پسر خدا ارزش‌گذاری شده‌اید.

یهودا برای عیسی ^{G5092}τιμή timē – سی سکه نقره، یک قیمت – دریافت کرد. اما خدا آن ^{G5092}τιμή timē را به چیزی تبدیل کرد که یهودا هرگز قصدش را نداشت: احترام صلیب، جلال فدیة، قیمتی که اسیران را آزاد کرد. همان واژه یونانی. نقره‌ای که مایه شرمساری یهودا بود، به جلال جهان تبدیل شد، زیرا خون پشت آن، خون بره بود.

و پولس اضافه می‌کند: «به قیمتی خریده شده‌اید؛ غلام انسان‌ها نشوید» (اول قرن‌تین (۷:۲۳) ^{G3083}λύτρον lytron پرداخت شده است. ^{G5092}τιμή timē آزاد شده است. غلامان خریداری شده‌اند. قیمت، نقره نبود. قیمت، خود آن «غلام» بود.

و اشعیا، هفت قرن پیش از صلیب، دعوتی صادر کرد که به عنوان پاسخی به سؤال یهودا ایستاده است: «ای همه شما که تشنه‌اید، نزد آب‌ها بیایید؛ و شما که نقره ندارید، بیایید و بخرید و بخورید! آری، بیایید و بدون نقره و بدون قیمت، شراب و شیر بخرید. چرا نقره خود را برای آنچه نان نیست صرف می‌کنید؟» (اشعیا ۵۵:۱-۲). بیایید و بدون نقره بخرید. در اقتصاد خدا، قیمت ورود تسلیم است، نه نقره. آب حیات به رایگان داده می‌شود (مکاشفه ۲۲:۱۷). یهودا پرسید: «مرا چه می‌دهید؟» خدا می‌پرسد: «چرا پول خود را برای آنچه نان نیست صرف می‌کنید؟» نان حیات در برابر یهودا ایستاده بود، و او او را به قیمت یک برده فروخت.

سی سکه نقره. عدد فراخوان. قیمت یک غلام. بهای پسر خدا. مزد بدنام‌ترین معامله در تاریخ بشر. و در نهایت، آن‌ها هیچ چیز نخریدند جز مزرعه‌ای برای دفن مردگان بی‌نام. در حالی که خونی که آن سکه‌ها با آن معاوضه شدند، فدیة جهان را خریداری کرد.

۱.۸ آیه‌ای که خیانت را پنهان می‌کند

تورات حاوی ۳۰۴,۸۰۵ حرف عبری است که به مدت ۳,۴۰۰ سال بدون خطا کپی شده‌اند. وقتی کامپیوترهای مدرن این حروف را برای یافتن کلماتی که در فواصل مساوی کدگذاری شده‌اند – با خواندن هر حرف دوم، هر پنجم، هر شانزدهم – جستجو می‌کنند، کلماتی را می‌یابند که در متن پنهان شده‌اند و هیچ چشم انسانی نمی‌توانست در ظاهر متن آن‌ها را بخواند. این‌ها «توالی‌های حروفی با فواصل مساوی (ELS)» نامیده می‌شوند.

خروج ۲۱:۳۲ و هشت حرف بی‌صدا طول دارد. در ظاهر یک چیز می‌گوید: قیمت یک برده مرده سی مثقال نقره است. اما وقتی ما به دنبال کلمات ELS گشتیم که از این چهل و هشت حرف شروع می‌شوند، به آن‌ها ختم می‌شوند یا از میان آن‌ها می‌گذرند – کلماتی که توالی‌های حروفی مساوی‌شان با این آیه تماس دارند حتی وقتی به متن اطراف تورات کشیده می‌شوند – کل داستان مردی که چهارده قرن بعد آن قیمت را محقق کرد، از میان حروف بی‌صدا پدیدار شد.

ما هر فاصله پرشی از ۱ تا ۵۰۰ را در متن خروج ۲۱ جستجو کردیم، به دنبال کلمات عبری مرتبط با روایت خیانت که با آیه ۳۲ تماس دارند: بوسه، نقره، خون، آویختن، مزرعه. برخی کلمات کاملاً درون آیه قرار می‌گیرند. برخی دیگر در خارج از آن شروع یا تمام می‌شوند، اما حداقل یکی از حروف آن‌ها در میان چهل و هشت حرف بی‌صدایی که قیمت را تعیین می‌کنند، فرود می‌آید. این آیه نقطه لنگر است. تورات متن اصلی است.

یازده کلمه از سیزده کلمه خیانت با این آیه واحد تماس دارند. این چیزی است که ما یافتیم.

بوسه. کلمه عبری נשק (nashaq) – ریشه‌ای که پشت $\kappa\alpha\tau\alpha\phi\iota\lambda\acute{\epsilon}\omega$ kataphileō^{G2705} قرار دارد، واژه یونانی که متی و مرقس برای بوسه مشتاقانه یهودا در جتسیمانی به کار می‌برند – در **پرش ۵** ظاهر می‌شود، در حال خواندن به جلو، کاملاً درون آیه. ابزار خیانت، در بهای خیانت کدگذاری شده است.

رشوه. کلمه عبری שחַד (shachad) – رشوه دادن – در **پرش ۱۹** ظاهر می‌شود. این اصطلاح حقوقی دقیق عبری برای کاری است که رؤسای کهنه انجام دادند. نه یک خرید. نه یک مزد. یک رشوه.

سی. ریشه שלש (shelesh) – ریشه بی‌صدای sheloshim، یعنی سی – در **پرش ۸** ظاهر می‌شود. این عدد در آیه‌ای که آن عدد را تجویز می‌کند، کدگذاری شده است.

خون بی‌گناه ریخته شده. فعل שפך (shaphak) – ریختن – و واژه נקי (naqiy) – بی‌گناه – دو کلمه خیانت هستند که در پنجره جستجوی خروج ۲۱ مستقیماً با آیه ۳۲ تماس ندارند. خون در لحظه تعیین قیمت ریخته نشد. آن در کالواری ریخته شد. اما این کلمات در همان نزدیکی در کد عدالت تورات ظاهر می‌شوند و زبان آن‌ها با اعتراف خود یهودا مطابقت دارد: «گناه کردم که خون بی‌گناهی را تسلیم کردم» (متی ۲۷:۴).

آویختن (دار زدن). واژه תלה (tala') – معلق کردن، آویختن – در **پرش ۱۶** ظاهر می‌شود. یهودا بیرون رفت و خود را حلق‌آویز کرد (متی ۲۷:۵).

طناب. واژه חבל (chevel) – یک طناب، یک ریسمان – در **پرش ۱۸** ظاهر می‌شود. همین کلمه به معنای رهنی که به عنوان ضمانت بدهی داده می‌شود نیز هست. طناب آویختن و وثیقه معامله، در یک واژه عبری.

پول بازگردانده شده. واژه שוב (shuv) – برگشتن، بازگرداندن، احیا کردن – در **پرش ۱۹** ظاهر می‌شود. یهودا آن سی سکه را به معبد بازگرداند (متی ۲۷:۳). واژه عبری برای آخرین عمل او پیش از مرگ در همان **پرش** رشوه کدگذاری شده است.

نبی. واژه נביא (navi') – یک پیامبر/نبی – در **پرش ۲۰** ظاهر می‌شود. متی ۲۷:۹ به تحقق آن اشاره می‌کند: «آن‌گاه سخنِ ارمیا نبی تحقق یافت.» واژه نبی، در آیه‌ای که نبی به آن اشاره کرده بود، کدگذاری شده است.

آن‌ها خریدند. واژه קנה (qanu) – آن‌ها خریدند، به دست آوردند – در **پرش ۶** ظاهر می‌شود. پس از آنکه یهودا نقره را بازگرداند، رؤسای کهنه از آن برای خرید مزرعه کوزه‌گر استفاده کردند (متی ۲۷:۷).

ریشه یهودا. واژه ידע (yadah) – ریشه فعلی که نام Yēhūdāh (یهودا) از آن مشتق شده است – در **پرش ۵** ظاهر می‌شود. این ریشه به معنای پرتاب کردن، انداختن است. و این دقیقاً همان کاری است که یهودا انجام داد: او سکه‌های نقره را در معبد انداخت (rhipsas، G4496، متی ۲۷:۵). ریشه نام خائن، به معنای عملی که خائن انجام داد، درون آیه‌ای که قیمت را تعیین کرد، کدگذاری شده است.

لعنت. واژه **אלה** (alah) – نفرین، لعنت – در **پرش ۱۳** ظاهر می‌شود. خون بها لعنت شده شد. مزرعه‌ای که با آن خریده شد آکل دما نام گرفت – مزرعه خون (اعمال ۱:۱۹).

او باید بمیرد. فرمول قضایی **יומת** (yumat) – او قطعاً باید کشته شود – در **پرش ۱۶** ظاهر می‌شود، همان پرشی که واژه آویختن در آن بود. حکم مرگ استاندارد تورات، در کنار واژه معلق کردن کدگذاری شده است.

یازده مورد از سیزده المان با آیه تماس دارند؛ دو مورد (بی‌گناه، ریختن خون) ندارند. هر کلمه در یک پرش متفاوت، هر کدام به طور مستقل قابل کشف، و همگی لنگر انداخته در چهل و هشت حرف بی‌صدایی که قیمت را تعیین کردند:

—

پرش	عبری	معنا	ارتباط با یهودا
5	nashaq נשק	بوسه / مسلح شدن	بوسه در جتسیمانی
5	yadah ידה	انداختن / ستایش	او نقره را انداخت (متی ۲۷:۵)
6	qanu קנו	آن‌ها خریدند	مزرعه کوزه‌گر (متی ۲۷:۷)
8	shelesh שלש	ریشه سه / سی	سی سکه نقره
10	naqiy נקי	بی‌گناه	خون بی‌گناه (متی ۲۷:۴) – بدون تماس با آیه ۳۲
11	shaphak שפך	ریختن (خون)	خون ریخته شده – بدون تماس با آیه ۳۲
13	alah אלה	لعنت	پول خون لعنت شده
16	tala' תלא'	آویختن / معلق کردن	یهودا خود را حلق‌آویز کرد (متی ۲۷:۵)
16	yumat יומת	او باید بمیرد	حکم مرگ
18	chevel חבל	طناب / وثیقه	طناب؛ بدهی
19	shachad שחד	رشوه دادن	رشوه رؤسای کهنه
19	shuv שוב	بازگرداندن	او نقره را بازگرداند (متی ۲۷:۳)
20	navi' נביא'	نبی	سخن نبی (متی ۲۷:۹)

موسی این چهل و هشت حرف را نوشت. او نام یهودا را نمی‌دانست. او نام جتسیمانی را نمی‌دانست. او چیزی از بوسه یا مزرعه کوزه‌گر یا طنابی که مردی از شدت پشیمانی خود را با آن حلق‌آویز می‌کند، نمی‌دانست. او قانونی درباره یک غلام و یک گاو نوشت. و نویسنده پشت نویسنده – همان کسی که پایان را از ابتدا می‌بیند – کل ماجرای خیانت را در آن قیمت گنجاند.

و یک رشته دیگر نیز هست که ارزش کشیدن دارد، رشته‌ای که تنها زمانی آشکار شد که ما تور را پهن‌تر کردیم. ما به دنبال משיח (Mashiach، ماشیاح) در پرش ۴۹ گشتیم – پرش یوبیل، شمارش به سوی آزادی. این کلمه در تورات به صورت وارونه و از خروج ۲۱:۲۹ شروع می‌شود. این سه آیه قبل از آیه قیمت برده است. سه آیه قبل از یهودا. به قدری نزدیک که همپوشانی داشته باشد. به قدری نزدیک که لمس کند.

به معنای آن فکر کنید. در همان بخش از تورات که قیمت یک بردهٔ مرده سی سکه نقره تعیین شده است، با خواندن وارونه در فاصله شمارش یوبیل، واژه عبری برای مسح‌شده در میان حروف نوشته شده است. ماشیاح درست در کنار قیمتی که به آن فروخته می‌شد، کدگذاری شده است. یوبیل زمان رهایی بود. ماشیاح خود رهایی است. و نام او به صورت وارونه در آیه‌ای جریان دارد که بهای یک جان خیانت‌دیده در آن تثبیت شده بود – چهارده سده پیش از آنکه مردی به نام اسخریوطی سکه‌ها را بگیرد و مردی به نام یسوعا خودش آن بها را بپردازد.

۲.۸ طومار باز شده

تورات بر روی یک طومار نوشته شده بود. طومار یک استوانه است. وقتی متن خروج ۲۱:۳۲ در یک عرض ستون خاص پیچیده می‌شود – مانند پیچیدن پارشمن به آن عرض و خواندن به صورت عمودی، افقی و مورب – کلمات پنهان به طور همزمان بر سطح استوانه قابل مشاهده می‌شوند. هر عرض ستون با یک فاصله پرش مطابقت دارد: پیچیدن در عرض ۵ باعث می‌شود کلمات پرش ۵ به صورت عمودی خوانده شوند.

در عرض ۵ – عرض بوسه – ۲۲۳ کلمه عبری در هر هشت جهت (افقی چپ و راست، عمودی بالا و پایین، چهار مورب) قابل مشاهده می‌شوند. از جمله آن‌ها:

—

عبری	معنا	جهت
כסף נקרה keseph	نقره	افقی
נשק nesheq	بوسه / اسلحه	عمودی
משה Mosheh	موسی	عمودی
הבל Hevel	هابیل	عمودی
הרג hereg	کشتار	عمودی
ידה yadah	انداختن / ستایش	عمودی
פתח pethach	در / گشایش	افقی
ארار arar	لعنت کردن	مورب
בור bor	چاه / زندان	افقی
בכה bakah	گریه کردن	عمودی
שני shani	سرخ / ارغوانی	مورب
קנו qanu	آن‌ها خریدند	مورب

نقره به صورت افقی خوانده می‌شود. بوسه به صورت عمودی رو به پایین. موسی رو به بالا. هابیل – اولین خون بی‌گناه ریخته شده در تاریخ – رو به بالا از میان آیه مربوط به قیمت خون خوانده می‌شود. کشتار در کنار او رو به بالا خوانده می‌شود. ریشه یهودا، به معنای انداختن، در کنار نقره رو به پایین خوانده می‌شود. در معبد به صورت افقی خوانده می‌شود. لعنت به صورت مورب. گریه رو به پایین. سرخ – رنگ خون – به صورت مورب. و آن‌ها خریدند – خرید مزرعه کوزه‌گر – به صورت مورب از میان همه این‌ها عبور می‌کند.

در **عرض ۱۶** – عرضِ آویختن – ۹۷۱ کلمه ظاهر می‌شوند. خیره‌کننده‌ترین تلاقی در یک ردیف واحد از شبکه است، جایی که سه کلمه به طور همزمان خوانده می‌شوند:

• משה (موسی) – عمودی، رو به بالا

• תל (آن‌ها آویختند) – مورب، با ارجاع به تثنيه ۲۱:۲۲-۲۳، لعنتِ آویخته‌شده بر دار

• یک ارجاع متقابل به **زکریا ۱۱:۱۷** – «وای بر شبان باطل که گله را ترک می‌نماید» – همان فصلی که نبوت سی سکه نقره در آن است

موسی. آویختن. شبان باطل. همه در یک ردیف از استوانه. و در همان شبکه: כסף (نقره) و מלל (خیانت) در یک ردیف ظاهر می‌شوند. دو واژه برای لعنت – תלל و אלל – به صورت عمودی در یک ستون روی هم قرار می‌گیرند، یکی دقیقاً بالای دیگری. و کلمات **מכר** («او را فروختند») **دو بار** ظاهر می‌شوند – هر دو بار با ارجاع متقابل به پیدایش ۳۶:۳۷، آیه‌ای که در آن مدانیان یوسف را در مصر فروختند. فروش یوسف دو بار بر سطح استوانه سی سکه نقره کدگذاری شده است.

در عرض ۱۹ – عرض رشوه – واژه מַכְרֵה («او را فروختند») دوباره ظاهر می‌شود، با ارجاع متقابل به همان پیدایش ۳۶:۳۷. همچنین قابل مشاهده هستند: חַבְלָו («طناب او»)، יָמַת («او باید بمیرد»)، و שָׁבַר («شکسته»).

در عرض ۱۱ – عرض خون – ۶۱۵ کلمه ظاهر می‌شوند. متراکم‌ترین خوشه الهیاتی در ردیف‌های ۲-۴ قرار دارد، جایی که کل معامله نقره چیده شده است: מַשְׁקָל (وزن کردن) و שָׁקָל (مثقال/شکل) در ردیف ۳، در کنار יָה (یهودی کردن – تنها فعلی که از نام یهودا مشتق شده است) و לַיָּל (شب – «پیچشی به دور از نور»). چهار شکل از שָׁפַךְ (ریختن خون) به صورت عمودی از میان ردیف‌های ۳-۴ می‌گذرد، که یکی از آن‌ها به اعداد ۳۳:۳۵ ارجاع می‌دهد: «خون، زمین را نجس می‌سازد و برای زمین بابت خونی که در آن ریخته شود، کفارهای نتوان کرد جز به خون کسی که آن را ریخته است.» این دقیقاً همان اصلی است که رؤسای کهنه به آن استناد کردند وقتی گفتند: «انداختن این پول در خزانه معبد جایز نیست، زیرا خون‌بهاست» (متی ۲۷:۶). آیه‌ای که آن‌ها از آن اطاعت می‌کردند، در آیه‌ای که قیمت را تعیین کرده بود کدگذاری شده است.

و در ردیف ۸، کلمه‌ای ظاهر می‌شود که تمام رشته‌ها را به هم گره می‌زند: פֶּהָר (pehār, H6353) یک کوزه‌گر. این صورت آرامی این واژه است که در کتاب مقدس تنها یک بار، در دانیال ۲:۴۱، به کار رفته؛ واژه عبری برای کوزه‌گر در زکریا ۱۱:۱۳ H3335 yôṣēr است. زکریا نبوت کرد: آن را نزد کوزه‌گر بینداز (زکریا ۱۱:۱۳). رؤسای کهنه مزرعه کوزه‌گر را خریدند (متی ۲۷:۷). و واژه کوزه‌گر بر سطح استوانه‌ای آیه‌ای که قیمت را تعیین کرده بود، پنهان شده است. در همان ردیف: נָבִיא (navi، نبی) به صورت عمودی، و נָפַל (naphal، افتادن) – «و به رو درافتاده، از میان پاره شد» (اعمال ۱:۱۸). کوزه‌گر، نبی، و سقوط – همه در یک ردیف.

در ردیف ۱۲: יֵשׁוּעָ (ریشه یشوفا – نجات) در ستون ۳، در کنار חַבְלָו (هابیل – اولین خون بی‌گناه) در ستون ۴، در کنار יָה (ویرانی/فاجعه) در ستون ۵. نجات. خون بی‌گناه. ویرانی. سه کلمه، یک ردیف، کل قوس خیانت در سه بخش. و در ردیف ۱۸: כִּיס (kees, H3599) کیسه پول. یوحنا به ما می‌گوید که یهودا «کیسه پول نزد او بود و از آنچه در آن می‌ریختند، برمی‌داشت» (یوحنا ۱۲:۶). کیسه پول، در انتهای استوانه کدگذاری شده است، گویی که شبکه داستان را از وزن کردن نقره در بالا تا کیسه خالی در پایین روایت می‌کند.

—

ردیف	عبری	معنا	ارتباط با یهودا
1	עבד eved	غلام / خادم	آیه قیمت یک غلام را تعیین می‌کند
3-2	שלש shelesh	ریشه سی	سی سکه نقره
3	שקל sheqel	وزن کردن	آن‌ها نقره را وزن کردند
3	יהד yahad	یهودی کردن	تنها فعل از نام یهودا
3	ליל leil	شب	«و شب بود» (یوحنا ۱۳:۳۰)
4-3	שפך 4	ریختن خون	اعداد ۳۵:۳۳ – خون زمین را نجس می‌کند
4	נקה naqah	بی‌گناه / پاک	«خون بی‌گناه» (متی ۲۷:۴)
8	פחיר pachir	کوزه‌گر	«آن را نزد کوزه‌گر ببنداز» (زکریا ۱۱:۱۳)
8	נבא nava	نبوت کردن	نبی‌ای که آن را پیش‌گویی کرد
8	נפל naphal	افتادن	«به رو درافتاده» (اعمال ۱:۱۸)
12	ישע' yesha	ریشه نجات	ریشه نام یشوعا (عیسی)
12	הבל Hevel	هابیل / پوچی	اولین خون بی‌گناه ریخته شده
15	מכר	«او را فروختند»	پیدایش ۳۷:۳۶ – فروش یوسف
18	כיס kees	کیسه پول	یهودا «کیسه نزد او بود» (یوحنا ۱۲:۶)
18	נוד nod	تبعید	مجازات قابیل

چهار عرض. چهار لنز بر روی همان چهل و هشت حرف. عرض بوسه صحنه خیانت را نشان می‌دهد. عرض خون معامله، کوزه‌گر و نبی را نشان می‌دهد. عرض آویختن دآوری، نبوت و الگوی یوسف را نشان می‌دهد. عرض رشوه فروش و مرگ را نشان می‌دهد. هر عرض زاویه متفاوتی از یک داستان را آشکار می‌کند – که تنها زمانی قابل مشاهده است که طومار به همان قطر دقیق پیچیده شود.

۳.۸ نه فقط موجود – بلکه خوشه‌ای

یک فرد شکاک ممکن است بپرسد: با وجود صدها ریشه عبری که بر روی هر سطح استوانه‌ای قابل مشاهده است، آیا تعجب‌آور است که چند تایی با موضوع خیانت مطابقت داشته باشند؟ پاسخ نه در وجود کلمات، بلکه در نزدیکی آن‌ها به یکدیگر نهفته است. در یک شبکه تصادفی، کلمات مرتبط از نظر موضوعی پراکنده خواهند بود. اگر کلمات به سوی هم کشیده شوند – خوشه‌ای متراکم‌تر از آنچه شانس پیش‌بینی می‌کند تشکیل دهند – الگو واقعی است.

ما فاصله بین هر جفت از کلمات روایت یهودا را در کل تورات، با استفاده از تحلیل مجاورت استاندارد WRR اندازه‌گیری کردیم. برای هر جفت، ابزار نزدیک‌ترین وقوع را در هر مقدار پرش مشترک پیدا می‌کند و فاصله را بر حسب حروف گزارش می‌دهد. نتیجه: واژگان خیانت صرفاً در خروج ۲۱:۳۲ ظاهر نمی‌شوند. آن‌ها در آنجا همگرا می‌شوند.

کلمه ۱	کلمه ۲	فاصله	آیه	رتبه
בֹּסֶה	אֶנְדַּחְתִּין	۶ حرف	خروج ۲۱:۳۲	نزدیک‌ترین در پرش ۵
רִשְׁוֶה	אֶנְיֹחְתִין	۱ حرف	خروج ۲۳:۱	نزدیک‌ترین در تورات
רִשְׁוֶה	בִּיגָנָה	۱ حرف	خروج ۲۳:۵	نزدیک‌ترین در تورات
אֶנְיֹחְתִין	חַבֵּל טָנַב	۱ حرف	خروج ۲۲:۱۷	دومین جفت نزدیک در تورات

ستون دوم را بخوانید: **بوسه** و ریشه یهودا «**برای انداختن**» – در پرش ۵، با شش حرف فاصله – نزدیک‌ترین جفت را در کل تورات در آن پرش تشکیل می‌دهند. از تمام مکان‌هایی که در ۳۰۴,۸۰۵ حرف این دو کلمه می‌توانستند نزدیک به هم ظاهر شوند، یکی از فشرده‌ترین جفت‌شدگی‌ها درون آیه سی سکه نقره می‌افتد. بوسه‌ای که او را شناسایی کرد و انداختن نقره – شش حرف فاصله، در آیه‌ای که قیمت را تعیین کرد.

ریشه و آویختن با فاصله یک حرف در خروج ۲۳:۱ – «شایعهٔ دروغ پراکنده مکن» – قانون شاهد دروغین، دو فصل دورتر از قانون قیمت برده، با هم تماس دارند. **ریشه و بی‌گناهی** با یک حرف فاصله در خروج ۲۳:۵ – همان فصل – تماس دارند. **آویختن و طناب** با یک حرف در خروج ۲۲:۱۷ – یک فصل دورتر – تماس دارند. واژگان خیانت در تورات پراکنده نیستند. آن‌ها در کد عدالت خروج ۲۱–۲۳ جمع می‌شوند – همان بخشی که قیمت سی سکه نقره در آن تعیین شده است – گویی نویسنده کل صحنه جرم را در فاصله شنود دادگاهی قرار داده است که حکم در آن نوشته شده بود.

ظاهر آیه خروج ۲۱:۳۲ قیمت یک برده را سی مثقال تعیین می‌کند. حروف پنهان می‌گویند چه کسی آن قیمت را دریافت می‌کند، چگونه هماهنگ شد، چه بر سر پول آمد، خائن چگونه مرد و کدام نبی آن را پیش‌گویی کرد. و تحلیل مجاورت تأیید می‌کند که این کلمات به طور

تصادفی پراکنده نشده‌اند – آن‌ها در این منطقه از تورات متراکم‌تر از تقریباً هر جای دیگری در متن خوشه‌بندی شده‌اند. تورات صرفاً عدد را نبوت نکرد. بلکه کل روایت را درون عدد پنهان کرد – فشرده در چهل و هشت حرف، که ۳,۴۰۰ سال منتظر نسلی ماند که ماشین‌هایی برای باز کردن طومار و خواندن آنچه همیشه آنجا بود، بسازد.

دقت پشت این ادعا چندلایه‌ای است و بر یک آزمایش واحد استوار نیست. متن مورد استفاده «تورات کورن» است – ۳۰۴,۸۰۵ حرف بی‌صدا، که حرف‌به‌حرف با شمارش کاتبان ماسورتی و با هش SHA256 همان نسخه‌ای که در تحقیقات منتشر شده در Statistical Science در سال ۱۹۹۴ استفاده شده، مطابقت دارد. جستجو جامع است: هر حرف شروع، هر پرش از ۲ تا ۱۵۲,۴۰۲، رو به جلو و رو به عقب، در شانزده جهت شبکه و بیست گام در پیچش استوانه‌ای. هر کلمه در برابر ده هزار کلمه عبری تصادفی با همان طول و همان پرش آزمایش شده است. هر اسکن سنگین سپس به صورت موازی در برابر ده تورات به هم ریخته شده مستقل – با همان الفبا، همان فراوانی حروف، همان طول، که فقط ترتیب حروف با ده بذر تصادفی متفاوت تغییر کرده – اجرا شده است و رتبه درصدی نتیجه واقعی در آن توزیع تجربی ثبت شده است. آزمایش‌های ابطال‌پذیری از پیش متعهد شده حتی در صورت شکست منتشر می‌شوند؛ فرضیاتی که دوام نیاوردند به عنوان نتیجه صفر گزارش می‌شوند. هر یافته مستند تحت ۵۰ اجرای استرس مجدداً تأیید شده است. اگر همگرایی سیزده کلمه خیانت بر چهل و هشت حرف خروج ۲۱:۳۲ ویژگی تصادفی زبان عبری یا ویژگی پیچش استوانه‌ای در هر رشته طولانی از حروف بی‌صدا بود، این لایه‌های حفاظتی آن را شناسایی می‌کردند. اما نکردند. ترتیب حروف – نه فقط مخزن حروف، نه فقط هندسه طومار – حامل این سیگنال است.

و آنچه تاکنون جستجو شده است تنها بخش کوچکی از آن چیزی است که وجود دارد. اسکن‌های امروزی تا چند هزار فاصله پرش را بررسی می‌کنند – یک پنجره محاسباتی محدود و دقیق. تورات بیش از صد و پنجاه هزار پرش ممکن را در هر دو جهت و از هر حرف شروع، می‌پذیرد. آنچه دیده شده تمام حقیقت نیست؛ بلکه سطح اعماق است، اولین بازشدگی‌های متنی که هندسه درونی‌اش مدام بازتر می‌شود. به رشته‌ای از DNA فکر کنید که وقتی سلول برای تقسیم آماده می‌شود باز می‌شود – آنچه شبیه یک خط بود به مارپیچ تبدیل می‌شود و مارپیچ به میلیاردها دستورالعمل باز می‌شود. به گلبُرج گلی فکر کنید، لایه پس از لایه، که رنگ و الگویی را که در زمان بسته بودن پنهان بود، آشکار می‌کند. به یک مربع اوریگامی فکر کنید که وقتی باز شد، هندسه‌ای را آشکار می‌کند که همیشه آنجا بود و منتظر دیده شدن بود. تورات چنین است. هر پرش عمیق‌تر، لایه دیگری را باز می‌کند. آنچه در این فصل ثبت شده است، بر اساس طرح و نقشه، تنها یک آغاز است.

فصل ۹

فرزند هلاکت

John 17:12 · تا وقتی با ایشان بودم، من خود به نام تو که به من بخشیده‌ای، آنان را حفظ کردم و پاسداری نمودم، و هیچ‌یک از ایشان هلاک نشد جز آن فرزند هلاکت، تا کتاب مقدس به انجام رسد.

عیسی در حال دعا است. شب قبل از مرگ اوست، و او چشمان خود را به آسمان بلند کرده و در طولانی‌ترین دعای ثبت‌شده در انجیل‌ها با پدر خود سخن می‌گوید – آنچه که اغلب «دعای شفاعت‌آمیز عظیم» در یوحنا ۱۷ نامیده می‌شود. عیسی در این دعا، گزارشی از کسانی که به او سپرده شده‌اند ارائه می‌دهد. افعال یونانی مراقبت او را ترسیم می‌کنند: G5083 etēroun – «من آن‌ها را نگاه می‌داشتم»، زمان ماضی استمراری، که نشان‌دهنده یک سرپرستی مداوم و همیشگی در طول سال‌های خدمت است. سپس G5442 ephylaxa – «من از آن‌ها پاسداری کردم»، زمان ماضی ساده (Aorist)، که نشان‌دهنده یک عمل تمام‌شده است: مأموریت به انجام رسید، مسئولیت ایفا شد. هیچ‌یک از ایشان گم نشده است – «بجز فرزند هلاکت».

این عنوان فوق‌العاده است. در کل کتاب مقدس، تنها دو فرد «فرزند هلاکت» نامیده شده‌اند. اولین نفر یهودا اسخریوطی است، در همین‌جا در یوحنا ۱۷:۱۲. دومین نفر، مرد شریری است که در ۲ تسالونیکیان ۲:۳ توصیف شده است: «زنهار کسی به هیچ صورت شما را فریب ندهد؛ زیرا تا نخست آن ارتداد رخ ندهد و آن مرد شریر که فرزند هلاکت است ظاهر نگردد، آن روز نخواهد آمد.»

واژه یونانی که «هلاکت» ترجمه شده، $\alpha\pi\omega\lambda\epsilon\iota\alpha$ apōleia^{G684} است. این واژه به معنای نابودی، ویرانی، تلف شدن و زیان مطلق است. و در اینجا این کلمه با دقتی که مرزهای تحمل را درمی‌نوردد، به سوی یهودا باز می‌گردد. در متی ۲۶:۸، وقتی مریم عیسی را با عطری گران‌بها تدهین کرد، شاگردان – به رهبری یهودا – اعتراض کردند: علت این تلف کردن چیست؟ واژه یونانی که متی برای «تلف کردن» به کار می‌برد همان واژه است: $\alpha\pi\omega\lambda\epsilon\iota\alpha$ apōleia^{G684}. یهودا عبادت آن زن را $\alpha\pi\omega\lambda\epsilon\iota\alpha$ apōleia^{G684} – نابودی و هدر رفتن – خواند. و سپس عیسی یهودا را فرزند apōleia نامید. کلمه‌ای که او برای محکوم کردن وفاداری آن زن به کار برد، به عنوانی تبدیل شد که خود او را محکوم کرد. او آن پرستش را «تلف شدن» نامید، و آن تلف شدن نام او گشت. این همان واژه‌ای است که در متی ۷:۱۳ برای راه فراخی که به «هلاکت» منتهی می‌شود، و در مکاشفه ۱۷:۸ برای وحشی که به «هلاکت» می‌رود، به کار رفته است. «فرزند هلاکت» نامیده شدن یعنی با نابودی تعریف شدن – نه صرفاً به عنوان کسی که نابود می‌شود، بلکه به عنوان کسی که متعلق به نابودی است، کسی که فرزند همان ویرانی است که خود بر عمل محبت‌آمیز دیگری اعلام کرده بود.

عیسی می‌گوید که یهودا هلاک شد «تا کتاب مقدس به انجام رسد». مراجع متقاطع برای یوحنا ۱۷:۱۲ به مزمور ۱۰۹:۶–۱۹ اشاره دارند، جایی که داوود علیه خیانتکار خود دعا می‌کند:

«شریری را بر او بگمار، و بگذار شیطان به دست راستش بایستد. چون داوری شود، محکوم بیرون آید، و دعایش گناه شمرده شود. روزهایش اندک باشد، و دیگری منصب او را بگیرد» (مزمور ۱۰۹:۶-۸). پطرس در اعمال رسولان ۱:۲۰ هنگامی که درباره جایگاه خالی رسولی یهودا سخن می‌گفت، از این مزمور نقل قول کرد: «و منصب او را دیگری بگیرد.»

همچنین مراجع متقاطع به اعمال رسولان ۱:۲۵ اشاره دارند، جایی که پطرس می‌گوید یهودا از خدمت و رسالت خود ساقط شد «تا به مکان خود برود.» آن عبارت – «مکان خود» – یکی از تکان‌دهنده‌ترین عبارات در تمام کتب مقدس است. یهودا به طور تصادفی در نابودی سقوط نکرد. او به مکانی رفت که متعلق به او بود. هلاکتی که او را در خود بلعید، به معنای وحشتناکی، جایی بود که او به آن تعلق داشت. او فرزند هلاکت بود و به خانه خود در هلاکت رفت.

Psalms 109:6-8 · شریری را بر او بگمار، و بگذار شیطان به دست راستش بایستد. چون داوری شود، محکوم بیرون آید، و دعایش گناه شمرده شود. روزهایش اندک باشد، و دیگری منصب او را بگیرد.

ارتباط بین مزمور ۱۰۹ و یهودا توسط پطرس در اعمال رسولان ۱ صریحاً بیان شده است. اما جزئیات این مزمور به خودی خود ارزش بررسی دارند. داوود دعا می‌کند: «بگذار شیطان به دست راستش بایستد.» واژه عبری برای شیطان در اینجا ^{H7854} satan است – به معنای متهم‌کننده، دشمن. این همان واژه‌ای است که در زکریا ۳:۱ به کار رفته، جایی که شیطان در دست راست یوشع کاهن اعظم ایستاده تا او را متهم کند. در مورد یهودا، شیطان تنها در دست راست او نایستاد – شیطان در او داخل شد (لوقا ۲۲:۳، یوحنا ۱۳:۲۷). دعای مزمور فراتر از کلمات ظاهری‌اش به حقیقت پیوست.

«روزهایش اندک باشد» – روزهای یهودا پس از خیانت نه بر حسب سال، بلکه بر حسب ساعت شمرده می‌شدند. او بیرون رفت، به عیسی خیانت کرد، محکومیت را دید، نقره را پس داد و مرد. از لحظه‌ای که او بالاخانه را ترک کرد تا لحظه‌ای که خود را حلق‌آویز نمود، کل این زنجیره با سرعتی هولناک رخ داد.

«و دیگری منصب او را بگیرد» – واژه یونانی در اعمال رسولان ۱:۲۰ G1984 episkopēn است که کلمات «اسقف» یا «ناظر» از آن گرفته شده است. یهودا دارای یک منصب بود. او تنها یک پیرو نبود – او یک رسول بود، یکی از دوازده نفر، که مسئولیتی خاص در خدمت بنیادین کلیسا بر عهده داشت. آن منصب با او نمرد. آن منصب توسط متیاس پر شد (اعمال ۱:۲۶). کار خدا ادامه یافت. خیانتکار جایگزین شد. هدفی که او قرار بود در خدمت آن باشد به دیگری سپرده شد.

فرزند هلاکت. این عنوانی است که یهودا را به دشمن نهایی خدا که در ۲ تسالونیکیان ۲ توصیف شده، پیوند می‌دهد. اینکه آیا پولس قصد داشته ارتباط مستقیمی بین یهودا و «مرد شریر» اخروی برقرار کند، مورد بحث مفسران است. اما خود این عنوان گویای حقایق بسیاری است. یهودا صرفاً مردی نبود که تصمیمی وحشتناک گرفت. او مردی بود که با نابودی‌اش تعریف می‌شد – تحقق زنده‌ی تمام هشدارهایی که کتب مقدس درباره کسی که به مسیح خیانت می‌کند، داده بودند.

فصل ۱۰

شیطان در او داخل شد

Luke 22:3-4 · آنگاه شیطان در یهودای ملقب به اسخریوطی که یکی از آن دوازده بود، داخل شد. او رفت و با رؤسای کهنه و فرماندهان سپاه معبد گفتگو کرد که چگونه او را به ایشان تسلیم کند.

لوقا این لحظه را با دقتی بالینی ثبت کرده است. هیچ مقدمه‌چینی، هیچ تصویر روان‌شناختی، و هیچ توصیفی از کلنجارهای درونی وجود ندارد. «آنگاه شیطان در یهودا داخل شد.» این موضوع به عنوان یک واقعیت بیان شده است، درست همان‌طور که ممکن است گفته شود مردی از دری عبور کرد. خصم در آن شاگرد داخل شد و آن شاگرد نزد رؤسای کهنه رفت.

این یکی از تنها دو موردی در انجیل‌ها است که گفته شده شیطان در شخصی «داخل» شد. مورد دیگر در شام آخر است که یوحنا آن را ثبت کرده است: «و بعد از آن لقمه، شیطان در او داخل شد. پس عیسی به او گفت: آنچه می‌کنی، زودتر بکن» (یوحنا ۱۳:۲۷). این سؤال مطرح می‌شود: آیا شیطان یک بار در یهودا داخل شد یا دو بار؟ ترتیب زمانی وقایع نشان‌دهنده دو لحظه متمایز است. اولین مورد که در لوقا ۲۲:۳ ثبت شده، قبل از آن است که یهودا برای معامله نزد رؤسای کهنه برود. دومین مورد که در یوحنا ۱۳:۲۷ ثبت شده، در سر سفره و پس از آن است که عیسی لقمه را به یهودا می‌دهد. بین این دو لحظه، هماهنگی با کهنه، توافق بر سر قیمت و جستجوی فرصت مناسب نهفته است.

یوحنا یک مرحله میانی را نیز ذکر می‌کند: «و چون شام می‌خوردند، و ابلیس پیش از این در دل یهودای اسخریوطی پسر شمعون نهاده بود که او را تسلیم کند» (یوحنا ۱۳:۲). در اینجا زبان متفاوت است. ابلیس «در دل نهاده بود» – در متن یونانی *beblēkotos eis tēn kardian* آمده است که به معنای «در دل افکندن» می‌باشد. این زبان کاشتن بذر و معرفی یک ایده است. پیش از آنکه شیطان کاملاً یهودا را تسخیر کند، ابتدا آن فکر را کاشت. این ایده در دلی جوانه زد که پیش‌تر با سال‌ها سرقت، فریب و بی‌ایمانی آماده شده بود. واژه عبری برای شیطان – ^{H7854}שָׂטָן *satan* – تصویری از عملکرد او را در خود دارد. در خط پروتو-سینایی، این سه صامت چنین خوانده می‌شوند: **Shin** (دندان‌ها، آتش بلعنده)، **Tet** (ماری چنبره‌زده در سبد)، **Nun** (دانه‌ای در حال جوانه زدن). بلعنده‌ای که دور بذر چنبره می‌زند. مارِ پیدایش ۳ در این حروف نهفته است: آن که می‌بلعد، آن که همچون مار احاطه می‌کند و آن که به نسل (بذر) ضربه می‌زند. و دقت کنید متن چه می‌گوید او انجام داد: او بذری را در دل افکند. خصمی که حروف نامش بلعیدن بذر را تصویر می‌کند، بذری را در دل یهودا کاشت – و آن بذر به خیانت تبدیل شد. سپس، در لحظه سرنوشت‌ساز، شیطان به‌طور کامل داخل شد.

ارجاعات متقاطع یوحنا ۱۳:۲۷ بسیار آموزنده هستند. آن‌ها به لوقا ۲۲:۳-۴ (روایت موازی)، و همچنین به مزمور ۱۰۹:۶ («و شیطان به دست راست او بایستد»)، به اعمال ۵:۳ (جایی که شیطان دل حنانيا را پر کرد تا به روح‌القدس دروغ بگوید) و به یعقوب ۱۳:۱-۱۵ («هر

کس و سوسه می‌شود وقتی که از خواهش‌های نفسانی خود کشیده و فریب خورده باشد. پس چون خواهش آبستن شود، گناه را می‌زاید؛ و گناه چون به کمال رسد، موت را به بار می‌آورد» پیوند می‌خورند. این الگو ثابت است: شیطان از آنچه پیش‌تر وجود دارد بهره‌برداری می‌کند. او طمع یهودا را ایجاد نکرد؛ بلکه از آن استفاده کرد. او بی‌ایمانی یهودا را خلق نکرد؛ بلکه آن را تقویت کرد.

John 13:27 و بعد از آن لقمه، شیطان در او داخل شد. پس عیسی به او گفت: آنچه می‌کنی، زودتر بکن.

زمان دومین ورود شیطان، معنای عمیقی دارد. عیسی به‌تازگی والاترین عمل فروتنی را انجام داده است – شستن پاهای شاگردان، از جمله پاهای یهودا (یوحنا ۵:۱۳). او خیانت‌کار خود را با دادن لقمه به او شناسایی کرده است؛ تکه نانی که در ظرف فرو برده شده – حرکتی که در فرهنگ آن زمان، نشانه‌ی احترام بود و از سوی میزبان به مهمان ویژه نثار می‌شد. عیسی برای آخرین بار فیض خود را به یهودا ابراز می‌کند. و دقیقاً در همین لحظه، پس از آن لقمه است که شیطان در او داخل می‌شود.

نور عرضه شد، و تاریکی، تاریکی را برگزید. فیض گسترده شد، و رد شد. نانِ رفاقت داده شد، و دستی که آن را دریافت کرد، پاشنه‌اش را علیه آن که نان را داده بود، بلند کرد.

متن یونانی این آیه دقیق است. «شیطان در او داخل شد» – فعل G1525 eisēlthen در زمان ماضی مطلق (Aorist indicative) است: یک عمل تمام‌شده، قاطع و برای همیشه. این یک لغزش تدریجی نبود. این بسته شدن محکم یک در بود. و سپس عیسی سخن می‌گوید، و گرامر فرمان او چیزی را آشکار می‌کند که ترجمه‌های دیگر پنهان می‌کنند. «آنچه می‌کنی، زودتر بکن» از دو شکل یک فعل، ποιέω poieō^{G4160}، استفاده می‌کند. اولی – poieis – در زمان حال است: «آنچه هم‌اکنون در حال انجامش هستی»، آنچه پیش‌تر به جریان افتاده و آغاز گشته است. دومی – poiēson – در وجه امری ماضی مطلق (Aorist imperative) است: «تمامش کن. همین حالا انجامش بده.» عیسی تصدیق می‌کند که خیانت پیش‌تر آغاز شده است. او بحث نمی‌کند. او التماس نمی‌کند. او سعی نمی‌کند جلوی آنچه در حال وقوع است را بگیرد. او فرمان به تکمیل آن می‌دهد. او یهودا را در دل شب رها می‌کند.

«پس او چون آن لقمه را گرفت، فوراً بیرون رفت؛ و شب بود» (یوحنا ۳۰:۱۳).

کتاب Bible Types Wilson's با صراحت خاص خود، سه «تیپ» یا نماد را در این صحنه برداشت می‌کند. در ذیل واژه «Serpent» (مار)، ویلسون درباره پیدایش ۳:۱ می‌نویسد: «این نمادی از شیطان است زیرا در مکاشفه ۱۲:۹ چنین توصیف شده است.» و درباره اعداد ۲۱:۸: «این نمادی از خداوند عیسی است هنگامی که برای ما گناه شد (۲ قرن‌تیا ۵:۲۱) در حالی که بر صلیب کالواری آویخته بود.» ماری که در یهودا داخل شد، همان ماری است که در عدن داخل شد. و کسی که مار از طریق یهودا به او نیش زد، همان کسی است که چون مار مفرغی در بیابان برافراشته شد – کسی که گناه شد تا نیش‌خوردگان زنده بمانند. در ذیل واژه «Door» (در)، ویلسون درباره مکاشفه ۳:۲۰ می‌نویسد: «این واژه در اینجا ورودی دل را توصیف می‌کند، گویی دل خانه‌ای است و صاحب آن باید امکان ورود و سکونت خداوند را در آنجا فراهم آورد.» دل یهودا دری داشت. مسیح کوبید. شیطان وارد شد. دری که می‌بایست به روی منجی گشوده می‌شد، در عوض به روی خصم باز شد.

آخرین جمله یوحنا در این بخش، یکی از قدرتمندترین جملات در تمام ادبیات خوانده شده است. «و شب بود.» در متن یونانی، این تنها سه کلمه است: *ēn de nux*. فعل *ēn* به صورت ماضی استمراری (Imperfect) است – نه به معنای «شب شد» بلکه «شب بود.» تاریکی، تغییری در صحنه نبود. بلکه یک وضعیت مستمر بود که از پیش وجود داشت و در انتظار او بود. و یوحنا از ضمیر اشاره *ἐκεῖνος* *ekeinos*^{G1565} – «آن یکی» – برای توصیف خروج یهودا استفاده می‌کند: نه «او بیرون رفت» بلکه «آن یکی بیرون رفت.» خود گرامر، یهودا را از جمع جدا می‌کند. او دیگر یکی از آن‌ها نیست. او آن یکی است. و آن یکی به دل شبی رفت که از پیش آنجا بود.

ویلسون وزن نمادین این تاریکی را تأیید می‌کند. در ذیل واژه («Night» شب)، ویلسون درباره یوحنا ۱۳:۳۰ می‌نویسد: «برای کسانی که به مسیح پشت می‌کنند، از حضور او خارج می‌شوند تا او را انکار کنند، و جایگاه خود را در میان دشمنان خدا و کسانی که شرورانه با عیسی مسیح مخالفت می‌کنند برمی‌گزینند، همیشه شب است.» و درباره ۱ تسالونیکیان ۵:۵: «این یکی از راه‌های بسیاری است که خداوند به ما اطمینان می‌دهد که فرزندان او که با فیض نجات یافته‌اند و به نور عجیب او وارد شده‌اند، به پادشاهی تاریکی تعلق ندارند.» یهودا از نور بیرون رفت و به دل شب قدم گذاشت. آن یازده نفر در نور باقی ماندند. شب بر آن‌ها چیره نشد – اما یهودا را به‌طور کامل بلعید.

تضاد با سایر شاگردان مطلق است. پطرس، یعقوب، یوحنا و بقیه در سر سفره باقی ماندند. آن‌ها نیز به روش‌های خود شکست می‌خوردند – پطرس پیش از بانگ خروس، سه بار عیسی را انکار می‌کرد. اما آن‌ها باقی ماندند. آن‌ها در نور ماندند. یهودا رفت. و بین رفتن او و رسیدن سربازان به جتسیمانی، پسر خدا سخنانی را گفت که در یوحنا ۱۴-۱۷ ثبت شده است – سخنان وداع، وعده روح‌القدس، دعا برای شاگردانش. یهودا هیچ‌کدام را نشنید. او در دل شب بود.

فصل ۱۱

شام آخر

John 13:21-22 · چون عیسی این را گفت، در روح آشفته گشت و شهادت داده، گفت: «آمین، آمین، به شما می‌گویم که یکی از شما مرا تسلیم خواهد کرد.» آنگاه شاگردان به یکدیگر نگریستند و حیران بودند که درباره که سخن می‌گوید.

اعلان بر سر سفره از سر غم و اندوه بود. عیسی «در روح آشفته گشت» – واژه یونانی آن etarachthē است، به معنای به‌شدت مضطرب، پریشان و از ته دل تکان‌خورده. این همان واژه‌ای است که برای عیسی بر مزار ایلعازر (یوحنا ۱۱:۳۳) و در جتسیمانی به کار رفته است، آنجا که می‌گوید: «اکنون جان من مشوش است» (یوحنا ۱۲:۲۷). این خیانت برای عیسی یک محاسبه سرد و بی‌روح نبود، بلکه او را محزون ساخت. او که از همه چیز آگاه بود، در برابر درد معنای آن وقایع مصون نبود.

هر یک از اناجیل این اعلان را به شکلی متفاوت ثبت کرده‌اند و در کنار هم، تصویری کامل از صحنه کنار سفره پدید می‌آورند.

متی به ما می‌گوید که عیسی گفت: «آمین به شما می‌گویم که یکی از شما مرا تسلیم خواهد کرد.» و ایشان بسیار غمگین گشتند و هر یک از آنان به او گفتند: «خداوندا، آیا من هستم؟» (متی ۲۶:۲۱-۲۲). هر یک از شاگردان این سؤال را پرسیدند – از جمله یهودا. «آنگاه یهودا که تسلیم‌کننده او بود، در پاسخ گفت: «استاد، آیا من هستم؟» به او گفت: «تو خود گفتی.»» (متی ۲۶:۲۵). به دو تفاوت در متن یونانی دقت کنید. نخست اینکه سایر شاگردان عیسی را Kyrie – خداوند – خطاب می‌کنند. اما یهودا او را Rabbi – استاد – می‌خواند. دیگران سروری او را تصدیق می‌کردند، اما یهودا تنها مقام معلمی او را به رسمیت می‌شناخت. دوم، و گویاتر از آن: هر یک از آنان – از جمله یهودا – این پرسش را با همان کلمات، عیناً یکسان، مطرح کردند: mēti egō eimi. حرف یونانی ^{G3385}μήτι mēti انتظار پاسخ «نه» را دارد، پس این سؤال بر لبان هر کسی که بر آن سفره نشسته بود بهتر است چنین ترجمه شود: «یقیناً آن من نیستم، درست است؟» یهودا نیازی نداشت انکاری از خود بسازد. او در پس همان قالب کلماتی که بی‌گناهان به کار می‌بردند پنهان شد، و آن جمله چیزی را فاش نمی‌کند. تنها نامی که او به کار برد، او را لو داد. و ساختار مقدمه متی بر این وحشت صحنه می‌گذارد: یهودا با عنوان ho paradidous auton شناسایی شده است – «کسی که در حال حاضر به او خیانت می‌کند» – که یک اسم فاعل حال اخباری است. خیانت در همان حالی که او بر سر سفره نشسته بود و سؤالش را می‌پرسید، در جریان بود.

مرقس می‌افزاید: «یکی از شما که با من غذا می‌خورد، مرا تسلیم خواهد کرد» (مرقس ۱۴:۱۸) – که پژواک مزمور ۴۱:۹ است، دوست نزدیکی که با مزمورنویس نان می‌خورد. و عیسی می‌گوید: «پسر انسان همان‌گونه که درباره او نوشته شده است می‌رود؛ اما وای بر آن کسی که پسر انسان به واسطه او تسلیم می‌شود! برای آن شخص بهتر می‌بود که هرگز زاده نمی‌شد»

(مرقس ۱۴:۲۱). این هولناک‌ترین جمله‌ای است که عیسی تاکنون درباره یک انسان زنده بر زبان آورده است. برای یهودا بهتر می‌بود که هرگز وجود نمی‌یافت.

لوقا این‌گونه مشارکت می‌کند: «اما اینک دست آن که مرا تسلیم می‌کند، با من بر سفره است» (لوقا ۲۲:۲۱). این تصویر بسیار ملموس و تکان‌دهنده است. درست در لحظه مشارکت، دست خائن بر همان سفره‌ای است که بدن و خون خداوند بر آن قرار دارد. خیانت از راه دور انجام نمی‌شود، بلکه بر سر سفره رفاقت رخ می‌دهد.

یوحنا دقیق‌ترین گزارش را به ما می‌دهد. پطرس که بر سفره تکیه زده، به آن شاگرد محبوب – همان که بر سینه عیسی تکیه داده بود – اشاره می‌کند و از او می‌خواهد بپرسد که او کیست. عیسی پاسخ می‌دهد: «او کسی است که این لقمه را پس از فرو بردن در ظرف، به او می‌دهم» (یوحنا ۱۳:۲۶). او نان را در ظرف فرو برده و به یهودا می‌دهد. این عمل دادن لقمه، طبق رسوم آن زمان، نشانه التفات ویژه میزبان بود. حتی در این لحظه نهایی، عیسی نسبت به مردی که قرار است او را به دست مرگ بسپارد، مهربانی نشان می‌دهد.

John 13:26-30 · عیسی پاسخ داد: «او کسی است که این لقمه را پس از فرو بردن در ظرف، به او می‌دهم.» و چون لقمه را در ظرف فرو برد، آن را به یهودای اسخریوطی، پسر شمعون، داد. و پس از آن لقمه، شیطان در او داخل گشت. آنگاه عیسی به او گفت: «آنچه می‌کنی، زودتر بکن.» اما هیچ‌یک از کسانی که بر سفره نشسته بودند، ندانستند که چرا این را به او گفت. زیرا برخی چون یهودا کیسه پول را داشت، گمان کردند که عیسی به او گفته است: «آنچه برای عید لازم داریم بخر» یا اینکه چیزی به فقیران بدهد. پس او چون لقمه را گرفت، فوراً بیرون رفت؛ و شب بود.

پنهان‌کاری این گفتگو شگفت‌انگیز است. عیسی یهودا را به آن شاگرد محبوب (و احتمالاً به پطرس) معرفی کرد. اما سائیرین بر سر سفره متوجه نشدند. آن‌ها فکر کردند یهودا برای انجام مأموریتی فرستاده شده است. خائن سفره را ترک کرد و دیگران گمان کردند که او برای کاری عادی رفته است. این به ما می‌گوید که یهودا تا چه حد کامل نقاب خود را حفظ کرده بود. سه سال فریبکاری، و هیچ‌یک از آن یازده نفر دیگر دست او را نخوانده بودند.

کتاب Bible Types Wilson's معنای نان را بر این سفره عمیق‌تر می‌کند. ذیل واژه «نان»، ویلسون درباره ۱۷:۱۰ می‌نویسد: «این نان به عنوان یک قرص نان، نشان‌دهنده کلیسای حقیقی خدا بر روی زمین است. همان‌طور که نان شامل دانه‌های بسیاری است (کسی نمی‌داند چند عدد)، کلیسا نیز شامل اعضای بسیاری است و کسی نمی‌داند چند نفر. با این حال، حقیقت این است که نان‌ها چیزی جز گندم ندارند. هیچ شن یا خاکستری در آن نیست، هیچ چوب یا سنگی در آن یافت نخواهد شد. کلیسای حقیقی خدا تنها شامل ایمانداران واقعی، یعنی مقدسین خداست.» نان در شام آخر نشان‌دهنده بدن مسیح بود – و بدن مسیح تنها شامل گندم است. یهودا هنگام پاره شدن نان بر سر سفره بود، اما او گندم نبود. او کاهی بود که در میان غله نشسته بود، برای آن یازده نفر دیگر غیرقابل تشخیص، اما برای آن کسی که نان را پاره می‌کند، شناخته شده بود. وقتی عیسی نان را پاره کرد و گفت «این است بدن من»، پاره‌کننده بدن بر سر همان سفره‌ای نشسته بود که بدنی را که قرار بود پاره کند، در بر داشت.

شام آخر لحظه‌ای بود که عهد عتیق جای خود را به عهد جدید داد. عیسی نان و جام را گرفت و آیین مقدسی را بنا نهاد که عبادت مسیحی را برای دو هزار سال تعریف می‌کرد. و مردی که قرار بود او را نابود کند، در زمان وقوع این واقعه بر سر سفره بود. پولس، در نامه به قرنتیان درباره شام خداوند، این پیوند را برقرار می‌کند: «زیرا آنچه من از خداوند یافتم، به شما نیز سپردم؛ که خداوند عیسی در آن شبی که تسلیم او شد، نان را گرفت» (۱ قرنتیان ۱۱:۲۳). نان عهد جدید و نان خیانت، هر دو در یک شب پاره شدند.

فصل ۱۲

بوسه

Luke 22:47-48 · و چون او هنوز سخن می‌گفت، ناگاه جمعی پیدا شدند و آن کسی که یهودا نام داشت و یکی از آن دوازده بود، پیشاپیش ایشان می‌آمد و نزدیک عیسی آمد تا او را ببوسد. عیسی به وی گفت: «ای یهودا، آیا با بوسه‌ای پسر انسان را تسلیم می‌کنی؟»

دستگیری در جتسیمانی در هر چهار انجیل ثبت شده است و هر یک جزئیاتی را ارائه می‌دهند که در کنار هم یکی از زنده‌ترین صحنه‌های کتاب مقدس را شکل می‌دهند. عیسی دعا را تمام کرده است. شاگردان به خواب رفته‌اند. و از میان تاریکی، جمعیتی با مشعل‌ها و سلاح‌ها، به رهبری چهره‌ای آشنا، از راه می‌رسند.

متی این صحنه را چنین توصیف می‌کند: «و چون او هنوز سخن می‌گفت، ناگاه یهودا که یکی از آن دوازده بود، با جمعیتی کثیر با شمشیرها و چوب‌ها از جانب رؤسای کهنه و مشایخ قوم آمدند. و آن تسلیم‌کننده به ایشان نشانی داده و گفته بود: «هر که را بوسه زنم، همان است؛ او را محکم بگیرید.» و در حال نزد عیسی آمده، گفت: «سلام یا سید!» و او را ببوسید» (متی ۲۶:۴۷-۴۹).

نشانه، یک بوسه بود. در فرهنگ فلسطین قرن اول، بوسه بر گونه یک خوش‌آمدگویی مرسوم بین یک ربی و شاگردش بود – نشانی از احترام، نزدیکی و محبت. یهودا صمیمانه‌ترین حرکتی را که در اختیار داشت، به عنوان ابزار خیانت انتخاب کرد. او از راه دور با انگشت اشاره نکرد. کلامی برای شناسایی بر زبان نیاورد. او به سمت عیسی رفت، او را Rabbi خطاب کرد و او را بوسید.

واژه یونانی که متی برای بوسه به کار می‌برد، حائز اهمیت است. در آیه ۴۸، واژه *philēsō* است – واژه‌ای معمولی برای بوسه. اما در آیه ۴۹، زمانی که یهودا در واقع این عمل را انجام می‌دهد، متی از واژه *katephilēsen* G2705 استفاده می‌کند – شکلی تشدید شده، از *κατά kata* G2596 (به سوی پایین) و *φιλέω phileō* G5368 (دوست داشتن)، به این معنی که او او را با حرارت، گرمی و با تظاهر زیاد بوسید. این یک بوسه کوتاه و گذرا نبود. یک در آغوش کشیدن طولانی و نمایشی بود که برای اطمینان کامل از اینکه سربازان مرد درست را در زیر نور مشعل‌ها شناسایی کنند، انجام شد. واژه *kataphileō* تنها شش بار در کل عهد جدید ظاهر می‌شود، و دو بار آن یهودا است (متی ۲۶:۴۹؛ مرقس ۱۴:۴۵). چهار مورد دیگر محبت است. آن زن گناهکار زمانی که پاهای عیسی را با عشق و توبه می‌بوسید، از آن استفاده کرد (لوقا ۷:۳۸). عیسی زمانی که بوسه‌های بی‌وقفه او را با میزبانی مقایسه کرد که هیچ بوسه‌ای به او نداده بود، از آن استفاده کرد (لوقا ۷:۴۵). آن پدر زمانی که دوید و بر گردن پسر گمشده‌ی بازگشته‌اش افتاد، از آن استفاده کرد (لوقا ۱۵:۲۰). مشایخ افسس زمانی که گریه می‌کردند و با پولس در وقت وداع بوسه می‌دادند، از آن استفاده کرد (اعمال ۲۰:۳۷). چهار عمل از سر

محبتی فداکارانه. و یک عمل خیانت، که گویی انجیل‌ها نمی‌توانستند از کنارش بگذرند، دو بار ثبت شده است. یهودا شدیدترین بیان عشق در زبان یونانی را جعل کرد. و زبان عبری لایه‌ای را اضافه می‌کند که یونانی ندارد: ترجمه سبعینیه (Septuagint) از kataphileō برای ترجمه واژه عبری nashaq استفاده می‌کند – که هم به معنای بوسیدن و هم به معنای مسلح شدن به سلاح است. واژه بوسه در عبری، واژه سلاح نیز هست. بوسه‌ی خیانتکار، در زبان عهد عتیق، یک اقدام جنگی بود.

کتاب Bible Types Wilson's بوسه را به عنوان یک «تیپ» (نمونه) در سراسر کتاب مقدس فهرست‌بندی می‌کند و نتیجه‌ی آن تکان‌دهنده است. ویلسون در ذیل مدخل «بوسه»، طیف کامل تیپ‌شناختی را فهرست می‌کند: «پیدایش ۲۶:۲۷: بوسه‌ی اخلاص. پیدایش ۴۵:۱۵: بوسه‌ی مصالحه. پیدایش ۵۰:۱: بوسه‌ی وداع. روت ۱:۱۴: بوسه‌ی ترک کردن. اول سموئیل ۱۰:۱: بوسه‌ی تکریم. اول سموئیل ۲۰:۴۱: بوسه‌ی اطمینان. دوم سموئیل ۱۵:۵: بوسه‌ی فتنه. دوم سموئیل ۲۰:۹: بوسه‌ی ریا. ایوب ۳۱:۲۷: بوسه‌ی تباری. مزبور ۲:۱۲: بوسه‌ی اعتماد. مزبور ۸۵:۱۰: بوسه‌ی عدالت. امثال ۷:۱۳: بوسه‌ی وقاحت. امثال ۲۷:۶: بوسه‌ی دشمن. غزل غزل‌ها ۱:۲: بوسه‌ی محبت. لوقا ۷:۴۵: بوسه‌ی سپاس. لوقا ۲۲:۴۸: بوسه‌ی خیانت. اعمال ۲۰:۳۷: بوسه‌ی غم. رومیان ۱۶:۱۶: بوسه‌ی مقدس مقدسین.» هجده بوسه در کتاب مقدس. اخلاص، مصالحه، وداع، تکریم، اطمینان، محبت، سپاس، غم، قدوسیت – بوسه تمام دامنه لطافت انسانی را در بر می‌گیرد. و در آنجا، در میان فهرست، مانند سنگی سیاه در میان سفید: لوقا ۲۲:۴۸: بوسه‌ی خیانت. ویلسون آن را بدون هیچ توضیحی نام می‌برد. نیازی به توضیح نیست. یهودا حرکتی را انتخاب کرد که بار هر عمل عاشقانه‌ای در کتاب مقدس را بر دوش می‌کشد و آن را به سلاح تبدیل کرد. بوسه‌ی خیانت صرفاً یک بوسه‌ی دروغین نیست؛ بلکه جعلی از هر بوسه‌ی واقعی در تاریخ نجات است.

و ویلسون دو سایه از عهد عتیق را شامل می‌شود که مستقیماً به جتسیمانی اشاره دارند. دوم سموئیل ۱۵:۵: بوسه‌ی فتنه – ابشالوم مردان اسرائیل را بوسید تا دل‌هایشان را از داوود، مسیح خداوند، برباید. دوم سموئیل ۲۰:۹: بوسه‌ی ریا – یوآب ریش عماسا را گرفت تا او را ببوسد و شمشیری در شکمش فرو کرد. در هر دو مورد، بوسه ابزار کودتایی علیه پادشاه بود. بوسه‌ی یهودا به همین سلسله تعلق دارد: بوسه‌ای که به پادشاه ضربه می‌زند.

پاسخ عیسی، آنگونه که در هر انجیل ثبت شده، جنبه‌های مختلفی از شخصیت او را در این لحظه آشکار می‌کند.

متی: «عیسی به وی گفت: «ای رفیق، برای چه آمدی؟»» (متی ۲۶:۵۰). واژه «رفیق» در اینجا hetaire است – این واژه آن philos گرم (دوست محبوب) نیست، بلکه اصطلاحی رسمی و کمی دور است، چیزی شبیه به «همراه» یا «شریک». این همان واژه‌ای است که عیسی در مثل ضیافت عروسی (متی ۲۲:۱۲) و مثل کارگران (متی ۲۰:۱۳) به کار می‌برد. در آن وقار و فاصله وجود دارد، و شاید آخرین پیشنهاد برای بازگشت به خود: آیا می‌دانی چه می‌کنی؟

لوقا: «ای یهودا، آیا با بوسه‌ای پسر انسان را تسلیم می‌کنی؟» (لوقا ۲۲:۴۸). این نافذترین پاسخ در میان تمام پاسخ‌هاست. عیسی او را به نام می‌خواند – یهودا. او عمل را نام می‌برد – تسلیم کردن (خیانت). او قربانی را نام می‌برد – پسر انسان. و او ابزار را نام می‌برد – بوسه. هر عنصر از این خیانت در یک جمله برهنه می‌شود. کسی که «رفیق» خوانده می‌شد، به یک

خیانتکار تبدیل شده است. تحیت سلامتی به نشانه‌ی دستگیری بدل شده است. نشانه‌ی عشق به علامت مرگ تبدیل شده است.

یوحنا جزئیاتی را اضافه می‌کند که سایر اناجیل از آن چشم‌پوشی کرده‌اند. وقتی سربازان می‌رسند، عیسی پیش می‌آید و می‌پرسد: «کرا می‌جویید؟» پاسخ می‌دهند: «عیسی ناصری را.» عیسی می‌گوید: «من هستم.» و یوحنا ثبت می‌کند: «و یهودا، تسلیم‌کننده‌ی او نیز با ایشان ایستاده بود» (یوحنا ۵:۱۸). یهودا از یک سو به سوی دیگر رفته است. او دیگر در کنار شاگردان نیست. او در کنار گروه بازداشت‌کنندگان ایستاده است. گسست کامل شده است.

و هنگامی که عیسی کلمات «من هستم» را بر زبان می‌آورد، تمام گروه سربازان و مأموران به روی زمین می‌افتند (یوحنا ۶:۱۸). حتی در لحظه‌ی دستگیری، قدرت الهی پسر خدا آشکار است. آن‌ها می‌آیند تا او را بگیرند و با دو کلمه از دهان او فرو می‌پاشند. او اجازه می‌دهد که او را بگیرند – «آن پیاله‌ای را که پدر به من داده است، آیا ننوشم؟» (یوحنا ۱۱:۱۸) – اما او روشن می‌کند که هیچ‌کس جانش را از او نمی‌گیرد. او خود آن را با اراده‌ی خویش می‌نهد (یوحنا ۱۰:۱۸). یهودا ممکن است سربازان را به باغ هدایت کرده باشد، اما عیسی با میل خود به میان دستان آن‌ها رفت.

فصل ۱۳

وای بر آن مرد

Matthew 26:24 · پسر انسان می‌رود، چنانکه درباره او نوشته شده است؛ اما وای بر آن کس که پسر انسان به واسطه او تسلیم می‌شود! اگر آن مرد هرگز زاده نشده بود، برایش بهتر می‌بود.

عیسی این سخنان را در شام آخر، پیش از آنکه نان پاره شود و پیش از آنکه یهودا اتفاق را ترک کند، بیان کرد. این‌ها شدیدترین قضاوتی است که او تاکنون درباره یک فرد زنده صادر کرده است. نه بر فریسیان، نه بر صدوقیان، نه بر روم – بلکه بر یکی از آن دوازده نفر خودش.

مرقس نیز همین گفته را ثبت کرده است: «آری، پسر انسان می‌رود، چنانکه درباره او نوشته شده است؛ اما وای بر آن کس که پسر انسان به واسطه او تسلیم می‌شود! اگر آن مرد هرگز زاده نشده بود، برایش بهتر می‌بود» (مرقس ۱۴:۲۱). لوقا نیز تأیید می‌کند: «پسر انسان همان‌گونه که مقرر شده است می‌رود، اما وای بر آن مرد که او را تسلیم می‌کند!» (لوقا ۲۲:۲۲).

سه نکته در این اعلام برجسته است. نخست، پسر انسان «می‌رود، چنانکه درباره او نوشته شده است». فعل یونانی gegraptai ماضی نقلی مجهول است: «نوشته شده است و نوشته می‌ماند» – عملی تمام‌شده که نتیجه‌اش دائمی و تغییرناپذیر است. و عبارت «پسر انسان تسلیم می‌شود» ترجمه paradidotai، زمان حال مجهول است: او درست در همین ساعت که عیسی سخن می‌گوید، در حال تسلیم شدن است. حکم ابدی و عمل کنونی بر سر آن سفره به هم می‌رسند. صلیب خدا را غافلگیر نمی‌کند. خیانت، دستگیری، محاکمه و مصلوب شدن – همگی از پیش نوشته شده بود. مراجع متقاطع از متی ۲۶:۲۴ به پیدایش ۳:۱۵ (اولین وعده نسلی که سر مار را خواهد کوبید)، به مزمور ۲۲ (مزمور مصلوب شدن)، به اشعیا ۵۳ (خادم رنج‌کشیده)، به دانیال ۹:۲۶ (منقطع شدن مسیح) و به زکریا ۱۳:۷ («شبان را بزَن تا گوسفندان پراکنده شوند») پیوند می‌خورند. تمام عهد عتیق به سوی این لحظه پیش می‌رفت. عیسی عامدانه و در تحقق آنچه نوشته شده بود، به سوی صلیب رفت.

دوم، «وای بر آن کس که پسر انسان به واسطه او تسلیم می‌شود». این حقیقت که خیانت پیش‌گویی شده بود، خیانتکار را تبرئه نمی‌کند. نقشه خدا از انتخاب آزادانه یهودا استفاده کرد، اما انتخاب یهودا همچنان متعلق به خودش بود و گناهِش نیز بر گردن خودش. این شهادت همیشگی کتاب مقدس است: حاکمیت مطلق خدا و مسئولیت انسان بدون هیچ تناقضی در کنار هم قرار می‌گیرند. اعمال ۲:۲۳ هر دو بُعد را در یک آیه جای داده است: «این مرد طبق نقشه و پیش‌دانی معین خدا به شما تسلیم کرده شد و شما با دست‌های شریران بر صلیبش کشیده، کشتید.» تدبیر مقرر – خدا آن را برنامه‌ریزی کرد. دست‌های شریران – انسان‌ها آن را انجام دادند. هر دو صادق هستند و هیچ‌کدام دیگری را لغو نمی‌کند.

سوم، «اگر آن مرد هرگز زاده نشده بود، برایش بهتر می‌بود.» اجازه دهید سنگینی این جمله بر جان بنشیند. عیسی، همان که بر مزار ایلعازر گریست، که بر توده‌های مردم شفقت داشت، که برای مصلوب‌کنندگان دعا کرد – همین عیسی به مردی که روبروی او بر سر سفره نشسته بود نگریست و گفت که برای او بهتر بود هرگز وجود نمی‌داشت. نگفت اگر توبه کرده بود بهتر می‌بود. نگفت اگر انتخاب دیگری کرده بود بهتر می‌بود. بلکه گفت اگر هرگز نمی‌بود بهتر می‌بود. این سخن از سر خشم نیست. این اندوه علم مطلق است – اندوه کسی که پایان را از همان آغاز می‌بیند و می‌داند راهی که یهودا برگزیده به مقصدی منتهی می‌شود که از عدم نیز بدتر است. این سخنی درباره سرنوشت ابدی است. اگر داستان یهودا پایان خوشی داشت – اگر او توبه می‌کرد و بازگردانده می‌شد – آنگاه بهتر نبود که هرگز زاده نمی‌شد. این واقعیت که عیسی می‌گوید برای او بهتر بود هرگز وجود نمی‌داشت، بر سرنوشتی بدتر از نیستی دلالت دارد. یهودا رفت، همان‌طور که پطرس بعدها گفت، «تا به جایگاه خود برود» (اعمال ۱:۲۵). و آن جایگاه جایی است که بهتر بود هرگز از آن عزیمت نمی‌کرد.

Acts 2:23 · این مرد طبق نقشه و پیش‌دانی معین خدا به شما تسلیم کرده شد و شما با دستهای شریران بر صلیبش کشیده، کشتید.

مراجع متقاطع از متی ۲۶:۲۴ در سراسر عهد جدید گسترده شده‌اند. این‌ها شامل اعمال ۴:۲۸ می‌شوند، جایی که کلیسای اولیه دعا می‌کند: «تا آنچه را که دست و تدبیر تو از پیش مقرر کرده بود، به انجام رسانند.» این‌ها شامل اعمال ۲۷:۱۳-۲۹ می‌شوند، جایی که پولس می‌گوید حاکمان اورشلیم با محکوم کردن عیسی، صدای انبیا را «تحقق بخشیدند». این‌ها شامل اول پطرس ۱:۱۱ می‌شوند، جایی که می‌آموزیم روح مسیح در انبیا از پیش بر «رنج‌های مسیح و جلال پس از آن» شهادت می‌داد.

در هر نقطه‌ای، کتاب مقدس بر هر دو سوی این معادله پافشاری می‌کند. صلیب برنامه‌ریزی شده بود. خیانت از پیش دانسته شده بود. مرگ پسر خدا، عمل مرکزی فدیة الهی بود که پیش از بنای عالم مقرر گشته بود (مکاشفه ۸:۱۳). با این حال – با این حال – «وای بر آن مرد.» یهودا با اختیار عمل کرد. او نقره را برگزید. او بوسه را برگزید. او شب را برگزید. و عیسی، که او را دوست داشت و پاهایش را شست و به او نان تعارف کرد، گفت که برای او بهتر می‌بود اگر هرگز زاده نشده بود.

فصل ۱۴

بازگرداندن خون بها

Matthew 27:3-5 · آنگاه چون یهودا، تسلیم‌کننده او، دید که وی محکوم شده است، پشیمان گشت و آن سی پاره نقره را نزد سران کاهنان و مشایخ بازآورده، گفت: «گناه کردم که خون بی‌گناهی را تسلیم نمودم.» ایشان گفتند: «ما را چه؟ خود دانی!» پس او آن پاره‌های نقره را در هیکل ریخته، برفت و خود را حلق‌آویز کرد.

صبح روز پس از خیانت، یهودا دید که چه کرده است. عیسی در بند شده، در حضور شورای سنهدرین محاکمه و محکوم شده بود. متی به ما می‌گوید که یهودا «پشیمان گشت.» واژه یونانی آن μεταμέλομαι ^{G3338}metamelomai است – و بسیار حیاتی است که آن را از واژه یونانی دیگر برای توبه، یعنی μετανοέω ^{G3340}metanoēō، متمایز کنیم. metanoēō واژه‌ای است که عیسی هنگام موعظه به کار می‌برد: «توبه کنید، زیرا پادشاهی آسمان نزدیک شده است» (متی ۴:۱۷). این واژه به معنای تغییر فکر، بازگشت و جهت‌دهی دوباره تمام زندگی به سوی خداست. اما metamelomai که درباره یهودا به کار رفته، به معنای احساس تأسف، تجربه پشیمانی و پر شدن از غم و اندوه به خاطر کاری است که فرد انجام داده – اما بدون آن بازگشتی به سوی خدا که توبه واقعی را تشکیل می‌دهد.

یهودا پشیمان شد، اما توبه نکرد. این تمایز، همان تفاوت میان پطرس و یهودا است. پطرس نیز در همان شب به شکلی فاجعه‌بار لغزید – او سه بار عیسی را با سوگند و لعنت انکار کرد. اما پطرس گریست (متی ۲۶:۷۵)، پطرس بازگشت و پطرس بازسازی شد (یوحنا ۱۷:۲۱-۱۵). غم پطرس به metanoia منجر شد – تغییری در ذهن، تغییری در زندگی و بازگشتی به سوی خداوند. اما غم یهودا به خودویرانگری انجامید. پولس همین تمایز دقیق را در دوم قرن‌تیا ۷:۱۰ توصیف می‌کند: «زیرا غمی که برای خداست، توبه‌ای به بار می‌آورد که منجر به نجات می‌شود و پشیمانی در آن نیست؛ اما غم دنیا مرگ به بار می‌آورد.» یهودا غم دنیا را تجربه کرد و این غم، مرگ به بار آورد.

یهودا نزد سران کاهنان بازگشت. او آن سی پاره نقره را بازآورد و اعتراف کرد: «گناه کردم که خون بی‌گناهی را تسلیم نمودم.» این بیانی شگفت‌انگیز است. حتی یهودا – آن دزد، آن خائن و ابزار شیطان – شهادت داد که عیسی بی‌گناه بود. واژه به کار رفته athōon است – مبرا از گناه، بدون خطا. یهودا می‌دانست که مردی پارسا را به مرگ سپرده است.

پاسخ کاهنان به سردی هر سخن دیگری است که در کتاب مقدس ثبت شده: «ما را چه؟ خود دانی!» آن‌ها از یهودا استفاده کرده بودند. دیگر نیازی به او نداشتند. معامله تمام شده بود و ابزار توطئه آن‌ها اکنون دور انداخته می‌شد. این تصویری است از نحوه عملکرد گناه و شیطان: آن‌ها وعده می‌دهند، استفاده می‌کنند و سپس رها می‌سازند.

یهودا نقره‌ها را در معبد ریخت. واژه یونانی G4496 rhipsas است – او آن‌ها را پرتاب کرد، با خشونت پرت کرد. و واژه‌ای که متی در اینجا برای «معبد» به کار می‌برد، ^{G2411}ἱερόν hieron نیست که واژه‌ای عام برای کل محوطه معبد با حیاط‌ها و ایوان‌هایش است، بلکه ^{G3485}ναός naos است – یعنی خودِ قدس، بنای مقدسی که شامل قدس و قدس‌الاقداص بود. تنها کاهنان می‌توانستند وارد naos شوند. یهودا خون‌بها را نه در حیاط‌های بیرونی، بلکه به درون مقدس‌ترین مکان در اسرائیل پرتاب کرد – گویی آن را به صورت خدا بازگردانده است. و سپس رفت و خود را حلق‌آویز کرد.

Deuteronomy 21:22-23 · اگر کسی گناهی مستوجب مرگ مرتکب شود و کشته شود و او را بر دار آویخته باشی، جسدش نباید شب را بر دار بماند، بلکه حتماً او را در همان روز دفن کن؛ زیرا آن که بر دار آویخته شود، ملعون خداست؛ تا زمینی را که خداوند، خدایت، به تو به میراث می‌دهد، ناپاک نسازی.

او خود را حلق‌آویز کرد. عبارت در متی ۲۷:۵ apēnxato است – او خود را خفه کرد، خود را آویخت. مراجع متقاطع برای این آیه به دوم سموئیل ۱۷:۲۳ اشاره دارند، جایی که خائن دیگری به همین شیوه خود را حلق‌آویز کرد. آن مرد **آهیتوفل** بود – مورد اعتمادترین مشاور داوود، «کسی که با من برابر بود، راهنما و دوست صمیمی‌ام» (مزامیر ۵۵:۱۳)، که در جریان شورش ابشالوم خیانت کرد. خود این نام یک قضاوت است: واژه عبری ḥî ṭ pel به معنای «برادر حماقت» است – خردمندترین مشاور در اسرائیل نامی داشت که پایان احمقانه او را پیش‌گویی می‌کرد. وقتی آهیتوفل دید که به مشورت او عمل نشد، با وضوح کامل دریافت که ابشالوم تنها فرصت خود را از دست داده و شکست شرم‌آور اجتناب‌ناپذیر است. پس «الاغ خود را پالان کرد و برخاسته، به خانه خود به شهر خویش رفت و وصیت کرده، خود را حلق‌آویز نمود و مرد» (دوم سموئیل ۱۷:۲۳). شباهت‌ها دقیق هستند. یک رازدار مورد اعتماد. خیانت به مسیح (مسح‌شده) خداوند. حلق‌آویز شدن. و جزئیاتی که این نمونه‌پردازی را عمیق‌تر می‌کند: آهیتوفل پدر ایلیام بود (دوم سموئیل ۲۳:۳۴) و ایلیام پدر بَت‌شَبَع بود (دوم سموئیل ۱۱:۳). خیانت آهیتوفل به داوود شخصی بود – پدربزرگی که انتقام کاری را که داوود با نوه‌اش کرده بود، می‌گرفت. خیانت آهیتوفل از سر جاه‌طلبی سرد نبود؛ کینه‌ای بود که از یک جفای واقعی تغذیه می‌شد. با این حال، جفای او خیانتش را توجیه نمی‌کرد و حکمتش به طناب دار ختم شد. آهیتوفل سایه عهد عتیقی یهودای اسخریوطی است – و مزامیر داوود که علیه دوست صمیمی فریاد برمی‌آورند (مزامیر ۴۱:۹، ۵۵:۱۲-۱۴) از دیرباز در پرتو خیانت آهیتوفل خوانده شده‌اند.

کتاب Bible Types اثر ویلسون، موضوع خون را با وضوحی قاطع بررسی می‌کند. ذیل واژه «خون»، ویلسون درباره اعمال ۲۰:۲۶ می‌نویسد: «واژه در این مورد برای بیان این حقیقت به کار رفته است که پولس مسئول مرگ، یعنی مرگ ثانوی، هیچ‌یک از کسانی که در سفرها و موعظه‌هایش با آن‌ها در تماس بود، شناخته نمی‌شد. ظاهر شدن خون نشان‌دهنده مرگ است. پولس چنان مسیح و انجیل را موعظه کرد که هیچ‌کدام از شنوندگان کلام او هرگز لازم نبود در گناهان خود بمیرند.» دستان پولس از خون پاک بود زیرا او هشدار داده بود. دستان یهودا به خون آلوده بود زیرا او فروخته بود. و درباره یوحنا ۱:۱۳، ویلسون اعلام می‌کند: «هیچ‌کس به خاطر والدینش یا از طریق هیچ جریان خونی، فرزند خدا نمی‌شود. نجات یا مسیحیت از طریق جریان خون به فرزندان منتقل نمی‌شود... هر فرزند و هر خویشاوند باید

اراده و قدرت خدا را در مورد شخصی خود تجربه کند.» خونی که زمین اکل دما را خیس کرد، نمی‌توانست آنچه را که تنها خون مسیح قادر به خریدنش بود، بخرد. خون یهودا، خون تقصیر بود. خون مسیح، خون فدیة. هر دو در یک آخر هفته ریخته شدند. یکی گورستانی را خرید و دیگری جهان را.

اما حلق‌آویز شدن معنایی بسیار عمیق‌تر از صرفاً شباهت با آهیتوفل دارد. طبق شریعت موسی، آویخته شدن بر درخت به معنای قرار گرفتن زیر لعنت خدا بود. «آن که بر دار آویخته شود، ملعون خداست» (تثنیه ۲۱:۲۳). این همان قانونی است که پولس در غلاطیان ۳:۱۳ نقل می‌کند: «مسیح ما را از لعنت شریعت فدیة داد، چون در راه ما به لعنت تبدیل شد؛ چنانکه مکتوب است: «ملعون است هر که بر دار آویخته شود.»»

دو مرد در همان آخر هفته فصیح حلق‌آویز شدند. عیسی «بر درخت آویخته شد» (اعمال ۵:۳۰، ۱۰:۳۹) – صلیب همان درخت بود و رسولان عامدانه از این عبارت دقیق استفاده کردند تا مصلوب شدن را به تثنیه ۲۱:۲۳ پیوند بزنند. او لعنت را برای ما بر دوش کشید. او ملعون شد تا برکت ابراهیم بر غیریهودیان نازل شود (غلاطیان ۳:۱۴). پطرس می‌نویسد: «او خود گناهان ما را در بدن خویش بر دار (درخت) حمل کرد تا برای گناه بمیریم و برای پارسایی زیست کنیم؛ به سبب زخم‌های اوست که شما شفا یافته‌اید» (اول پطرس ۲:۲۴). درختی که عیسی را حمل کرد، ابزار فدیة بود.

و یهودا خود را بر درختی حلق‌آویز کرد. نه بر صلیب – بر درختی دیگر، در زمینی دیگر، به دلیلی دیگر. عیسی بر درخت خود آویخته شد تا دیگران را نجات دهد. یهودا بر درخت خود آویخته شد تا خود را نابود کند. عیسی لعنت خدا را داوطلبانه و از سر محبت بر دوش کشید تا بشریت را فدیة دهد. یهودا با دست خود و از سر ناامیدی زیر لعنت خدا رفت و هیچ‌کس را فدیة نداد – حتی خودش را. همان قانون، همان لعنت، همان کلمه – درخت (دار) – و دو نتیجه کاملاً متضاد. یک درخت، درگاهی به فردوس بود: «امروز با من در فردوس خواهی بود» (لوقا ۲۳:۴۳). درخت دیگر، درگاهی بود به آنچه پطرس آن را «مکانِ خودش» نامید (اعمال ۱:۲۵).

کتاب Bible Types اثر ویلسون، نمونه‌پردازی درخت را در تمام کتاب مقدس با دقتی دنبال می‌کند که این حلق‌آویز شدن دوگانه را روشن می‌سازد. ذیل واژه «درخت»، ویلسون درباره متی ۳:۱۰ می‌نویسد: «خدا تیشه را بر ریشه اسرائیل نهاد و آن قوم را نابود کرد... این اتفاق برای افرادی نیز می‌افتد که چون زندگی‌شان کاملاً تسلیم شیطان شده و هیچ ثمره‌ای برای خدا ندارند، بریده شده و به جهنم فرستاده می‌شوند.» و درباره متی ۱۲:۳۳: «فرد باید تازه مولود شود تا به درختی نیکو تبدیل گردد که ثمره نیکو می‌آورد. هیچ‌کس ذاتاً مسیحی نیست. خودِ درخت باید اصلاح شود پیش از آنکه ثمره‌اش درست باشد.» یهودا هرگز به درختی نیکو تبدیل نشد. او ثمره دزدی، فریب و خیانت آورد – و تیشه فرود آمد. درختی که او خود را بر آن آویخت، تصویر نهایی بود: مردی بی‌ثمر آویخته از درختی ملعون، که حتی در مرگش نیز هیچ ثمره‌ای نداشت.

عهد عتیق سایه دیگری نیز در خود دارد. هامان، دشمن قوم خدا در کتاب استر، بر همان داری آویخته شد که برای مردخای پارسا ساخته بود (استر ۷:۱۰). ابزار نابودی بر سر کسی فرود آمد که آن را طراحی کرده بود. یهودا نیز چنین بود: خیانتی که او برای نابودی عیسی طرح‌ریزی کرده بود، به ابزار نابودی خودش تبدیل شد – در حالی که عیسی از مردگان برخاست.

Matthew 27:6-10 · اما سران کاهنان آن پاره‌های نقره را برداشته، گفتند: «گذاشتن این‌ها در خزانه معبد جایز نیست، زیرا خون‌بهاست.» پس مشورت کرده، با آن پول، مزرعه کوزه‌گر را برای مدفن غریبان خریدند. از این رو، آن مزرعه تا به امروز به «مزرعه خون» معروف است. آنگاه سخن ارمیای نبی به تحقق پیوست که می‌گوید: «آن سی پاره نقره را گرفتند، بهای آن کس را که قیمت گذاشته شده بود، که برخی از بنی‌اسرائیل بر او قیمت نهادند؛ و آن‌ها را برای مزرعه کوزه‌گر دادند، چنانکه خداوند به من امر فرمود.»

کتاب اعمال رسولان جزئیات بیشتری درباره مرگ یهودا ارائه می‌دهد. پطرس می‌گوید: «این مرد با دستمزد شرارت خود مزرعه‌ای خرید و سرنگون شده، از میان شکافت و تمامی امعاء و احشایش بیرون ریخت. این واقعه بر تمامی ساکنان اورشلیم معلوم گشت، چنانکه آن مزرعه در زبان خودشان اکل‌دما نامیده شد، یعنی «مزرعه خون» (اعمال ۱:۱۸-۱۹).

این دو روایت — متی که می‌گوید یهودا خود را حلق‌آویز کرد و اعمال که می‌گوید او سرنگون شد و بدنش شکافت — به روش‌های گوناگون هماهنگ شده‌اند. ساده‌ترین تفسیر این است که یهودا خود را حلق‌آویز کرد و مدتی بعد، جسدش سقوط کرد (یا به دلیل پاره شدن طناب یا شکستن شاخه، و یا به دلیل پایین کشیده شدن جسد) و بدن در حال متلاشی شدن در اثر برخورد متلاشی شد. این جزئیات وحشتناک بیهوده نیستند. کتاب مقدس آن‌ها را ذکر کرده چون اهمیت دارند. مزموری که پطرس درباره آن خائن نقل کرد، می‌گوید: «زیرا که به یاد نیاورد که رحمت کند، بلکه مرد فقیر و مسکین را تعاقب نمود تا شکسته‌دلان را به قتل رساند» (مزامیر ۱۰۹:۱۶). مردی که در احشاء (درون) خود رحمی نداشت، احشایش بیرون ریخت. نحوه مرگ یهودا بازتاب‌دهنده خشونت است که او رها کرده بود. خون‌بهایی که نمی‌توانست در خزانه قرار گیرد، مزرعه‌ای را خرید که به خون خود آن خائن آغشته شد.

مزرعه خون — اکل‌دما در زبان آرامی. نبوت زکریا به تحقق نهایی خود رسید: سی پاره نقره، کوزه‌گر، خانه خداوند. هر جزئیاتی با هم تطبیق دارد. هر عنصری که مکتوب شده بود، به انجام رسید. و مزرعه‌ای که غریبان بی‌نام‌ونشان در آن دفن می‌شوند، تا به امروز نامی را بر خود دارد که یادآور بهای پسر خداست.

فصل ۱۵

مکان مخصوص خود او

Acts 1:15-20 و در آن روزها پطرس در میان شاگردان ایستاد (تعدادشان حدود صد و بیست نفر بود) و گفت: «ای برادران، لازم بود آن نوشته کتاب مقدس که روح القدس از زبان داوود درباره یهودا پیشگویی کرده بود، به تحقق برسد، همان که راهنمای دستگیرکنندگان عیسی شد. زیرا او در شمار ما بود و در این خدمت سهمی داشت... زیرا در کتاب مزامیر نوشته شده است: "خانه او متروک شود و کسی در آن ساکن نگردد" و "نظارت او را دیگری بر عهده بگیرد."»

در فاصله میان صعود عیسی و روز پنطیکاست، آن صد و بیست نفر که در بالاخانه گرد هم آمده بودند با یک پرسش عملی و الهیاتی روبرو شدند: با صندلی خالی یهودا چه باید کرد. پطرس برای پرداختن به این موضوع ایستاد و سخنرانی او در اعمال ۱:۱۵-۲۶ نخستین تفسیر الهیاتی از واقعه یهودا در عهد جدید است.

پطرس با استناد به کلام خدا آغاز می‌کند. «لازم بود آن نوشته کتاب مقدس که روح القدس از زبان داوود درباره یهودا پیشگویی کرده بود، به تحقق برسد.» واژه «لازم بود» در یونانی edei است – این امری ضروری و از جانب خدا مقدر شده بود. آنچه برای یهودا اتفاق افتاد، یک حادثه ناگوار نبود. بلکه تحقق چیزی بود که روح القدس از طریق داوود در مزامیر گفته بود.

پطرس سپس به دو مزمور اشاره می‌کند. نخستین مزمور ۶۹:۲۵ است، که پطرس آن را به صیغه مفرد و درباره یک مرد نقل می‌کند: «خانه او متروک شود و کسی در آن ساکن نگردد.» ارجاعات متقاطع این آیه به اشعیا ۶:۱۱ و متی ۲۳:۳۸ پیوند می‌خورد، جایی که ویرانی و متروک شدن، پیامد رد کردن خداست. جایگاه یهودا در میان دوازده شاگرد به ویرانه‌ای بدل شد – یک جای خالی، خلئی که بر داوری خدا بر آن خیانتکار شهادت می‌داد.

نقل قول دوم از مزمور ۱۰۹:۸ است: «نظارت او را دیگری بر عهده بگیرد.» واژه «نظارت» (G1984 episkopēn) به معنای منصب، موقعیت سرپرستی یا مسئولیت است. یهودا جایگاه خاصی در جمع رسولان داشت. آن جایگاه با رفتن او از بین رفت. لازم بود که پر شود.

سپس پطرس آنچه را که یهودا انجام داد و آنچه بر سرش آمد شرح می‌دهد: «زیرا او در شمار ما بود و در این خدمت سهمی داشت. (این مرد با دستمزد شرارت خود مزرعه‌ای خرید و به رو درافتاده، از میان شکافت و تمام امعاء و احشای او بیرون ریخت)» (اعمال ۱:۱۷-۱۸). و سپس نتیجه‌گیری تکان‌دهنده: یهودا از خدمت و رسالت خود سقوط کرد «تا به جای خود برود» (اعمال ۱:۲۵).

فعل یونانی که «سقوط کرد» ترجمه شده، (G3845 παραβαίνω parabainō) parebē است و به معنای لغزیدن یا افتادن تصادفی نیست. بلکه به معنای کنار رفتن، عمداً از مسیر منحرف شدن و رها کردن پست خود است. این واژه از (G3844 παρά para (در کنار) و پایه bainō

G939 (راه رفتن) ساخته شده است Abbott-Smith. اشاره می‌کند که در آثار هومر، نخستین معنای این واژه صرفاً «ایستادن در کنار» بود – پیش از آنکه به معنای «تجاوز کردن، نقض کردن، تخطی کردن» درآید. مسیر این واژه، همان مسیر زندگی یهودا است: خطاکار ابتدا با ایستادن در کنار شروع می‌کند و سپس از آن عبور کرده، می‌گذرد. یهودا به طور اتفاقی از رسالت بیرون نیفتاد. او سه سال در کنار عیسی ایستاد و سپس از آن راه خارج شد.

«مکان مخصوص خود او.» این عبارت سرشار از معناست. در یونانی ton topon idion است – که با حرف تعریف مضاعف بر «آن مکان، آن که مخصوص خود اوست» تأکید می‌کند. واژه G2398 idion به معنای چیزی خصوصی، شخصی و منحصرأ متعلق به خود فرد است. این تعبیر، تعبیر مردی است که به مکانی می‌رود که با آنچه او در حقیقت هست، تطابق دارد. پارسایان می‌روند تا با خداوند باشند. شریران به سوی داوری می‌روند. یهودا به «مکان مخصوص خود» رفت – مکانی که متعلق به پسر هلاکت بود، مقصدی که تمام زندگی‌اش به سوی آن در حرکت بود.

Acts 1:21-26 «پس لازم است از میان مردانی که در تمام مدتی که خداوند عیسی با ما رفت و آمد داشت، همراه ما بودند، یعنی از زمان غسل تعمید یحیی تا روزی که عیسی از میان ما بالا برده شد، یکی از آن‌ها با ما شاهد رستاخیز او باشد.» پس دو نفر را معرفی کردند: یوسف ملقب به برسابا (که یوستوس نیز نامیده می‌شد) و متیاس. سپس دعا کرده، گفتند: «خداوندا، تو که از دل‌های همه آگاهی، نشان ده که کدام‌یک از این دو را برگزیده‌ای تا سهمی در این خدمت و رسالت داشته باشد که یهودا آن را رها کرد تا به جای خود برود.» سپس قرعه انداختند و قرعه به نام متیاس در آمد؛ پس او در شمار یازده رسول قرار گرفت.

انتخاب متیاس از فرآیند خاصی پیروی می‌کند. معیارها روشن هستند: جانشین باید کسی باشد که از غسل تعمید یحیی تا صعود، همراه شاگردان بوده باشد – شاهی بر تمام خدمت مسیح، از جمله رستاخیز او. دو نامزد شناسایی می‌شوند: یوسف برسابا و متیاس. کلیسا دعا می‌کند و معترف می‌شود که خداوند «از دل‌های همه آگاهی» – همان علم مطلق که از همان ابتدا درون یهودا را می‌دید. آن‌ها قرعه می‌اندازند و قرعه به نام متیاس می‌افتد.

متیاس در شمار آن یازده نفر قرار می‌گیرد. جمع دوازده نفر بازسازی می‌شود. شکافی که توسط آن خیانتکار ایجاد شده بود، پر می‌گردد. و مأموریت ادامه می‌یابد. در روز پنتیکاست، ده روز بعد، روح‌القدس بر آن دوازده نفر و بر آن صد و بیست نفر نازل می‌شود و کلیسا متولد می‌گردد. خیانت یهودا نقشه خدا را مختل نکرد. بلکه در آن گنجانده شد. صندلی دوازدهم پر شد. شهادت بازسازی گشت. و مردی که آن صندلی را اشغال کرده بود به مکان مخصوص خود رفت و تنها به عنوان یک هشدار در یادها ماند.

فصل ۱۶

علم پیشین و مسئولیت

Acts 2:23 · این مرد را که بنا بر مقصودِ معین و پیش‌دانی خدا تسلیم شده بود، شما به دست بدکاران بر صلیب کشیده، کشتید.

دشوارترین سؤالی که روایت یهودا برمی‌انگیزد این است: اگر خدا خیانت را از پیش می‌دانست و پیشگویی کرده بود، آیا یهودا واقعاً آزاد بود؟ آیا او مسئول اتفاقی بود که هزار سال پیش از تولدش در مزامیر نوشته شده بود؟

کتاب مقدس این پرسش را نه با حل کردن این تنش، بلکه با حفظ هم‌زمان هر دو حقیقت پاسخ می‌دهد. خدا از پیش می‌دانست. یهودا انتخاب کرد. پیشگویی محقق شد. گناه واقعی بود. این‌ها با هم در تضاد نیستند؛ بلکه دو ریلی هستند که کل روایت کتاب مقدس بر آن‌ها حرکت می‌کند.

موعظه پطرس در پنطیکاست که در اعمال رسولان فصل ۲ ثبت شده، هر دو حقیقت را در یک کلام بیان می‌کند. عیسی «بنا بر مقصودِ معین و پیش‌دانی خدا» تسلیم شد – این جنبه الهی ماجراست. و «شما به دست بدکاران [او را] بر صلیب کشیده، کشتید» – این جنبه انسانی ماجراست. دستور زبان یونانی قدرت این کلام را آشکار می‌سازد. واژه‌ای که «معین» ترجمه شده، G3724 hōrismenē است – از ریشه horizō، به معنای تعیین کردن مرزها. «ابوت-اسمیت» ریشه آن را در horos به معنای مرز می‌جوید. واژه انگلیسی horizon (افق) از همین ریشه می‌آید – مرز مرئی جهان. مشیت خدا دارای یک افق است: او حتی در اطراف خیانت نیز مرزهایی را تعیین کرده است. هیچ‌یک از کارهای یهودا خارج از خطی که خدا ترسیم کرده بود، قرار نگرفت. وجه این کلمه «اسم مفعول کامل» است: این مشیت از پیش مقرر، از پیش تثبیت شده و از پیش کامل بود، قبل از آنکه وقایع رخ دهند. این یک واکنش به انتخاب یهودا نبود، بلکه بر آن مقدم بود. و واژه G1560 ekdoton که «تسلیم شده» ترجمه شده، در کل عهد جدید تنها در اینجا به کار رفته است – یک hapax legomenon. این یک فعل نیست بلکه یک **صفت** است: عیسی صرفاً در یک رویداد گذشته تسلیم نشده بود؛ او یک شخص تسلیم شده بود. این هویت او، هدف او و دلیل آمدن او بود. با این حال – «به دست بدکاران» – گناه واقعی بود، انتخاب آزادانه بود و گناه به پای آن‌ها نوشته شد. پطرس توضیح نمی‌دهد که چگونه هر دو می‌توانند درست باشند؛ او صرفاً هر دو را به عنوان حقیقت بیان می‌کند.

اعمال رسولان ۲۷:۴-۲۸ همین الگو را تکرار می‌کند. کلیسای اولیه دعا می‌کند: «زیرا که در واقع، بر ضد خدمتگزار مقدس تو عیسی که او را مسح کردی، هیروдіس و پنطیوس پیلاتس با غیریهودیان و قوم اسرائیل در این شهر با هم متحد شدند، تا آنچه را که دست و مشیت تو از پیش مقدر کرده بود که واقع شود، به انجام رسانند.» هیروдіس، پیلاتس، سربازان غیریهودی و قوم اسرائیل – همگی طبق اراده خود، کینه‌های خود و محاسبات سیاسی خود

عمل کردند. و با این حال، آنچه انجام دادند همان بود که دست و مشیت خدا از پیش تعیین کرده بود. عوامل انسانی عروسک خیمه شب بازی نبودند. آن‌ها موجودات اخلاقی و مسئولی بودند که انتخاب‌های واقعی کردند. و آن انتخاب‌های واقعی در خدمت هدفی قرار گرفت که آن‌ها قصدش را نداشتند و حتی نمی‌توانستند تصورش را بکنند.

یهودا دقیقاً در این الگو جای می‌گیرد. عیسی او را برگزید در حالی که می‌دانست او خیانت خواهد کرد (یوحنا ۶:۶۴). مزامیر خیانت او را پیشگویی کرده بود (مزمور ۴۱:۹، ۱۰۹:۸). عیسی اعلام کرد که کلام خدا «باید به کمال برسد» (یوحنا ۱۳:۱۸، اعمال رسولان ۱:۱۶). و با این حال، عیسی همچنین فرمود: «وای بر آن مرد» (متی ۲۴:۲۴) – حکمی بر گناهکار بودن که اگر یهودا انتخابی نداشت، بی‌معنا می‌بود.

کلید حل معما در درک معنای «علم پیشین» نهفته است. علم پیشین خدا مانند پیش‌بینی انسان نیست. آینده را مجبور نمی‌کند؛ بلکه صرفاً آینده را می‌داند. خدا این‌گونه نیست که به آینده نگاه کند و ببیند چه اتفاقی خواهد افتاد و سپس ناتوان به تماشای وقوع آن بنشیند. او می‌داند که عوامل آزاد چه چیزی را آزادانه انتخاب خواهند کرد و او آن انتخاب‌های آزادانه را در نقشه حاکمانه خود می‌گنجاند. یهودا مجبور به خیانت نشد. او توسط پیشگویی وادار به این کار نشد. پیشگویی آنچه را که یهودا آزادانه انجام می‌داد، توصیف کرد؛ نه اینکه باعث انجام آن شود.

John 13:18-19 درباره همه شما نمی‌گویم؛ من کسانی را که برگزیده‌ام می‌شناسم. اما این باید واقع شود تا آن نوشته کتاب مقدس به تحقق پیوندد که می‌گوید: «آن که نان مرا می‌خورد، پاشنه خود را بر ضد من بلند کرده است.» از هم‌اکنون، پیش از آنکه این واقع شود، به شما می‌گویم تا چون واقع گشت، ایمان آورید که من هستم.

عیسی در اینجا سخن شگفت‌انگیزی می‌گوید. او از پیش درباره خیانت به شاگردان می‌گوید تا «چون واقع گشت، ایمان آورید که من هستم.» خود خیانت به گواهی بر الوهیت او تبدیل می‌شود. او قربانی شرایط نیست. او غافلگیر نشده است. او پیش‌گویی می‌کند، اجازه می‌دهد و استفاده می‌کند. همان عمل خیانتی که به نظر می‌رسید عیسی را نابود می‌کند، دلیلی شد بر اینکه او دقیقاً همان کسی است که ادعا می‌کرد – کسی که همه چیز را می‌داند، بر همه چیز تسلط دارد و مشتاقانه جان خود را فدا می‌کند.

مسئولیت یهودا در زبانی که کتاب مقدس برای توصیف اعمال او به کار می‌برد، مورد تأکید قرار گرفته است. او «در جستجوی فرصتی بود» تا خیانت کند (متی ۲۶:۱۶). او «رفت» تا با سران کاهنان گفتگو کند (لوقا ۲۲:۴). او «وعده داد» و «در جستجوی فرصتی بود» (لوقا ۲۲:۶). او به آن‌ها «علامتی داد» (متی ۲۶:۴۸). تمام افعال در حالت معلوم هستند. یهودا فاعل جملات خویش است. او به عنوان ابزاری منفعل که توسط نیرویی بیرونی به حرکت درآمده، توصیف نشده است. حتی زمانی که شیطان در او داخل می‌شود (لوقا ۲۲:۳، یوحنا ۱۳:۲۷)، این تسخیر شیطانی به عنوان نقطه اوج فرآیندی ارائه می‌شود که خود یهودا از طریق طمع و بی‌ایمانی‌اش به راه انداخته بود.

علم پیشین خدا و مسئولیت یهودا توضیحات متضاد نیستند؛ بلکه حقایق مکمل یکدیگرند. کلام خدا محقق شد – و یهودا مقصر است. نقشه خدا به انجام رسید – و خیانتکار به جایگاه

خود رفت. هر دو درست هستند. هر دو توسط همان کتاب مقدس، در همان فقرات و توسط همان خداوندی اعلام شده‌اند که آن دوازده تن را برگزید و پاهای خیانتکار را شست.

فصل ۱۷

هشدار

First John 2:19 · آنها از میان ما بیرون رفتند، اما از ما نبودند؛ زیرا اگر از ما می‌بودند، با ما می‌ماندند؛ اما رفتن آنها برای این بود که آشکار شود هیچ‌یک از ایشان از ما نیستند.

یهودای اسخریوطی در تحلیل نهایی، یک هشدار است. او هشدار برای هر نسل از کلیساست که نزدیکی به مسیح، تضمین‌کننده تملک مسیح نیست. او با عیسی راه رفت. تمامی موعظه‌ها را شنید. شاهد تمامی معجزات بود. به او قدرت داده شد تا دیوها را بیرون کند و بیماران را شفا دهد. و با این حال، او هلاک شد.

یوحنا رسول، که در همان شبی که یهودا به عیسی خیانت کرد، در شام آخر در کنار او تکیه زده بود، بعدها نوشت: «آنها از میان ما بیرون رفتند، اما از ما نبودند.» این زبان جای تردید باقی نمی‌گذارد. کسانی هستند که به نظر می‌رسد بخشی از جامعه ایمانداران هستند – کسانی که در پرستش، مشارکت و مأموریت آن سهیم‌اند – اما هرگز به معنای واقعی تبدیل نیافته‌اند. جدایی آنها به این معنا نیست که نجات خود را از دست داده‌اند، بلکه به این معناست که هرگز آن را نداشته‌اند. آنها بیرون رفتند «تا آشکار شود» – رفتن آنها چیزی را برملا کرد که همیشه در مورد آنها صادق بود.

یهودا نمونه بارز این موضوع است. او «از شمار آن دوازده تن» بود (لوقا ۲۲:۳). او «با ما شمرده شد و در این خدمت نصیبی یافت» (اعمال ۱:۱۷). او درون آن حلقه بود. اما عیسی درباره او گفت: «آیا من شما دوازده تن را برنگزیدم؟ با این حال، یکی از شما ابلیس است!» (یوحنا ۶:۷۰). یهودا از همان ابتدا آن چیزی نبود که به نظر می‌رسید. حضور او در میان آن دوازده تن واقعی بود، اما ایمانش نه.

Hebrews 6:4-6 · زیرا محال است کسانی که یک بار روشن‌گشتند و هدیه سماوی را چشیدند و شریک روح‌القدس گردیدند، و کلام نیکوی خدا و قوای عالم آینده را چشیدند، و باز مرتد شدند، ایشان را دوباره برای توبه نو ساخت؛ چون که پسر خدا را باز برای خود مصلوب می‌کنند و او را در معرض رسوایی می‌گذارند.

نویسنده عبرانیان وضعیتی را توصیف می‌کند که با دقت خیره‌کننده‌ای شبیه به تجربه یهوداست. «روشن‌گشتند» – یهودا تعلیم «نور جهان» را شنید. «هدیه سماوی را چشیدند» – یهودا با عیسی غذا خورد، نان او را شریک شد و لقمه را از دست او گرفت. «شریک روح‌القدس گردیدند» – یهودا همراه با آن دوازده تن برای موعظه و شفا فرستاده شد و به واسطه قدرت روح برای خدمت توانمند گشت. «کلام نیکوی خدا و قوای عالم آینده را چشیدند» – یهودا برخاستن مردگان، شفای نابینایان و اخراج دیوها را دید. او تمام این‌ها را چشید. و با این حال مرتد شد، و متن می‌گوید که نو ساختن دوباره چنین شخصی برای توبه، محال است.

اینکه آیا عبرانیان فصل ۶ توصیف‌گر ایمانداران واقعی است که مرتد می‌شوند، یا مدعیان دروغینی که از مزایای بیرونی ایمان بدون تحول درونی بهره‌مند شده‌اند، مورد بحث مفسران است. اما یهودا، صرف‌نظر از اینکه چه تفسیری برگزیده شود، این هشدار را به تصویر می‌کشد. او از هر مزیتی برخوردار بود. او به همان اندازه‌ای به عیسی نزدیک بود که یک انسان می‌تواند باشد. و سرانجامش به نابودی ختم شد.

این هشدار فراتر از یهودا، شامل هر کسی می‌شود که پای موعظه کلام می‌نشیند، در زندگی کلیسا مشارکت می‌کند و از مزایای جامعه مسیحی بهره می‌برد – بدون اینکه هرگز در ایمانی واقعی تسلیم مسیح شده باشد. خود عیسی هشدار داد: «نه هر که مرا «خداوند، خداوند» گوید به پادشاهی آسمان درآید، بلکه آن که اراده پدر مرا که در آسمان است به جا آورد. در آن روز بسیاری مرا خواهند گفت: «خداوند، خداوند، آیا به نام تو نبوت نکردیم و به نام تو دیوها را بیرون نکردیم و به نام تو معجزات بسیار نمودیم؟» آنگاه به ایشان صریحاً خواهیم گفت: «هرگز شما را نشناختم؛ ای بدکاران، از من دور شوید!» (متی ۲۱:۷-۲۳).

عبارت هولناک این است: «هرگز شما را نشناختم.» نه اینکه «روزی شما را می‌شناختم و شما مرتد شدید.» نه اینکه «قبلاً شما را می‌شناختم اما جایگاه خود را از دست دادید.» بلکه هرگز. افرادی خواهند بود که نبوت کردند، دیوها را بیرون راندند و معجزات بسیاری انجام دادند – و عیسی خواهد گفت که هرگز آنها را نشناخته است. فعالیت بیرونی واقعی بود، اما رابطه روحانی نه.

۲ پطرس ۲:۲۰-۲۲ · زیرا اگر بعد از آنکه به وسیله معرفت خداوند و نجات‌دهنده ما عیسی مسیح از آلودگی‌های دنیا رستند، باز گرفتار آنها شده، مغلوب گردند، سرانجام ایشان بدتر از آغازشان خواهد بود. زیرا آنان را بهتر می‌بود که راه عدالت را ندانند، تا اینکه بعد از دانستن آن، از حکم مقدسی که به ایشان سپرده شده بود، روی برتابند. اما آنچه در مَثَل صادق آمده است، بر ایشان واقع گشت که: «سگ به قی خود رجوع می‌کند» و «خوک شسته شده به غلتیدن در گل».

پطرس – که یهودا را شخصاً می‌شناخت، بر سر همان سفره نشسته بود، همان خبر خیانت را شنیده بود و خود نیز در همان شب به نوعی لغزیده بود – می‌نویسد که برای کسانی که پس از شناختن راه عدالت باز می‌گردند، «سرانجام ایشان بدتر از آغازشان خواهد بود.» و سپس آن استعاره زنده: سگی که به قی خود باز می‌گردد و خوکی شسته شده که به لجنزار برمی‌گردد. ماهیت آن حیوان هرگز تغییر نکرده بود. شستشو بیرونی بود. خوک همچنان خوک بود.

کتاب Bible Types Wilson's قدرت این تصویر را تأیید می‌کند. ویلسون ذیل واژه «سگ» درباره ۲ پطرس ۲:۲۲ می‌نویسد: «این به رهبر مذهبی اشاره دارد که چیزی از خدا دریافت نمی‌کند، بلکه آنچه را که در ذهن خود بافته و سر هم کرده است، ارائه می‌دهد. او خود از این خوراک تغذیه می‌کند و آن را به دیگران نیز عرضه می‌دارد.» و درباره فیلیپیان ۳:۲ می‌نویسد: «این اشاره‌ای است به رهبران مذهبی نجات‌نیافته که تنها هدفشان سیر کردن خودشان است.» سگ تنها ناپاک نیست – او خودخوار است. او محصول خودش را مصرف می‌کند. شاید مذهبی که در میان مقدسین می‌ایستد اما فقط خودش را سیر می‌کند، همان سگ کتاب مقدس است. و یهودا در حالی که تظاهر به رسیدگی به فقر می‌کرد، از کیف پول

مشترک می‌خورد (یوحنا ۶:۱۲). او آنچه را که متعلق به دیگران بود مصرف می‌کرد و چیزی باز نمی‌گرداند. سگ به قی خود بازگشت. دزد به دزدی‌اش بازگشت. و مردی که بر سفره خداوند نشسته بود، بیرون رفت تا کسی را که به او غذا داده بود، بفروشد.

یهودا به صورت بیرونی شسته شده بود. او بخشی از جامعه بود. کیف پول را حمل می‌کرد. درباره پادشاهی موعظه می‌کرد. اما ماهیت او هرگز تغییر نکرده بود. او همچنان یک دزد بود (یوحنا ۶:۱۲). او همچنان یک ابلیس بود (یوحنا ۶:۷۰). او همچنان پسر هلاکت بود (یوحنا ۱۷:۱۲). و هنگامی که لحظه آزمایش فرارسید، ماهیت واقعی او آشکار گشت.

هشدار داستان یهودا این نیست که یک ایماندار واقعی ممکن است هلاک شود؛ بلکه این است که یک مدعی دروغین می‌تواند پنهان بماند – برای سال‌ها، در میان نزدیک‌ترین یاران مسیح، و در نام او خدمت کند – و با این حال در درون خود تولد تازه نیافته باشد. هشدار این است: خود را امتحان کنید که آیا در ایمان هستید یا نه (۲ قرنتیان ۵:۱۳). هشدار این است: برای استوار ساختن دعوت و برگزیدگی خود بکوشید (۲ پطرس ۱:۱۰). هشدار این است: دل از همه چیز فریبنده‌تر است و بسیار بیمار، کیست که آن را بداند؟ (ارمیا ۱۷:۹). خدا می‌داند. و خدا می‌دانست. و آنچه خدا از ابتدا درباره یهودا می‌دانست، در پایان برای تمام جهان آشکار شد.

Luke 15:17-18 اما چون به خود آمد، گفت: «چقدر از مزدوران پدرم نان فراوان دارند و من در اینجا از گرسنگی هلاک می‌شوم! بروا هم خاست و نزد پدر خود خواهم رفت و به او خواهم گفت: پدر، به آسمان و در حضور تو گناه کرده‌ام».

مثلی وجود دارد که با نشان دادن آنچه می‌توانست باشد، بر داستان یهودا روشنی می‌بخشد. پسر گمشده (لوقا ۱۵:۱۱-۲۴) سهم خود را – میراثش را، سهمی از آنچه متعلق به پدر بود – گرفت و به کشوری دور رفت و در آنجا همه چیز را تلف کرد. یهودا سهم خود را – سی پاره نقره، و در نهایت زمینی به نام «حق‌الدم» یا مزرعه خون (اعمال ۱:۱۹) – گرفت و به دل شب رفت (یوحنا ۱۳:۳۰)، جایی که عالی‌ترین دعوتی را که یک انسان می‌تواند دریافت کند، تلف کرد.

هر دو همان کلمات را بر زبان آوردند. پسر گمشده گفت: «به آسمان و در حضور تو گناه کرده‌ام» (لوقا ۱۵:۱۸). یهودا گفت: «گناه کردم که خون بی‌گناهی را تسلیم کردم» (متی ۲۷:۴). هر دو به گناه خود اعتراف کردند. هر دو حقیقت را گفتند. اما پسر گمشده برخاست و نزد پدر خود رفت. او بازگشت. او به خانه آمد. و پدر به سوی او دوید و او را بوسید – نه بوسه خیانت، بلکه بوسه بازگشت. یهودا به سوی پدر بازگشت. او بر علیه خودش شد. رفت و خود را حلق‌آویز کرد. دو اعتراف. دو فرجام. تفاوت در جهت قدم بعدی بود.

پسر گمشده زمانی به خود آمد که به یاد آورد مزدوران پدرش «نان فراوان» دارند (لوقا ۱۵:۱۷). باز هم نان – رشته‌ای که از بیت‌لحم (خانه نان) از میان شام آخر تا این مثل کشیده شده است. پسر گمشده نان را به یاد آورد. یهودا نان را خورد و پاشنه خود را بر علیه کسی که آن را به او داده بود، بلند کرد.

نویسنده عبرانیان خطی میان پسران و کسانی که پسر نیستند رسم می‌کند: «زیرا خداوند هر که را دوست می‌دارد، تأدیب می‌کند، و هر پسری را که می‌پذیرد، شلاق می‌زند. اگر تأدیب

را تحمل می‌کنید، خدا با شما چون پسران رفتار می‌کند؛ زیرا کدام پسر است که پدرش او را تأدیب نکند؟ اما اگر از تأدیبی که همه در آن شریک‌اند بی‌بهره‌اید، پس حرام‌زاده‌اید و نه پسر» (عبرانیان ۱۲:۶-۸). خدا فرزندان خود را تنبیه می‌کند. او آنها را پاک می‌سازد. او آنها را اصلاح می‌کند. پطرس با بانگ خروس توبیخ، تأدیب و شکسته شد – و بازسازی گشت. این تأدیب پدری بود که او را دوست داشت. یهودا هشدار پس از هشدار دریافت کرد – و هیچ‌یک به بازسازی نینجامید. هیچ عصای پدری دلسوز در کار نبود، زیرا او نمی‌خواست پسر باشد. او، به زبان صریح عبرانیان، پسر نبود بلکه حرام‌زاده بود.

و در نامه به لائودیکیه، مسیح قیام کرده راه چاره‌ای را ارائه می‌دهد که یهودا از آن سرباز زد: «تو را اندرز می‌دهم که طلای تصفیه شده در آتش از من بخری تا ثروتمند شوی، و جامه‌های سفید تا بپوشی و ننگ برهنگی‌ات آشکار نشود، و سرمه‌ای تا به چشمانت بکشی تا بینا شوی» (مکاشفه ۳:۱۸). طلا را از من بخر – نه نقره را از سران کهنه. طلای تصفیه شده در آتش – ایمانی که آزموده شده و اصالتش ثابت گشته است، «که از طلای فانی که با آتش آزموده می‌شود، بس گرانبه‌تر است» (۱ پطرس ۱:۷). یهودا نقره‌ای را برگزید که فانی بود. مسیح طلایی را عرضه می‌کند که ماندگار است. یهودا ارز این جهان را برگزید. مسیح ارز پادشاهی را عرضه می‌کند. و درست در آیه بعد: «من هر که را دوست می‌دارم، توبیخ و تأدیب می‌کنم؛ پس غیرت داشته باش و توبه کن» (مکاشفه ۳:۱۹). دعوت همچنان پابرجاست. در باز است. توبه کن – ^{G3340}μετανοέω metanoēō، نه ^{G3338}μεταμέλομαι metamelomai. بازگرد، نه اینکه صرفاً پشیمان باشی. مانند پسر گمشده به خانه بازگرد. پدر هنوز در حال دویدن است.

Revelation 13:8 · بره‌ای که از بنیاد عالم ذبح شده است.

وقتی به عقب برمی‌گردیم و تصویر کامل را می‌بینیم – هر آیه، هر نام، هر مکان، هر ارجاع – یهودای اسخریوطی به عنوان تاریک‌ترین آینه در تمام کتاب مقدس ظاهر می‌شود. او داستان صلیب است که از سمت اشتباه روایت شده است.

کتاب Bible Types Wilson's مفهوم «بره» را با وزنی که این نماد می‌طلبد، شرح می‌دهد. ویلسون ذیل واژه «بره» درباره یوحنا ۱:۲۹ می‌نویسد: «خداوند عیسی بارها به یک بره تشبیه شده است، و این به دلایل بسیار است. بره برای غذا استفاده می‌شد، و نجات‌دهنده به ما فرمود که از او بخوریم. از پشم بره برای تهیه جامه‌های گرم استفاده می‌شود، و به همین ترتیب ما با مسیح پوشانیده شده‌ایم... بره قربانی پذیرفته‌شده‌ای برای خدا بود، و بدین‌سان نجات‌دهنده خود را به عنوان قربانی ما به خدا تقدیم کرد... بره در برابر چیده شدن پشم یا کشته شدن اعتراض نمی‌کند، و به همین ترتیب او مانند بره‌ای به ذبحگاه برده شد، و چون گوسفندی که نزد پشم‌برنده‌اش خاموش است، او نیز دهان خود را نگشود.» و درباره مکاشفه ۵:۶ می‌نویسد: «به نظر می‌رسد که مسیح همواره نشانه‌های مصلوب شدن را با خود دارد... خدا هرگز نخواهد گذاشت فراموش کنیم که خداوند عیسی قربانی گناهان ما گشت.» بره از بنیاد عالم ذبح شده بود. و دستی که او را تسلیم کرد، از بنیاد عالم شناخته شده بود. یهودا بره را فروخت. بره مقاومتی نکرد. او در برابر متهم‌کننده‌اش خاموش بود، در برابر آن بوسه خاموش بود، در برابر سربازان خاموش بود. کسی که دهان خود را نگشود، توسط کسی تسلیم

شد که دهان خود را گشود تا بگوید: «درود بر تو ای استاد» (متی ۲۶:۴۹). بره نشانه‌ها را بر تن داشت. خیانت‌کار ننگ را با خود برد.

کتاب Figures of Speech Bullinger's آنچه را که در ادامه می‌آید، چنین نام‌گذاری می‌کند: **Antithesis** (تقابل) – «قرار دادن یک عبارت در تضاد با عبارت دیگر، به منظور برجسته‌تر کردن تضاد و در نتیجه تأکید بر آن». تمام روایت یهودا بر پایه تقابل بنا شده است. هر جزئیاتی از داستان یهودا، آینه‌ای در داستان مسیح دارد – و این تضادها اتفاقی نیستند. آنها ساختار خود متن هستند.

هر دوی آنها، هم او و هم عیسی، نام **یهودا** را بر خود داشتند – نامی که معنایش «ستایش» است. عیسی شیر قبیله یهوداست (مکاشفه ۵:۵)، کسی که تمام ستایش‌ها برازنده اوست. یهودا نیز همان نام را بر دوش می‌کشید – و به بزرگ‌ترین مایه ننگ آن تبدیل شد. ریشه این نام، ^{H3034}יְהוּדָא yādā، هم به معنای «ستایش کردن» و هم به معنای «پرتاب کردن» است. او برای ستایش ساخته شده بود. اما او پرتاب کردن را برگزید – و آنچه او پرتاب کرد، بهای خون بی‌گناه بود.

هر دو با **نان** در پیوند بودند. عیسی نان حیات است (یوحنا ۶:۳۵)، زاده شده در بیت لحم – خانه نان H1035. یهودا کسی است که آن نان را خورد و پاشنه خود را بر علیه کسی که آن را به او داده بود بلند کرد (مزمور ۴۱:۹، یوحنا ۱۳:۱۸). نان شراکت و نان خیانت در یک شب شکسته شدند.

هر دو در همان آخر هفته فصح بر یک **دار** آویخته شدند. عیسی بر دار صلیب آویخته شد (اعمال ۵:۳۰، ۱۰:۳۹، ۱ پطرس ۲:۲۴) و لعنت تثنیه ۲۱:۲۳ را برای ما بر دوش گرفت تا ما بازخرید شویم (غلاطیان ۳:۱۳). یهودا خود را بر دار دیگری آویخت (متی ۲۷:۵) و تحت همان لعنت، بدون بازخرید، افتاد. یک دار راه بهشت را گشود – «امروز با من در فردوس خواهی بود» (لوقا ۲۳:۴۳). دار دیگر راه هلاکت را گشود.

هر دو با **خون** در پیوند بودند. خون عیسی «برای آمرزش گناهان» ریخته شد (متی ۲۶:۲۸). خون یهودا زمینی را که برای همیشه نام او را بر خود داشت، سیراب کرد – آکل دما، یعنی مزرعه خون (اعمال ۱:۱۹). یک خون نجات می‌دهد، دیگری محکوم می‌کند.

هر دو با **سی پاره نقره** در پیوند بودند. زکریای نبی این قیمت را پیشگویی کرده بود (زکریا ۱۱:۱۲-۱۳). سران کهنه آن را پرداختند. یهودا آن را بازگرداند. کاهنان با آن زمینی خریدند. و آن زمین به گورستانی برای غریبه‌ها تبدیل شد – برای بی‌نام‌ونشان‌ها، فراموش‌شدگان و مردگان بی‌صاحب. این همان میراثی است که یهودا برگزید: نه میراث مقدسین در نور (کولسیان ۱:۱۲)، بلکه سهمی از خون در زمین مرگ.

و هر دو به «مکان خود» رفتند. عیسی به دست راست پدر صعود کرد (مرقس ۱۶:۱۹، اعمال ۱:۹). یهودا به هلاکت فرو افتاد (اعمال ۱:۲۵). پسر خدا به جلال بازگشت. پسر هلاکت به نابودی بازگشت. همان کلمات – «مکان خود» – مقصدهایی را توصیف می‌کنند که بی‌نهایت از هم دورند.

در تمام کتاب مقدس تنها دو نفر «پسر هلاکت» نامیده شده‌اند: یهودای اسخریوطی (یوحنا ۱۷:۱۲) و مرد شریر در آخرالزمان (۲ تسالونیکیان ۲:۳). یهودا کهن‌الگوی ضد مسیح است –

کسی که در جایگاه قدرت می‌نشیند، کسی که به نظر می‌رسد به خدا خدمت می‌کند، اما از درون با او مخالفت می‌ورزد.

و با این حال – و این تکان‌دهنده‌ترین حقیقت کل ماجراست – **حتی بدترین عمل در تاریخ بشر، در خدمت نقشه خدا قرار گرفت.** بدون خیانت، دستگیری در کار نبود. بدون دستگیری، محاکمه‌ای نبود. بدون محاکمه، صلیبی نبود. بدون صلیب، بازخريد و نجاتی نبود. یهودا با اراده آزاد خود، شیرانه‌ترین عملی را که یک انسان تاکنون مرتکب شده، برگزید. و خدایی که پایان را از ابتدا می‌بیند، آن انتخاب آزادانه را در نقشه نجاتی که پیش از بنیاد عالم نوشته شده بود، بافت. «این مرد را که طبق اراده و پیش‌دانی مقرر خدا تسلیم شده بود، شما به دست شیران بر صلیب کشیده، کشتید» (اعمال ۲:۲۳). اراده مقرر. دست‌های شیر. هر دو حقیقت دارند. بره از بنیاد عالم ذبح شده بود (مکاشفه ۱۳:۸). و دستی که او را تسلیم کرد، از بنیاد عالم شناخته شده بود.

مردی که نامش «ستایش»، «پسر شنیدن» و «مرد شهر» بود – او ساخته شده بود تا خدا را ستایش کند، صدای مسیح را بشنود و به قوم خدا تعلق داشته باشد. او نقره را برگزید. او شب را برگزید. او دار را برگزید. و داستان او برای همیشه به عنوان تاریک‌ترین گواهی بر این حقیقت باقی می‌ماند که چه ممکن است رخ دهد وقتی به انسانی همه چیز داده می‌شود و او تنها چیزی را که اهمیت دارد، رد می‌کند.

«انسان را چه سود که تمام دنیا را ببرد، اما جان خود را از دست بدهد؟» (مرقس ۸:۳۶).

یهودا تمام دنیا را به دست نیاورد. او سی پاره نقره به دست آورد. و جان خود را از دست داد.

فصل ۱۸

تماس با ما

منتشر شده توسط **TruthBeTold Ministry / Publiflye AS**.

تحقیقات با استفاده از **Darash Bible Service** (darash.publifye.pro) گردآوری و توسط **Claude** (Anthropic) سازمان‌دهی شده است. Darash به ۵۷ ترجمه کتاب مقدس به بیش از ۳۰ زبان، ۱۳ فرهنگ لغت تخصصی (از جمله International Stan، Nave's Topical Bible، Fausset's، Smith's، Easton's، Bible Encyclopedia Figures، Bullinger's، Webster's، ATS، Hawker's، Wilson's، Hitchcock's، Torrey's و Strong's Concordance، Thayer's) و تحلیل کامل صرفی و ارجاعات متقابل Treasury of Scripture Knowledge را فراهم می‌کند.

یک نسخه تعاملی در junifye.publifye.pro/the-devils-son در دسترس است که دارای ارجاعات قابل کلیک آیات کتاب مقدس برای نمایش متن کامل آیه، و اصطلاحات یونانی/عبری قابل کلیک برای نمایش تعاریف Strong's Concordance می‌باشد.

ناشر

Publifye AS / TruthBeTold Ministry

تماس

برای پرسش‌ها، درخواست‌های دعا یا گفتگوی بیشتر، لطفاً به publifye.org/contact مراجعه کنید. همچنین می‌توانید از چت‌بات در گوشه سمت راست پایین صفحه برای تماس مستقیم با ما استفاده کنید.

کتاب‌های تولید شده توسط TruthBeTold Ministry در Amazon.com و tbtm.sale در دسترس هستند.

همچنین موجود است:

- junifye.publifye.pro/born-again — Born Again / Født På Ny
- junifye.publifye.pro/through-the-waters — Through the Waters
- junifye.publifye.pro/the-case-for-marriage — The Case for Marriage
- junifye.publifye.pro/jesus-in-scripture — Jesus in Scripture

«زیرا پسر انسان آمده است تا گمشده را بجوید و نجات بخشد.» — لوقا ۱۹:۱۰

Soli Deo Gloria

How this was made

This is the author's own work. It was composed with [junifye](#) and an AI assistant, drawing its Scripture and original-language work (Greek, Hebrew, cross-references) from [Darash](#) (Hebrew darash, "to seek, inquire, study"), a tool and reference work for the Bible in its original languages.

A gift of support — [Stripe](#)



Scan to read this book online